

ادبیات معاصر ایران، جهانی است



معاصر به فرانسویان است. مثلاً در گفت‌وگوها و میزگردهای تلویزیونی یا مطبوعاتی حاضر نمی‌شوم و راجع به ایران صحبت نمی‌کنم چون اصلاً به من اجازه نمی‌دهند که باورهای خودم را، که حاصل تجربه نزدیک و زندگی در ایران است، بگویم؛ خیلی سریع به بحث جنبه سیاسی می‌دهند.

فرهنگ برای ایرانیان زندگی است، یعنی سیاست، فرهنگی است، اقتصاد، فرهنگی است و این مشخصاتی است که فرانسویان باید بدانند و کسانی مثل من در جامعه فرانسه کارهای خیلی زیادی دارند تا بتوانند جامعه ایران را بشناسانند. آنچه من در حال حاضر معتقدم کار معقولی است، همین شناساندن ایران از طریق ادبیات

کتابخانه

عکس: نینس منصودی

شنبه اول اسفند ۱۳۸۸
۲۰ ربيع الاول ۱۴۳۱، فوریه ۲۰۱۰
شماره ۲۲۱، پیاپی ۸۷۲
صفحه ۲۴، ۲۰۰ تومان

ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواجه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم
تلفن: ۶۶۹۶۱۵۱-۴
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: شرکت افست

www.ketabehafteh.ir



آثار دهخدا
شناسنامه
ایرانیان است
۱۸



توجه توأمان
به گذشته
و آینده
۱۶



دستاوردهای
نمایشگاه‌های استانی
کتاب در سال جاری
۱۰

۲
• وزارت ارشاد
از فعالیت
برون مرزی ناشران
حمایت می‌کند
• تدارک برنامه‌های
بیست و سومین
نمایشگاه بین‌المللی
کتاب تهران
• توماس آکوینی
در سرای اهل قلم
۳
• محفل شاعران مرده
زیر چاپ رفت
• پر فروش‌های نشر
از زبان کتابفروشان

با حضور وزیر ارشاد و جمعی از شاعران

جشنواره شعر فجر امروز برگزیدگان را می‌شناسد

یک از این دو نفر به طور مستقل هدایایی اهدا خواهد شد. «امیدی در ادامه افزود: «به این ترتیب در جشنواره شعر امسال ۱۰ نفر برگزیده داریم و علاوه بر این نیز داوران، آثار دو نفر از شاعران را شایسته تقدیر دانسته‌اند، که این دو شاعر نیز در مراسم امروز معرفی خواهند شد.» دبیر اجرایی چهارمین جشنواره شعر فجر همچنین از شعرخوانی برخی شاعران در مراسم اختتامیه این جشنواره خبر داد و گفت: «در مراسم امروز، شاعران مختلفی از ایران و برخی از مدعوین خارجی به قرائت شعر خواهند پرداخت که برخی از این اشعار از میان آثار راه یافته به مرحله نهایی انتخاب شده‌اند.»



امیدی در ادامه از چاپ آثار برگزیده چهارمین جشنواره شعر فجر در قالب کتاب خبر داد و یادآور شد: «قرار است بعد از پایان این دوره از جشنواره آثار برگزیده هر یک از سه بخش را در قالب کتابی مستقل به چاپ برسانیم یعنی آثار برگزیده بخش سنتی در یک کتاب، آثار برگزیده بخش شعر نو اعم از نیمایی و سپید در یک کتاب و مجموعه آثار برگزیده بخش کودک و نوجوان نیز در کتابی جداگانه به چاپ خواهند رسید تا بدین ترتیب آثار برگزیده در دسترس عموم قرار گیرد و خوانندگان نیز درباره این آثار قضاوت کنند که البته امیدواریم نظر مخاطبان این آثار نیز با داوران ارجمند این جشنواره همسو و هم‌رأی باشد.»

ادامه در صفحه ۲

آیین اختتامیه چهارمین جشنواره شعر فجر، امروز، اول اسفند با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، محسن پرویز معاون فرهنگی وزیر ارشاد، جمعی از مدیران فرهنگی کشور و با حضور بیش از ۱۵۰ شاعر از استان‌های مختلف کشور در تالار وحدت تهران برگزار می‌شود.

مصطفی امیدی، دبیر اجرایی چهارمین جشنواره شعر فجر در گفت‌وگو با کتاب هفته با اعلام این مطلب، از شرکت ۶۷۸ شاعر در چهارمین دوره از جشنواره شعر فجر خبر داد و گفت: «تعداد کل آثاری که به دبیرخانه این جشنواره رسیده ۱۲ هزار و ۹۰۰ اثر از ۶۷۸ شاعر بوده که همه این آثار در شش مرحله توسط گروه‌های داور به طور جداگانه مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.» به گفته دبیر اجرایی این جشنواره، آثار ارسال شده در سه بخش سنتی، نو (اعم از نیمایی و سپید) و کودک و نوجوان مورد بررسی قرار گرفته‌اند که در هر یک از این بخش‌ها سه اثر به عنوان آثار برگزیده هر بخش معرفی خواهند شد.

امیدی در این باره توضیح داد: «در هر بخش سه شاعر برگزیده داریم، اما استثنائاً در یک مورد با توجه به دقت‌هایی که در داور صورت گرفته بود، در یکی از بخش‌ها، یعنی در بخش سنتی رتبه دوم به طور مشترک به دو نفر تعلق می‌گیرد که البته این اشتراک به این معنا نیست که به دو نفر یک جایزه اهدا شود، بلکه به هر

سرآغاز

خود را باور کنیم

اهل قلم، بارها تجربه کرده‌اند که وقتی نوشته‌هایشان را پس از مدتی، دوباره می‌خوانند، گاهی خود نیز باور نمی‌کنند که آن کلمات ورز آمده، آن جمله‌های قوام یافته و آن ادبیات به یاد ماندنی، تراوش قلم خودشان است! عجیب نیست وقتی دیگران نیز اثری را می‌خوانند، جرأت نمی‌کنند آن را ثمره واقعی تلاش یک هموطن و هم‌مسلك خود بدانند.

«باور» عادت و فرهنگ ارزشمندی است که رشد آن در دل اهل قلم و اهل مطالعه، هزار هزار ریشه «توانستن» را ماندگار و جاودانه می‌کند.

جشنواره‌ها، مسابقه‌ها، مصاحبه‌ها و... فرهنگی و ادبی، همه در تلاشتان تا این «باور» را «باور» کنند.

باید باور کنیم که دیگران، بهتر از خودمان باورمان کرده‌اند، به خودباوری رسیدن، دشوار نیست. خودمان، آثارمان و داشته‌هایمان را باور کنیم.



ما نمی خواهیم به مردم بگوییم شما حتما این کتاب را بخوانید، آن کتاب را نخوانید، نه، انواع سلیق، انواع فکر ها، انواع ذهن ها، انواع استعدادها، باید در مقابل خودشان میدان بازی داشته باشند؛ برای این که آنچه را می خواهند، بتوانند انتخاب کنند. اما آن چیزی را که همراه کننده و فاسد کننده است، ما نباید اجازه دهیم وارد میدان بشود. این، وظیفه ماست؛ وظیفه دولت ماست؛ وظیفه وزارت ارشاد است.

بیانات رهبر معظم انقلاب

در دیدار دست اندرکاران برگزاری هفته کتاب

۷۵/۷/۳۰

تدوین دایرة المعارف تصویری قرآن

ایکنا - آرمان آراین از تدوین دایرة المعارف تصویری و نمایشی قرآن کریم بر مبنای نقش باورهای مذهبی در طول تاریخ در شکل دهی به شخصیت ها و آثار هنری در ایران خبر داد.

به گفته آرمان آراین دایرة المعارف تصویری و نمایشی قرآن کریم با نگاه به قابلیت های تصویری و نمایشی شخصیت های قرآن کریم در دست تدوین قرار گرفته و مبنای آن نیز بررسی نقش باورهای مذهبی در طول تاریخ در شکل دهی به شخصیت ها و آثار هنری در ایران است.

وی افزود: «پیش از شروع تدوین این اثر، با همین موضوع دایرة المعارفی را با نگاه به اوستا تدوین کرده بودم که با توجه به نقش بی بدیل قرآن در فرآیند شکل دهی به جریان فرهنگ در ایران، در ادامه سراغ تدوین این دایرة المعارف از این نگاه پرداخته ام.»

وی با اشاره به این که در نگارش این دایرة المعارف بحث مذهبی نیست، بلکه بحثی هنری و تصویری است، افزود: «از این دست کار پیش از این تنها برخی بازنویسی داستانی موجود بوده است و دایرة المعارف به صورت فوق برای نخستین بار در دست تدوین قرار گرفته است که می تواند زمینه مناسبی را برای ایجاد روایت ها و اقتباس های گوناگون داستانی و هنری برای ما ایجاد کند.»

آراین با اشاره به این که این دایرة المعارف را به صورت مقاله ای تدوین نکرده است، اظهار کرد: «این کتاب به صورت ارائه تعاریف برای کلیدواژه های قرآنی که جنبه بصری دارند، تدوین می شود و در نگارش آن التاز ناصحی نیز به من یاری می رساند و به طور تقریبی نگارش را تا پایان سال ۱۳۹۰ به اتمام خواهیم برد.»

جشنواره شعر فجر امروز برگزیدگان را می شناسد

ادامه از صفحه اول

دبیر اجرایی جشنواره در پایان به برنامه های اجرا شده در مدت برگزاری جشنواره شعر در استان ها اشاره کرد و گفت: «در طول برگزاری چهارمین جشنواره شعر، در همه استان ها همایش های ادبی و شب های شعر با حضور شاعران برجسته و نام آشنا از استان های مختلف و با هماهنگی دبیرخانه مرکزی این جشنواره برگزار شد که شاعران در این همایش ها ضمن شعر خوانی به نقد و بررسی ادبی و به ویژه به نقد شعر پرداختند و آثار جدید شاعران استانی در این همایش ها معرفی شدند.»

مراسم پایانی چهارمین دوره جشنواره شعر فجر امروز، اول اسفند ماه از ساعت ۱۶ تا ۱۸ با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از مسؤولان فرهنگی و شاعران در تالار وحدت تهران برگزار می شود.

وزارت ارشاد از فعالیت برون مرزی ناشران حمایت می کند

خارج از مرزهای ایران حمایت می کند و برگزاری این نشست بین المللی نیز راهی برای گسترش فعالیت ناشران در خارج از ایران است.»

وی با بیان این که نشست حاضر با هدف تقدیر از ناشران و ارج نهادن به زحمات آنها، برپا شده است افزود: «بدون کمک و یاری ناشران، نمایشگاه کتاب تهران بهبود نخواهد یافت.»

این در حالی است که قبل از سخنان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، ناشران سوال ها و نظرات خود را با دکتر محسن پرویز، معاون امور فرهنگی وزارت ارشاد، محمود سالاری، مدیر کمیته ناشران داخلی نمایشگاه بین المللی کتاب تهران درباره مسائل مختلف صنعت نشر و همچنین نمایشگاه کتاب تهران در میان گذاشتند.

دکتر پرویز نیز در پایان به پرسش های ناشران پاسخ گفت. این نشست که برای اولین بار در تاریخ صنعت نشر با چنین وسعتی برگزار می شد، با استقبال ناشران روبه رو شد.



محمد الهیاری فومنی، دبیر شورای سیاستگذاری بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، از برگزاری یازده جلسه توسط این شورا، برای تدارک بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران خبر داد.

محمد الهیاری در گفت و گو با «کتاب هفته» گفت: «از خرداد ماه تاکنون حدود یازده جلسه در حوزه های مختلف از جمله ثبت نام ناشران بخش های داخلی و بین المللی، فعالیت های جنبی و روابط عمومی برگزار شده و این جلسات مصوباتی نیز داشته است.»

دبیر شورای سیاستگذاری بیست و سومین نمایشگاه

بین المللی کتاب تهران درباره مکان برگزاری نمایشگاه امسال اظهار داشت: «مدتی پیش با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و اعضای شورای سیاستگذاری، بازدیدی از مصلا داشتیم و پس از آن وزیر فرهنگ و ارشاد مذاکراتی با وزیر مسکن و شهرسازی داشتند.»

الهیاری افزود: «پس از بازدید از مصلاهای تهران، قرار شد طی جلسه ای که با مسؤولان مصلا و مسؤولان وزارت مسکن برگزار می شود، هماهنگی های لازم برای در اختیار گذاشتن فضای مصلا برای برپایی نمایشگاه کتاب صورت بگیرد تا بتوانیم هر چه زودتر کار آماده سازی نمایشگاه بین المللی کتاب تهران را

مرحله ای رسیده ایم که نباید تنها به نشر کتاب در کشور بیندیشیم؛ بلکه ناشران داخلی می توانند ترجمه کتاب های فارسی را برای عرضه در دیگر کشورها دنبال کنند.»

سید محمد حسینی با اشاره به برگزاری نشست بین المللی ناشران کشورهای اسلامی در اوایل سال آتی گفت: «وزارت ارشاد از فعالیت فرهنگی ناشران در

محمد الهیاری خبر داد

تدارک برنامه های بیست و سومین نمایشگاه کتاب تهران

انجام دهیم.» مدیر کل اداره کتاب وزارت ارشاد در ادامه با اشاره به لزوم همکاری همه نهادها در برگزاری نمایشگاه بین المللی کتاب تهران گفت: «با توجه به اهمیتی که نمایشگاه بین المللی کتاب تهران به عنوان مهم ترین فعالیت فرهنگی کشورمان دارد و نیز تاثیری که بر اقتصاد نشر کشور می گذارد لازم است همه دستگاه ها کمک کنند تا از رهگذر تعامل نهادها و دستگاه های مختلف این حرکت بزرگ که به عنوان مهم ترین فعالیت فرهنگی کشور ارزش ملی دارد، همچون سال های گذشته با قوت و شکوه برگزار شود.»

محمد الهیاری فومنی، دبیر شورای سیاستگذاری بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، از برگزاری یازده جلسه توسط این شورا، برای تدارک بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران خبر داد.

محمد الهیاری در گفت و گو با «کتاب هفته» گفت: «از خرداد ماه تاکنون حدود یازده جلسه در حوزه های مختلف از جمله ثبت نام ناشران بخش های داخلی و بین المللی، فعالیت های جنبی و روابط عمومی برگزار شده و این جلسات مصوباتی نیز داشته است.»

دبیر شورای سیاستگذاری بیست و سومین نمایشگاه

بین المللی کتاب تهران درباره مکان برگزاری نمایشگاه امسال اظهار داشت: «مدتی پیش با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و اعضای شورای سیاستگذاری، بازدیدی از مصلا داشتیم و پس از آن وزیر فرهنگ و ارشاد مذاکراتی با وزیر مسکن و شهرسازی داشتند.»

الهیاری افزود: «پس از بازدید از مصلاهای تهران، قرار شد طی جلسه ای که با مسؤولان مصلا و مسؤولان وزارت مسکن برگزار می شود، هماهنگی های لازم برای در اختیار گذاشتن فضای مصلا برای برپایی نمایشگاه کتاب صورت بگیرد تا بتوانیم هر چه زودتر کار آماده سازی نمایشگاه بین المللی کتاب تهران را

مرحله ای رسیده ایم که نباید تنها به نشر کتاب در کشور بیندیشیم؛ بلکه ناشران داخلی می توانند ترجمه کتاب های فارسی را برای عرضه در دیگر کشورها دنبال کنند.»

سید محمد حسینی با اشاره به برگزاری نشست بین المللی ناشران کشورهای اسلامی در اوایل سال آتی گفت: «وزارت ارشاد از فعالیت فرهنگی ناشران در

محمد الهیاری خبر داد

برنامه هفتگی سرای اهل قلم ◀ توماس آکوینی در فرهنگ دیروز و امروز غرب

در ادامه سلسله نشست های فلسفه در سرای اهل قلم، نشست «توماس آکوینی در فرهنگ دیروز و امروز غرب» عصر سه شنبه (۱۴ اسفندماه) با حضور نویسندگان و استادان فلسفه دانشگاهی برگزار می شود. سخنرانان این نشست دکتر کریم مجتهدی، استاد فلسفه دانشگاه تهران (مؤلف کتاب «تاریخ فلسفه، قرون وسطی و رنسانس») و دکتر محمد ایلخانی، دانشیار گروه فلسفه دانشگاه شهید بهشتی و مؤلف کتاب «فلسفه در قرون وسطی» به عنوان سخنرانان این نشست نام برد.

سایر برنامه های این هفته سرای اهل قلم: یکشنبه، دوم اسفند: نشست «عرفان در ادبیات ایران» با حضور دکتر پرویز عباسی داکانی از ساعت ۱۶/۳۰ تا ۱۸/۳۰.

دوشنبه، سوم اسفند، نشست اول: نقد و بررسی کتاب «پرورش خلاقیت به کمک بازی های و انمودی» از ساعت ۱۶/۳۰ تا ۱۸/۳۰ و نشست دوم: کارگاه داستان نویسی با حضور فیروز زوزی جلالی از ساعت ۱۴ تا ۱۶.

چهارشنبه، پنجم اسفند: نقد و بررسی کتاب «متدولوژی علوم قرآنی» با حضور دکتر عبدالهادی قهقی زاده و دکتر بخشعلی قنبری از ساعت ۱۷ تا ۱۹.

سرای اهل قلم در خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۲ واقع و شرکت در این نشست ها برای عموم آزاد است. علاقه مندان برای دریافت اطلاعات بیشتر می توانند با شماره ۶۶۹۶۱۵۶ تماس بگیرند.

محمدیاسر هدایتی، دبیر گروه دین و اندیشه سرای اهل قلم، ضمن بیان این خبر، عنوان کرد: «سنت توماس آکوینی» یکی از فیلسوفان معروف و متاله مسیحی در قرون وسطی بود که قهرمان جمع میان الهیات و مسیح با فلسفه ارسطویی محسوب می شود. وی با بیان این که «آکوینی، شاگرد آلبرت کبیر، پس از وی در قرن ۱۳ به سمت استادی الهیات دانشگاه پاریس رسید» افزود: «آتین ژیلسون» یکی از پژوهشگران و فیلسوفان قرن ۲۰ و مؤلف کتاب «تومیسم» است که تلاش کرد فلسفه آکویناس را بازآفرینی کند و معرفی دوباره ای از او به غرب ارائه دهد.

دبیر گروه دین و اندیشه سرای اهل قلم از دکتر کریم مجتهدی، استاد فلسفه

علی اوجبی، سردبیر کتاب ماه فلسفه از تدارک شش ویژه نامه «کتاب ماه فلسفه» با موضوع توماس آکویناس، منطق ابن سینا، مارتین هایدگر، ابن رشد، خواجه نصیرالدین طوسی و فلسفه ذهن در سال ۸۹ خبر داد.

وی در گفت و گو با کتاب هفته با اعلام این خبر درباره نحوه انتخاب موضوع این شش ویژه نامه اظهار داشت: «بر اساس مشورت هایی که با اساتید حوزه فلسفه داشتیم، برای سال آینده شش ویژه نامه را بر اساس این اولویت که روی کدام جریان های فلسفی و چه شخصیت هایی باید کار کنیم، طراحی و برنامه ریزی کردیم.» اوجبی یادآور شد: «از این شش ویژه نامه، سه ویژه نامه در حوزه فلسفه اسلامی به بررسی آراء ابن سینا، خواجه نصیر و ابن رشد

از سوی کتاب ماه فلسفه منتشر می شود

شش ویژه نامه در سال ۸۹

اختصاص خواهد داشت و در سه ویژه نامه دیگر نیز در حوزه فلسفه غرب به بررسی آراء هایدگر، آکویناس و فلسفه ذهن خواهیم پرداخت.»

وی از پژوهشگرانی که علاقه مند به ارائه مقاله در موضوعات مذکور هستند دعوت کرد تا آثار خود را به نشانی k.m.falsafeh@gmail.com ارسال کنند.

به گفته اوجبی در شش شماره دیگر کتاب ماه فلسفه در سال آینده شش موضوع دیگر نیز در بخش «پرونده» - که شامل مقالاتی است که موضوع واحدی را دنبال می کنند- مورد بررسی و کنکاش قرار خواهد گرفت. موضوعات در نظر گرفته شده برای این بخش نیز سه موضوع در زمینه فلسفه اسلامی درباره استاد شهید مطهری، استاد ثبوت و استاد سید جلال الدین آشتیانی خواهد بود و در

فلسفه در سال ۱۳۸۸

توماس آکویناس (برنده)

منطق ابن سینا (برنده)

مارتین هایدگر

ابن رشد

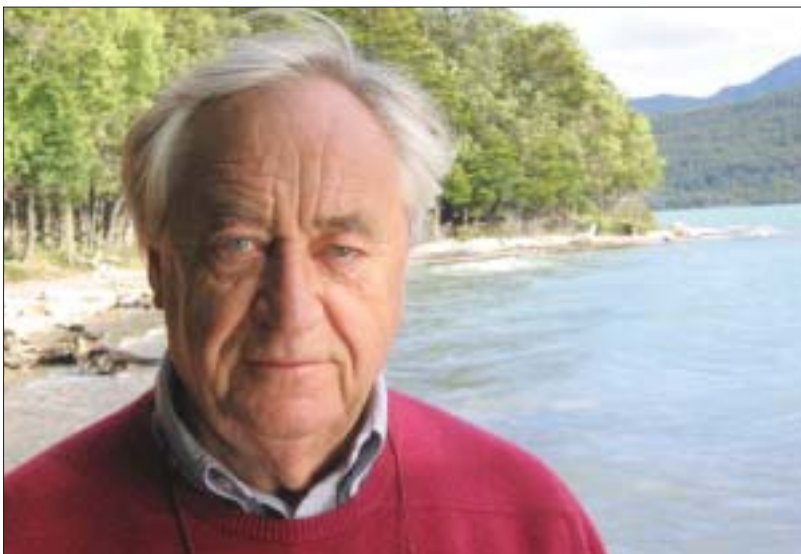
خواجه نصیرالدین طوسی (برنده)

فلسفه ذهن

پوهنگاران فلسفه سرانجام سلامت دورا به ارس k.m.falsafeh@gmail.com ارسال کند.

حوزه فلسفه غرب نیز آراء بودریار، مکن ایتنایر و اسپینوزا بررسی و بازکاوی خواهد شد.

محفل شاعران مرده زیر چاپ رفت



«در محفل شاعران مرده»، کتابی از نوته بوم سیس، نویسنده هلندی آلمانی زبان، شامل عکس‌هایی از محل دفن شاعران و نویسندگان مطرح جهان و ترجمه فارسی قطعه‌هایی از این ادیبان، در ایران منتشر می‌شود.

این کتاب را مهشید میرمعزی، مترجم زبان آلمانی، به فارسی ترجمه کرده که ترجمه او توسط موسسه نشر ثالث زیر چاپ است و به زودی روانه بازار کتاب ایران می‌شود.

«در محفل شاعران مرده» شامل عکس‌هایی است که سیمونه ساسن، همسر نوته بوم سیس، از سنگ قبر یا محل تدفین شاعران و نویسندگان مطرح جهان گرفته و نوته بوم سیس، بخش‌هایی از شعر یا قطعه‌هایی ادبی از این ادیبان را گردآوری کرده تا در کنار عکس مزار آنان منتشر شود.

میرمعزی درباره این کتاب توضیح داد: «نوته بوم سیس گاه بخشی از نوشته‌های این ادیبان را در کتاب آورده، گاه بخشی از نوشته دیگران درباره آنها را در کتاب گنجانده و گاه نوشته‌ای به قلم خودش را درج کرده است.»

به گفته میرمعزی، در این کتاب تصویر مزار نویسندگانی چون خورخه لویس بورخس، اسکاتر واید، آندره دوبالزاک، توماس مان، گوته، جیمز جویس، مارسل پروست، برتولت برشت و ژان پل سارتر منتشر خواهد شد. وی در این باره اضافه کرد: «این کتاب به نویسندگان آلمانی محدود نشده و نویسنده و عکاس برای تهیه آن به نقاط مختلف جهان و اروپا سفر کرده‌اند.»

نمایشگاهی از آثار نخستین شاعر زن آلمانی زبان برنده نوبل

موزه برلین در نظر دارد با برپایی نمایشگاهی بزرگ، برای نخستین بار آثار نلی ساکس نخستین شاعر زن آلمانی زبان برنده جایزه نوبل ادبیات را در معرض نمایشگاه قرار دهد.

به گزارش خبرگزاری آلمان، این نمایشگاه که از ۲۵ مارس تا ۲۷ ژوئن (۵ فروردین تا ۷ تیر) برپایه می‌شود، نگاهی اجمالی بر آثار ساکس دارد و مشتمل بر عکس‌ها، دست‌نوشته‌ها و طرح‌های منتشرنشده‌ای است که از این شاعر زن بر جای مانده است.

نلی ساکس یا لونی ساکس نویسنده و شاعر زن آلمانی زبان در سال ۱۸۹۱ در برلین به دنیا آمد و در سال ۱۹۷۰ در استکهلم چشم از جهان فرو بست. وی در سال ۱۹۴۰ از دست حکومت نازی به استکهلم گریخت و در سال ۱۹۶۶ به عنوان نخستین شاعر زن آلمانی زبان موفق به کسب جایزه نوبل ادبیات شد.

«کلمه مادر» آلبرتو مورایا منتشر شد



داستان کوتاه «کلمه مادر» اثر آلبرتو مورایا، نویسنده ایتالیایی، به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شد. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، این داستان را رضا قیصریه از زبان ایتالیایی به فارسی ترجمه کرده است و ترجمه او توسط موسسه انتشاراتی نیلا در قالب یک کتاب جیبی منتشر شده است. این کتاب تا پایان هفته جاری در کتابفروشی‌های ایران توزیع می‌شود.

قیصریه، از نخستین مترجمانی است که به ترجمه آثار مورایا پرداخته و این نویسنده ایتالیایی را به فارسی زبانان شناسانده است. اخیراً ترجمه و چاپ داستان‌های کوتاه از این نویسنده ایتالیایی در ایران رشد داشته و در چند سال گذشته بیش از پنج کتاب از او به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شده‌اند.

قیصریه پیش‌تر در یادداشتی که برای اینبار نگارش کرده، علت افزایش علاقه به آثار این نویسنده را توانایی او در «قصه‌گویی» دانسته و نوشته است: «اگر از خودمان پرسیم چطور داستان‌های این قصه‌گوی ایتالیایی برای چند نسل از فارسی‌خوانان مقبول افتاد و دست آخر چطور شد که نسل جوان امروزی بیشتر

وی همچنین افزود: «این کتاب اصلاً کتابی درباره مرگ نیست. در واقع این اثر درباره جاودانگی است. «در محفل شاعران مرده» می‌خواهد نشان دهد که مرگ و سنگ قبر برای برخی از چهره‌ها، بی‌معنی است و این افراد که همه جای دنیا و در همه وقت یاد و آثارشان پابرجاست، نمرده‌اند.»

از نوته بوم سیس، تنها یک کتاب به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شده است. رمان «داستان بعدی» با ترجمه شهر و زرشید توسط نشر کاروان، سال گذشته در ایران چاپ شده است. این کتاب در سال ۱۹۹۱ در

پشتکار سلینجر از نامه‌هایش آشکار شد

نامه‌های جی.دی سلینجر، نویسنده فقید رمان «ناتور دشت» که برای نخستین بار در نیویورک به نمایش گذاشته می‌شود، نشان از آن دارد که این نویسنده سال‌های طولانی پس از آنکه کتابی چاپ نکرد، همچنان مشغول نوشتن بود.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از گاردین، ۱۱ نامه نوشته شده این نویسنده بین سال‌های ۱۹۵۱ تا ۱۹۹۳ در طول بیش از ۴۰ سال به دوست خود مایکل میچل نشان از تداوم کار سلینجر پس از چاپ «ناتور دشت» دارد. از این نامه‌ها برمی‌آید که وی هر روز صبح ساعت ۶ تا ۷ صبح ساعت ۱۷ خواب برمی‌خاست و کار نوشتن را قطع نمی‌کرد مگر این که به قول خود «مساله‌ای ضروری و اجتناب‌ناپذیر» رخ می‌داد.

نامه‌های سلینجر نمایانگر این موضوع است که یکی از علت‌های مهم گوشه‌گیری این نویسنده همین نظم و انضباط در نوشتن بوده و هر عاملی که وی را از این کار بازمی‌داشت، او را عصبی می‌کرد. چنان که به دوستش می‌گوید: «نمی‌توانم جواب تلفن را بدهم بدون این که ناخودآگاه دندان قروچه نکنم.»

نامه‌های سلینجر در سال ۱۹۹۸ به موزه جدید نیویورک اهدا شده بود اما بنا بود که تا زمان مرگ نویسنده خوانده و به نمایش درنیاورد که اکنون پس از درگذشت وی این نوشته‌ها به معرض دید عموم درمی‌آیند. این نویسنده در ۲۷ ژانویه گذشته (۷ بهمن سال جاری) در سن ۹۱ سالگی درگذشت.

از سلینجر چندین اثر به فارسی ترجمه شده که از آن میان می‌توان به «ناتور دشت» با ترجمه‌های محمد نجفی و احمد کریمی حکاک و «فرانی و زویی» با ترجمه‌های میلاد زکریا و امید نیک فرجام اشاره کرد.

«بازی عروس و داماد» شوخی با مرگ

کتاب «بازی عروس و داماد» نوشته بلقیس سلیمانی از نشر چشمه هفته گذشته در فهرست آثار پرفروش کتابفروشی سراج قرار داشت.

«بازی عروس و داماد» مجموعه‌ای از ۶۰ داستان کوتاه است. نویسنده در این مجموعه با برخوردی ساده و گذرا، ترس از مرگ را به شوخی بدل می‌کند. همچنین زبان ساده و نگاه نویسنده در این مجموعه، دغدغه‌های اجتماعی او را ملموس تر جلوه می‌دهد. سلیمانی، نویسنده «بازی عروس و داماد» جایی درباره این کتاب گفته است: «این کتاب را با این قصد نوشتم که همه آن را بخوانند. من به عنوان یک عضو از خانواده رادیو می‌خواستم یک کتاب «پرتابل» یا همراه بنویسم، کتابی که همه جا قابل استفاده باشد و وقتی وارد خانواده می‌شود اکثر اعضای خانواده آن را بخوانند و هر کس به فراخور موقعیتش، چند داستان از آن را برگزیند.»

دیگر آثار پرفروش کتابفروشی سراج در هفته گذشته، عبارت بودند از «موج چهارم» اثر ریچارد پوبلتر ترجمه سید امیر حسین حجت خواه از انتشارات سراج؛ «شما عظیم‌تر از آنی که می‌اندیشی» نوشته مسعود لعلی از انتشارات بهار سبز؛ «از دولت عشق» اثر کاترین پاندر با ترجمه گیتی خوشدل از انتشارات روشنگران؛ «بطالت» نوشته احسان نوروزی از نشر چشمه؛ «سرزمین گوجه‌های سبز» اثر هرتا مولر با ترجمه غلامحسین میرزاصالح از انتشارات مازیار؛ باز نویسی «امیر ارسلان نامدار» به قلم بزرگمهر شرف‌الدین نوری و «عروسک پدر» نوشته شقایق قندهاری از انتشارات سراج.

کتابفروشی دانان نیز هفته گذشته دو کتاب «چهار اثر» اسکاول شین با ترجمه گیتی خوشدل از نشر پیکان و «از دولت عشق» از کاترین پاندر از نشر روشنگران را در صدر آثار پرفروش خود داشت. همچنین کتابفروشی آراد در حوزه آثار فنی - مهندسی چهار کتاب را در فهرست پرفروش‌های خود داشت؛ «استراتژی‌های معامله در بازار سرمایه» اثر علی محمدی؛ «آشنایی با بازار بین‌المللی مبادلات ارز (فارکس)» نوشته علی محمدی از انتشارات آراد و «فتوشاپ برای همه» و «اسرار نصب ویندوز» نوشته خلیل رضوی از انتشارات کهکشان دانش.

خشم فیلیپ راث به ایران رسید



رمان «خشم» اثر فیلیپ راث، نویسنده آمریکایی و برنده جایزه پولیتزر، به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شد.

این کتاب را فریدون مجلسی به فارسی ترجمه کرده است.

ترجمه وی از سوی انتشارات نیلوفر منتشر شده و به زودی در بازار کتاب ایران توزیع می‌شود.

خشم یکی از آخرین آثار راث، سال ۲۰۰۸ میلادی با نام اصلی Indignation منتشر شده است. داستان این رمان در آمریکای سال ۱۹۵۱ میلادی می‌گذرد؛ هنگامی که دومین سال از جنگ کره جریان دارد. راث در این کتاب ماجرای پسر جوانی را نقل می‌کند که از سوی ارتش آمریکا برای شرکت در جنگ به کره اعزام شده و در همان جا جان خود را از دست می‌دهد.

راث در طول زندگی ادبی خود بیش از ۳۰ کتاب چاپ کرده که برخی از آنها به فارسی ترجمه شده‌اند. انتشارات نیلوفر، ناشر کتاب «خشم» تاکنون دو ترجمه فارسی دیگر از آثار این نویسنده را منتشر کرده که عبارتند از «زنگار بشر» و «اریس جمهور ما».

ترجمه فارسی رمان «خشم» در ۱۹۱ صفحه چاپی منتشر شده است.



همراه با فرانک موریسون اسپیلین خالق کتاب‌های پلیسی

مرد ۱۳۰ میلیون نسخه‌ای

این تجارت پرسود، جایی برای خودم دست و پا کنم. از ایده‌ای که به ذهنم رسیده بود، بسیار ذوق زده شدم. کتاب را به سرعت نوشتم و به ناشر سپردم. چهار ناشر اول، کارم را رد کردند. همه می‌گفتند: نه، نه. این کتاب خیلی کثیف و خشن است! سرانجام انتشارات فاووست کتاب را قبول کرد. این انتشارات در اصل، ناشر کتاب‌های کمیک بود. در هر حال آنها کتاب را خواندند و تشخیص دادند که قابلیت لازم را برای فروش درست و حسابی دارد.»

با این اوصاف، حالا متوجه می‌شوید که قدرت چانه زنی، شم اقتصادی و هوشمندی جناب نویسنده چگونه بوده و او تا کجا جامعه و آدم‌های دور و برش و خواست مخاطبان زمانه‌اش را به درستی رصد کرده است؟! باقی داستان را از زبان خود او بخوانید: «آنها پیشنهاد ۲۵۰ دلار را رد قبال این کتاب دادند، اما من به کمتر از هزار دلار رضایت ندادم. گفتم بنا دارم با پول این کتاب برای خودم خانه‌ای بخرم. بالاخره به توافق رسیدیم که آنها شمارگان کتاب را بالا بگیرند و اگر فروش خوب بود، پولی را که خواسته بودم، به من بدهند. کتاب پیش از کریسمس منتشر شد و در فاصله کریسمس تا سال نو، که راکدترین روزهای خرید کتاب است، فروش حیرت‌انگیزی داشت و خیلی سریع به صدر فهرست کتاب‌های پر فروش راه یافت و در مدت کوتاهی، نزدیک به یک میلیون نسخه آن فروش رفت.»

چرا سر کتابت این بلا را آورده‌اند؟

اسپیلین، آن‌طور که از حرف‌ها و اظهار نظر هایش برمی‌آید، دل خوشی از آمریکایی‌ها، ناشران هموطنش و سینما و کارگردانان این کشور ندارد. او ده‌ها بار تاکید کرده که هیچ‌یک از فیلم‌هایی را که براساس کتاب هایش ساخته‌اند، دوست ندارد. چون معتقد است که هیچ‌یک از کارگردان‌های آمریکایی هرگز کتاب را با دقت نمی‌خوانند.

او می‌گوید: «یک وقتی قرار بود آنتونی کوین در فیلم «انتظار طولانی» بازی کند، اما او کتاب را نخوانده بود و تنها و تنها فیلمنامه را ورق زد و زده بود. به او گفتم: حتما کتاب را بخوان. کتاب را که خواند، به من گفت: چرا سر کتابت این بلا را آورده‌اند؟ ... جواب من یک کلمه بود: هالیوود! آنها سر و ته کتاب را می‌زنند و هر کاری دلشان بخواهد با اثر می‌کنند، چون برای هالیوود کار می‌کنند!»



مایک بنویسیم، مسلماً نگاهش به زندگی با گذشته، تفاوتی اساسی خواهد داشت. می‌دانید، تمام اطلاعاتی که در این سال‌ها به دست آورده‌ام و همه تجربه‌هایی که از سر گذرانده‌ام خود به خود در شخصیت او آفتابی خواهد شد. مایک هارم نسخه‌ای از من است. وقتی جوان بودم او هم شخصیت یک جوان را داشت و زمانی که سنم بالاتر رفت، او هم با من بزرگ شد.»

با «حق‌البوق» کتاب نخست خانه دار می‌شوم!

کتاب نخست مایک هارم با عنوان «من، هیأت منصفه» کتابی است که به یک باره مثل آتش زبانه کشید و در پرتو خود، چهره نویسنده‌اش را برای جهانیان برجسته کرد؛ و البته خیلی هم برق‌آسا نوشته شد. اسپیلین در طول ۹ روز یک نفس این کتاب را نوشت و به ناشر سپرد: «در زمان جنگ جهانی دوم، رمان‌هایی مثل کارهای الکساندر دوما یا موبی دیک و امثال آن در شمارگان بسیار وسیع، تجدید چاپ می‌شدند. این کتاب‌ها را که می‌دیدم، با خودم می‌گفتم: خب این هم شکل تازه‌ای از تجارت است، تجارت پرسودی هم باید داشته باشد. راستش را بخواهید، من همیشه خودم به عنوان کسی که شم تجاری قدرتمندی دارم، ایمان داشتم. برای همین شروع به نوشتن این کتاب کردم تا در

عنوان اثر - یعنی با چند جلد زاد و ولد - به دست علاقه‌مندان دو آتشه‌اش رسید تا خیلی هاتاسال‌های مدید تصور کنند «مایک هارم» را، مجموعه‌ای پانزده جلدی اند! البته از حق نگذریم که او پیگیر قضیه هم نبود، چون هم به پول و پله‌اش رسیده بود و هم می‌دید که این چه کاری است که راه بیفتد به هزار زحمت بیاید این سر دنیا و رد مترجم مورد نظر را بگیرد، پیدایش کند و بگوید: اگر دیگر به اسم من کتاب نوشتی، نوشتی‌ها! در هر حال، ما فعلاً فقط می‌خواهیم از لابه‌لای حرف‌های خود اسپیلین، به جهان داستان‌های پلیسی سرکی بکشیم.

دنیای ادبیات پلیسی برای خودش عالمی است. آدم‌ها و شخصیت‌های جذاب و جالبی زیر سقف بلند و مملو از دلهره و اضطراب قصه‌های پلیسی جمع شده‌اند و زندگی می‌کنند و کارگاه‌های عجیب و غریب، بامزه، سر و ساده و جورواجوری هم با آنها یکی به دو می‌کنند و سر و کله می‌زنند. در این بین، میکی اسپیلین به دنبال خلق یک کارگاه خشن است؛ کارگاهی که مشت‌های سنگینی دارد و مثل یک بوکسور غول‌پیکر از پس هر حریفی برمی‌آید. آقای نویسنده در آفرینش این شخصیت البته از به‌کارگیری جاذبه‌های روابط عاطفی غافل نیست. او درباره شخصیت اصلی قصه‌هایش می‌گوید: «در این روزهای پختگی اگر کتابی درباره

فرانک اسپیلین، از معروف‌ترین قصه‌نویسان ادبیات پلیسی است. تا به حال اسم کارگاه مایک هارم به گوشتان خورده است؟

میکی اسپیلین را می‌شناسید یا نه؟ نویسنده‌ای که دسته‌های کاغذ سفید و یک خودنویس خوش دست، به اضافه یک مشت کلمه و کمی تخیل، او را به همه جارساند و سال‌های سال نامش را سر زبان‌ها انداخت. کسی که وقتی خبر انتشار کتاب‌های پلیسی‌اش در دنیا صدا کرد در اروپا به چاپ‌های متعدد رسید، ثروت کلانی به جیب زد. فرانک موریسون اسپیلین نام حقیقی و شناسنامه‌ای اوست. البته او با نام اختصاری میکی می‌نوشت، مردی که در دنیای داستان‌های عامه‌پسند توانست از همین راه میلیون‌ها دلار به چنگ بیاورد و در سراسر دنیا مشهور شود. البته زمانی اسپیلین با فروش کتاب هایش مشغول پول‌پارو کردن بود که ارنست همینگوی در او ج به سر می‌برد و فوت و فن داستان کوتاه را به کمال رسانده بود. در همان زمان ویلیام فاکتور با انتشار رمان‌های جذاب و جدی، در بین روشنفکران و اهالی ادبیات داستانی به داستان‌نویسی تمام‌عیار و نامی تابناک در جغرافیای قصه‌نویسی تبدیل شده بود و همراه با همینگوی در ردیف برندگان جایزه نوبل قرار داشتند. شاید به همین دلیل و از روی چشم و هم‌چشمی بود که می‌بینیم روابط همینگوی و اسپیلین شکر آب بوده و این دو شخصیت در کمال متانت و با نوعی دیپلماسی ویژه، هر جا که صحبت از هوادار و مخاطب شیدا شده، یکدیگر را متلک‌باران کرده‌اند و از خجالت هم درآمده‌اند. هر چند که خالق کارگاه «مایک هارم» نشان داده حتی در هشتاد و دو سالگی - وقتی ارنست همینگوی با گلوله‌یک تفنگ شکاری خودکشی کرد و به زندگی‌اش پایان داد - باز هم ول‌کن معامله نیست و هر جا می‌نشیند، پشت سر نویسنده فقید، صفحه می‌گذارد. اگر کمی شکیبایی به خرج دهید، ماجرای این بازار گرمی‌ها و کرکری خوانندگان‌ها را هم برایتان روی دایره می‌ریزم.

آقای نویسنده قهرمان است

میکی اسپیلین، نویسنده‌ای است که ۹ عنوان کتاب را به نام کارگاه «مایک هارم» در دنیا منتشر کرد؛ اما در کشور ما همین مجموعه - لابد به مدد عجایب روزگار - چاق و چله شد و در قالب سیزده، چهارده

اتفاقی بامزه برای آقای نویسنده

و تماشای فروش ۱۳۰ میلیون نسخه‌ای از نوشته‌هایش، در سال ۲۰۰۶ درگذشت.

شکار گاه‌های فلوریدا و کمی خاله‌زنکی

برای این که زیر وعده‌مان با شما زنده باشیم، در این بند پایانی، به یقه‌گیری‌های خالق مایک هارم و درگیری‌های کلامی پاپا همینگوی با او اشاره می‌کنیم. «هر تابستان به شکارگاه‌های فلوریدا می‌رفتم. یک رستوران معروف آنجا هست که عکسی از همینگوی را به دیوارشان چسبانده بودند. یک روز صاحب رستوران از من پرسید که می‌تواند عکسی از من بگیرد تا آنجا بگذارد. جواب من مثبت بود و او این کار را کرد تا این که روز دیگری همینگوی می‌آید و عکس مرا می‌بیند و می‌پرسد: «این، کنار من چه کار می‌کند؟ یا عکس مرا بردارید یا عکس این یارو را.» آنها هم عکس او را برمی‌دارند و همینگوی دیگر به آنجا بر نمی‌گردد. من دلم نمی‌خواهد این ماجرا را تعریف کنم، چون از مرد مرده‌ای حرف می‌زنم که قدرت دفاع از خودش را ندارد، اما او گزارشگر فوق‌العاده‌ای بود!»



که ما ایرانیان از نویسندگان در ذهن می‌سازیم. او مرد بسیار شاد و سرحالی بود که هیچ چیز را جدی نمی‌گرفت. به گفته دوستانش، هوش شگفت‌انگیزی داشت و در برخورد با هر کسی خیلی زود او را می‌شناخت. میکی در سال ۱۹۱۸ به دنیا آمد و بعد از ۸۸ سال زندگی

حالا که آرام آرام به پایان این نوشته نزدیک می‌شویم، خالی از لطف نیست که سراغی هم از منتقدان اسپیلین و جبهه‌گیری‌های آنها درباره کتاب‌های پلیسی فرانک موریسون اسپیلین برویم. آنها کتاب‌های او را می‌خواندند و سریع دست به قلم می‌بردند و پنبه آثار پر فروش او را در مجلات و روزنامه‌ها می‌زدند و در مشت و مال دادن نویسنده کوتاهی نمی‌کردند! وقتی از او می‌پرسند آیا هیچ وقت در صدد پاسخگویی به منتقدانتان برآمده‌اید؟ جواب می‌دهد: «به منتقدان چندان توجه نمی‌کنم. این جماعت کتاب را با این نیت می‌خوانند که دل و روده‌اش را بریزند بیرون! باور کنید اگر دستشان به خودم هم می‌رسید، حتما مرا هم تکه‌پاره می‌کردند. من از بابت ترجمه شدن آثارم به زبان‌های دیگر و انتشار کتاب‌هایم در کشور های دنیا، در طول تاریخ و تا امروز (سال ۲۰۰۰) نفر پنجم به حساب می‌آیم. بالاتر از من، لنین، گورکی، تولستوی و ژول ورن قرار دارند. البته می‌دانم که این رده‌بندی، هیچ چیز را ثابت نمی‌کند، ولی به هر حال اتفاق بامزه‌ای است.»

بله، میکی اسپیلین به همه کس شباهت داشت، جز تصویر متعارفی



یادگاری که در این گنبد دوار بماند

سحاب امیدوار: چهارمین جشنواره شعر فجر سرانجام امروز به پایان می رسد و برگزیدگان جوایز خود را دریافت می کنند.

چهارمین جشنواره شعر فجر از روزهای ابتدای سال جاری در فروردین ماه به فعالیت خود شکلی رسمی داد. زمانی که اعضای شورای سیاست گذاری جشنواره طی احکامی منصوب شدند و فعالیت خود را به منظور برنامه ریزی منسجم برای برگزاری چهارمین دوره آغاز کردند.

جشنواره امسال در دو بخش بزرگسال و جوان به شکل رقابتی و در سه عرصه «سنتی»، «نو» اعم از نیمایی و سپید و «کودک و نوجوان» برگزار شد. دبیر جشنواره شعر فجر «علی موسوی گرماردی»، دبیر علمی جشنواره «مرتضی امیری اسفندقه» و دبیر اجرایی «مصطفی امید» بودند.

ویژگی‌ها

رقابتی شدن جشنواره و برگزاری آن به شکل متمرکز، مهم ترین ویژگی این دوره از جشنواره شعر فجر است. این در حالی است که در دوره های قبل، برگزاری جشنواره شعر فجر، تنها در بخش جوان و در استان و در نهایت به شکل محدود در سطح کشوری رقابتی بود، ولی با این تصمیم شورای سیاست گذاری همه شاعران کشور می توانستند اشعار خود را در مقایسه با دیگر شاعران مورد بررسی و داوری کارشناسانی قرار دهند که همگی از استادان خبره حوزه شعرند.

شعرا داوری شدند، نه شاعران

وقتی سید علی موسوی گرماردی در نشست خبری جشنواره خبری شعر فجر و پیش از مراسم افتتاحیه گفت که شعار جشنواره چهارم شعر، داوری



مبتنی بر شعر است نه شاعر، طبیعی بود که این دوره از جشنواره، رقابت آثار شعری بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد. گرماردی همچنین گفت: با این تمرکز بر متن شعر، اگر موفق به شناسایی حتی دو شاعر با استعداد شویم، به اهداف برگزاری جشنواره شعر فجر رسیده ایم. برگزیده شدن شاعران در همه قالب های شعری، از دیگر نکات قوت این دوره از جشنواره شعر فجر محسوب می شود. وقتی این فرصت به همه سلیقه های فکری داده شود که خود را در ترازوی کارشناسان محک بزنند، حسابست و هیجان برگزاری جشنواره نیز خود به خود بالاتر خواهد رفت.

انتشار اسامی داوران همیشه از موضوع های جنجال برانگیز بوده که البته شاعران به واسطه روحیه لطیف خود کمتر درگیر چنین مسائلی حاشیه ای می شوند، اما با این وجود در این دوره اسامی داوران بخش های مختلف منتشر خواهد شد. به گفته دبیر اجرایی جشنواره، انتخاب داوران بر اساس جریان های مختلف فکری و ادبی برای فراگیری هر چه بیشتر جشنواره شعر فجر بوده است. مجموع داوران این جشنواره به بیش از ۳۰ نفر می رسد.

ملاک های انتخاب اثر برتر

هر چند دبیران جشنواره نیز بر این مسأله اذعان داشتند که شعر و شاعری، دستورالعمل پذیر و ملاک پذیر

نیست، اما ملاک هایی برای شاخص داوری ها در این دوره از سوی دبیر جشنواره منتشر شد.

بخش بین الملل

در این دوره، دبیرخانه جشنواره از شاعران پارسی گوی کشورهای دیگر برای ایجاد تعامل و شرکت در جشنواره دعوت به عمل آورد.

از جمله شاعران و پژوهشگران پارسی گویی که به این جشنواره دعوت شده اند، می توان به محمدالامین، احسان صادق اللواتی، دلال عباس، صادق اسماعیل، دارا نجات، محمدعلی عجمی، سمیر مقبل، غسان کلاس، ظهیرالدین محمود، خطاب محمود و عباس علیوی به ترتیب از کشورهای هلند، عمان، کویت، لبنان، تاجیکستان، سوریه، بنگلادش و عراق اشاره کرد. همچنین بیش از ۳۰ استاد و دانشجوی خارجی در رشته ادبیات زبان پارسی از کشورهای بنگلادش، گرجستان، روسیه، ارمنستان، نیجریه، قزاقستان، بلاروس، ایتالیا، ترکیه و چک که برای شرکت در دوره های دانش افزایی به ایران آمده اند.

انتخاب رسانه برتر در جشنواره شعر فجر

در مراسم پایانی جشنواره شعر فجر که در تالار وحدت تهران برگزار می شود، از رسانه هایی که بیشترین توجه به شعر و اخبار جشنواره را داشته اند و تمام تلاش خود را برای انعکاس هر چه مطلوب تر فعالیت های شعری کشور انجام داده اند، تقدیر می شود.

دبیر اجرایی جشنواره در این باره می گوید: معرفی آثار شاعران جوان کشورمان در سراسر کشور، پژوهش و نقد های علمی درباره شعر و توجه به سروده های شاعران معاصر می تواند به ادبیات کشور در حوزه شعر رونق بیشتری بدهد.

دبیر علمی چهارمین جشنواره شعر فجر:

جشنواره شعر فجر، شأن شعر فارسی را به رخ می کشد

شایسته است از همه کسانی که بانی این حرکت شده اند و جشنواره را برای اولین بار برگزار کردند، مانند علیرضا قزوه و دکتر محسن پرویز و مجموعه همکاران ایشان قدردانی شود. در واقع ایشان قطار غافله جشنواره را پس از آن همه سکوت و سکون به حرکت در آوردند و این امانت دست به دست می گردد و امیدواریم هر دست تازه ای که بدان می رسد پاکیزه تر و پالایش شده تر، شأن شعر پارسی را به رخ بکشد.

دبیر علمی چهارمین جشنواره شعر فجر، شایسته است از همه کسانی که بانی این حرکت شده اند و جشنواره را برای اولین بار برگزار کردند، مانند علیرضا قزوه و دکتر محسن پرویز و مجموعه همکاران ایشان قدردانی شود. در واقع ایشان قطار غافله جشنواره را پس از آن همه سکوت و سکون به حرکت در آوردند و این امانت دست به دست می گردد و امیدواریم هر دست تازه ای که بدان می رسد پاکیزه تر و پالایش شده تر، شأن شعر پارسی را به رخ بکشد.

دبیر علمی چهارمین جشنواره شعر فجر، شایسته است از همه کسانی که بانی این حرکت شده اند و جشنواره را برای اولین بار برگزار کردند، مانند علیرضا قزوه و دکتر محسن پرویز و مجموعه همکاران ایشان قدردانی شود. در واقع ایشان قطار غافله جشنواره را پس از آن همه سکوت و سکون به حرکت در آوردند و این امانت دست به دست می گردد و امیدواریم هر دست تازه ای که بدان می رسد پاکیزه تر و پالایش شده تر، شأن شعر پارسی را به رخ بکشد.

در این دوره در هر سه رشته کلاسیک و سنتی، نیمایی و سپید و کودک و نوجوان، برگزیده داشتیم. اما این که بخواهیم به شکل مشخص، رشد هر رشته را مشخص کنیم، کاری دقیق نیست؛ چرا که این بررسی، نیاز به شناخت کامل از همه جوانب جشنواره کاملی دارد. اما بر اساس گفته های داوران، سطح کیفی اشعار این دوره بسیار خوب بوده که این راهم بر اساس ملاک های



داوری اعلام شده می توان بررسی و هم در پرداخت نهایی شعر می توان مشاهده کرد. برای شناخت رشد این دوره نسبت به دوره های قبل نیز باید، آثار دوره قبل در بخش جوان که به شکل رقابتی بود، به طور کامل و همراه با آمار بررسی شود.

به اعتقاد شما چطور می شود شعر پارسی را جهانی کرد، آن هم در شرایطی که نسبت به این مسأله تاکید زیادی می شود؟

معتقدم شعر پارسی جهانی است و جهان باید مثل شعر پارسی شود. در قرن ششم نیز شعر ما جهانی بوده است. شعر پارسی نه تنها جهانی است بلکه دو جهانی است. آنهایی که تلاش می کنند شعر پارسی را جهانی کنند از روستای کوچک خود بی خبرند. اگر شعر پارسی می خواهد جهانی شود باید گریه مان بگیرد، چون جهان امروز چیزی از انسانیت باقی نگذاشته. جهان باید از شعر پارسی صلح، امان و امنیت بیاموزد و چشم جهان باید به یگانگی، زیبایی و شکوهمندی شعر پارسی باز شود و اگر جهان در کشف شعر پارسی ناکام بوده این یا از ناتوانی اوست یا از ناجوانمردیش، و گرنه شعر پارسی با غزل های حافظ، حدیقه الحقیقه سنایی و منطق الطیر عطار و بسیاری آثار خوب دیگر

آیین اختتامیه چهارمین جشنواره شعر فجر، در حالی در تالار وحدت به کار خود پایان می دهد که فعالیت سه دبیر فعالیت های مختلف در این جشنواره دارد. مرتضی امیری اسفندقه، دبیر علمی این جشنواره - که در کنار سید علی موسوی گرماردی - به عنوان دبیر جشنواره فعالیت می کند، مسؤلیت

نظارت بر روند داوری و بررسی آثار را برعهده دارد. در این گفت و گوی کوتاه، وی به سوال های خبرنگار کتاب هفته درباره این دوره از جشنواره شعر فجر پاسخ داده است.

با توجه به این که برای نخستین بار مسؤلیت دبیری علمی جشنواره شعر فجر را برعهده دارید، روند داوری های این دوره از جشنواره را چگونه ارزیابی می کنید؟

در این دوره روند داوری ها، با توجه به حضور موثر داوران و شناخت کامل ایشان از ادبیات، بسیار خوب و مطلوب بود. در این دوره هفت مرحله داوری وجود داشت که شش مرحله آن تحقیقی و مرحله هفتم تاییدی بود که نتایج داوری ها توسط شورای سیاستگذاری تایید می شد. از ویژگی های این دوره جشنواره فجر باید به دقت بیشتر بررسی آثار توسط کارشناسان اشاره کرد. همچنین با این شکل از داوری توانستیم علاوه بر انتخاب نفرات برتر، استعداد های برتر را هم شناسایی کنیم.

در این دوره، در کدام یک از رشته های شعری رشد کیفی محسوسی را شاهد بودید؟

قابل توجه

ناشرین محترم

تحویلی نو در عرصه چاپ کتاب

با خدمات چاپ و انتشارات کتاب شمس

انجام کلیه امور کتاب

از مجوز و حروفچینی تا

چاپ و صحافی را بصورت

کامپیوتری (بدون لیتوگرافی)

بالاترین کیفیت و کمترین قیمت

یکجا تجربه کنید

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۲۹۷۴۱

۰۹۱۲۲۱۵۹۰۷۲

هر هفته با کتاب هفته

به یک نفر بازاریاب فعال جهت توزیع و فروش کتاب نیاز مندیم

۰۹۱۲۳۸۰۹۷۶۹



مینو خانی - پاریس

کریستف بالایی، مترجم زبان فارسی و استاد ادبیات و زبان فارسی در دانشگاه اینالکو (موسسه ملی تحقیقاتی در زمینه تمدن و زبان های شرقی) پاریس است. او در دو مقطع - چهار سال اول انقلاب به عنوان محقق و دانشجو و بار دیگر در سال های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۲ به عنوان رییس انجمن دوستی ایران و فرانسه - و ساکن تهران بود و این سال ها فرصتی فراهم آورد تا جامعه ایران را از نزدیک بشناسد؛ حوادث مهمی چون انقلاب و جنگ در این زمینه کمک ویژه ای به او کرد. «بالایی» به تازگی ترجمه «داستان های شهر جنگی» نوشته حبیب احمدزاده را به پایان برده است. وقتی از کریستف بالایی می شنوم که اینقدر با مسائل فرهنگی ایران درگیر شده که برای چاپ مجموعه «داستان های شهر جنگی» نیاز به یک نظر «خارجی» دارد تا باور کند که این مجموعه «فوق العاده» و حاصل یک «تجربه شخصی و تاریخی» است، به این فکر می کنم که شاید ما هم برای اینکه خیلی از داشته هایمان را باور کنیم و این باور را قوی تر، نیاز به یک نظر «خارجی» داشته باشیم.

کریستف بالایی: روزی مخالفان نیز خواهند فهمید

ادبیات معاصر ایران، جهانی است

که به نظر من خیلی قوی تر از دیگر داستان های این مجموعه است و طبیعی هم هست به خاطر اینکه سبک نویسنده پخته تر و بر تجربیاتش افزوده شده است. «ننه» از لحاظ زبان خیلی قوی است چون نویسنده جسارت کرده از زبان محلی، از زبان خودش استفاده کند...

و این خیلی کمک می کند تا مخاطب همذات پنداری بیشتری با راوی داستان داشته باشد...

دقیقاً. چون ادبیات بدون زبان وجود ندارد. ادبیات چارچوبی است که زبان در آن شکل پیدا می کند، زنده می ماند و میراث فرهنگی را می سازد. این است که در داستان کوتاه «ننه» که از داستان «انتقام، انتقام، انتقام» هم قوی تر است، با زبان تازه ای مواجه می شویم و این فوق العاده است و من را خیلی تحت تاثیر قرار داد.

بله. من را هم همینطور. من «ننه» را خواندم و گریه کردم...

قدرت نویسندگی احمدزاده در این داستان شکوفا و متجلی می شود. همین طور داستان آخر، این داستان شعری است در نثر و کلاً با این مجموعه داستان، نویسنده قدرتش را از نظر سبک نویسی در چند زمینه و سبک مختلف نشان می دهد. برای همین خیلی تشویق شدم که زودتر ترجمه این مجموعه را به پایان ببرم تا سریع تر بتوانم آن را منتشر کنم. در حال حاضر داستان «پر عقاب» را برای ناشر فرستادم. ناشری که از پیرزاد چاپ کرده و الان می خواهد از فریبا وفی چاپ کند و با ادبیات ایران آشناست و البته در زمینه ادبیات کره ای، پرتغالی، اسپانیولی و فرانسوی هم آثاری منتشر می کند و منتظرم نظر بدهد. می خواهم نظر یک فرد خارجی را در این زمینه داشته باشم.

چون فکر می کنم خودم آنقدر به مسائل فرهنگی ایران نزدیک شده ام که گاهی اوقات فاصله ای را که باید با موضوع داشته باشم، ندارم. برای همین خواستم ناشر نظر بدهد.

پس هنوز مشخص نیست که این مجموعه چه زمانی منتشر و وارد بازار نشر فرانسه خواهد شد؟ نه هنوز. بازار نشر فرانسه مثل بازار نشر ایران نیست. اینجا رقابت خیلی زیاد است و من خودم باید روابط عمومی انجام بدهم و کار را برای چند ناشر بفرستم تا بتوانم نظر یکی از آنها را جلب کنم و شاید برای این کار از جشن کتاب و نمایشگاهی که در اواخر ماه آینده در پاریس برگزار می شود، استفاده و چند نسخه از ترجمه یکی از داستان های این مجموعه را برای ارائه به ناشران آماده کنم. چون اجازه نمی دهم این مجموعه مثل خیلی از کارهای دیگرم در کشوی میز بماند.

جای خوشحالی است. خوب اگر اجازه بدهید می خواهم نظر کلی شما را در باره ادبیات معاصر ایران بدانم و اینکه آیا ادبیات ایران و فرانسه نقاط اشتراک و افتراقی دارند و اساساً می توان چنین سؤالی را مطرح کرد یا خیر؟

نه؛ این سوال نباید مطرح شود چون ادبیات معاصر ایران که بعضی ها اخیراً به جای زبان و ادبیات فارسی از واژه ایرانی استفاده می کنند... چرا؟ من هم خیلی شنیده ام. این را توی پراوتز



به عبارتی، جنگ حبیب احمدزاده، جنگ همه نیست. به لحاظ نقد ادبی می توان گفت داستان های حبیب، تجربیاتی اند که با افکار و عقاید او تجزیه و تحلیل شده و به شکل رمان و داستان درآمده اند. من داستان جنگ زیاد خوانده ام اما اینکه چرا این داستان ها را انتخاب کردم...

این همان سؤالی است که می خواستم مطرح کنم... من در دفترم در دانشگاه، بیش از ۳۰ عنوان کتاب در مورد جنگ ایران و عراق دارم، در خانه هم تعداد زیاد دیگری هست.

منظورم این است که درباره این جنگ خیلی خواننده ام، ولی برای نخستین بار در آثاری که توسط حوزه هنری و دفتر ادبیات جنگ منتشر شد، اثری دیدم که کاملاً ادبی است. یعنی هم تجربه انسانی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است و هم داستان. یعنی ادبیات به معنای مطلق کلمه. برای همین تصمیم گرفتم آن را ترجمه کنم. در صورتی که اصلاً احمدزاده را نمی شناختم و به واسطه شما با او آشنا شدم. در مورد تجربه زندگی و تجربه نویسندگی اش هیچ چیز نمی دانستم. ولی وقتی این مجموعه داستان را خواندم، متوجه شدم که او یک نویسنده است.

جالب است بگویم من سال هاست باور دارم که از بین نویسندگان حوزه هنری یا کسانی که با حوزه در این زمینه ارتباط دارند، نویسندگان متبحری به جامعه معرفی می شوند. این درست است که مسوولان حوزه هنری ابتدا بر اساس وظیفه تاریخی و اجتماعی که برای خود تعریف کرده بودند شروع به ثبت خاطرات جنگ کردند، ولی من می دانستم یک روزی از بین این نویسندگان، با چند نویسنده هنرمند آشنا خواهم شد. نه اینکه آنها را دیگر نویسندگان نباشند یا کارشان حاوی ارزش نباشد، ولی بیشتر آثار دفتر ادبیات گزارش ارائه می دهند و خیلی مستندند و برای یک جامعه شناس و مورخ، آثار بکری اند، ولی ادبیات چیز دیگری است. به هر حال تصمیم گرفتم کل «داستان های شهر جنگی» را ترجمه کنم و الان فقط داستان «ننه» مانده که اخیراً نوشته و برای من ارسال کرده است، داستانی

بودند ببینند یک زن ایرانی در جامعه فعلی اش، آن هم با تصویری که از ایران در جامعه ما ساخته اند، چطور می نویسد.

فکر می کنم سبک پیرزاد به سبک نویسندگان پرمخاطب فرانسوی مثل مارک لوی یا آنا گاولدا که راحت و صمیمی می نویسند، نزدیک است...

یکی از دلایل موفقیت پیرزاد این است که در عین حال که خیلی عاطفی و از یک زاویه دید شخصی می نویسد، در همان زمان یک دید جهانی دارد. بنابراین آن چیزهایی که درباره زن ایرانی، زوج های ایرانی و خانواده ایرانی می نویسد، جنبه بین المللی پیدا می کند و یک زن فرانسوی به راحتی می تواند بفهمد که مسائل روزمره یک زن ایرانی همان مسائلی است که همه زنان در همه جای دنیا دارند. این یکی از دلایل مهمی بود که خوانندگان خصوصاً خوانندگان زن فرانسوی از این نویسنده استقبال کردند. البته بگویم که نخستین رمان پیرزاد، یعنی «چراغ ها را من خاموش می کنم» در حال حاضر در دست چاپ است.

اخیراً نیز نویسنده دیگری را از طریق همان ناشر به مخاطبان فرانسوی معرفی کرده ام که به رغم تفاوت بسیار زیاد با پیرزاد، با استقبال نسبتاً خوب مخاطبان فرانسوی مواجه شده است و آن «فریبا دارند، ولی وفی از لحاظ محیط اجتماعی و زاویه دید نقد با پیرزاد فرق می کند. در هر حال، خوشحالم که یک مجموعه آثار از وفی را به مخاطبان فرانسوی معرفی می کنم و در نهایت به حبیب احمدزاده می رسم که فعلاً ترجمه فرانسه یکی از داستان های او را برای ناشر فرستاده و به او گفته ام که این کار با تمام کارهای دیگری که از فارسی ترجمه کرده ام، متفاوت است؛ چون یک تجربه فوق العاده است، یک تجربه شخصی و تاریخی... یعنی جنگ یک تجربه تاریخی، اجتماعی و سرنوشت ساز برای یک کشور است. بنابراین وقتی کسی درباره جنگ می نویسد، از تخیل نویسنده خیلی دور است، هر چند که از صافی ذهن خیال پرداز نویسنده هم عبور کرده است.

این گفت و گو به بهانه ترجمه کتاب «داستان های شهر جنگی» اثر آقای احمدزاده انجام می شود. اما ابتدا می خواستم به نحوه آشنایی تان با زبان فارسی و آثار تان در زمینه ترجمه فارسی به فرانسه اشاره کنم.

سال سوم مقطع دکترا بودم که به واسطه موضوع پایان نامه ام برای نخستین بار با زبان فارسی آشنا شدم. موضوع پایان نامه من ادبیات تطبیقی در زمینه رمان «هزار و یک روز» بود، داستانی که در قرن هجدهم توسط «فرانسوا پتی دلا کروا» به فرانسه و به چند زبان دیگر از جمله عربی و فارسی نیز ترجمه شده بود. کار کردن در زمینه زبان های مختلف، من را به این فکر انداخت که یکی از زبان های شرقی را یاد بگیرم و در آن زبان تخصص پیدا کنم. بنابراین سه سال در موسسه زبان های شرقی به آموزش زبان فارسی پرداختم. بعد که از پایان نامه ام دفاع کردم و فارسی را هم یاد گرفتم، این شانس را آوردم که بورسیه ای را که برای یک کار تحقیقی در ایران بود، بگیرم تا پایان نامه کامل تری بنویسم.

آن زمان تازه انقلاب ایران پیروز شده بود و روابط دو کشور ایران و فرانسه خوب بود. بنابراین بورسیه را گرفتم و برای تحقیق درباره رمان نویسی ایران و تدوین پایان نامه ای در این موضوع، راهی ایران شدم. برای همین در ابتدای انقلاب و همچنین اوایل جنگ عراق و ایران، چهار سال در انجمن دوستی ایران و فرانسه در تهران زندگی کردم. بعد از اینکه به فرانسه برگشتم، در لانگ (زو) آموزش زبان فارسی به فرانسوی زبانان کار پیدا کردم. تدریس زبان فارسی باعث پیشرفتم در این زبان شد و خیلی زود متوجه شدم که کار نقد ادبی جدی در یک زبان خارجی باید بر پایه ترجمه انجام شود و بدون ترجمه هیچ معنایی ندارد. برای همین شروع کردم به ترجمه و سال ها ترجمه کردم. متأسفانه در آن روزگار جایگاه ادبیات و نفوذ ادبیات فارسی در فرانسه به خصوص به دلایل روابط بین دو کشور، انقلاب، جنگ هشت ساله ایران و مسائل سیاسی، خیلی خوب نبود و همین باعث شد که نتوانم ناشران فرانسوی را برای انتشار آثاری که ترجمه کرده بودم، متقاعد کنم.

ممکن است چند نمونه از این آثار را نام ببرید. می خواهم بدانم کدام نویسندگان مورد توجه شما بوده اند.

مثلاً تمام آثار صمد بهرنگی، آثاری از آل احمد، هوشنگ گلشیری، شهرنوش پارسوی پور، سعدی و صادق هدایت را ترجمه کردم. مجموعه داستان های کوتاه هدایت را زمانی که تصویر ایران کمی در فرانسه مثبت تر شد و ناشران فرانسوی جرأت پیدا کردند آثاری از ادبیات فارسی منتشر کنند، با عنوان «مردی که نفسش را کشت» منتشر کردم.

متأسفانه از آثار پارسوی پور استقبال نشد که شاید دلیل آن روابط عمومی ضعیف ناشر بود. بالاخره با آثار زویا پیرزاد آشنا شدم. به دلایل مختلف از جمله موضوع داستان، سبک داستان نویسی، لطافت قلم و جنسیت نویسنده، از پیرزاد در فرانسه استقبال خوبی شد. فکر می کنم مخاطبان فرانسوی کنجکاو

پیرسم این واژه بیشتر از سوی ایرانیان گفته می شود یا فرانسویان؟

از سوی ایرانیان و به نظر من بیشتر نوعی ملی گرایی را نشان می دهد. چون من فکر می کنم ایرانیان آنقدر هویت شان قوی شده که دیگر مجبور نیستند از فارسی استفاده کنند و واژه ایرانی کافی است چون به عنوان ملت ایرانی پذیرفته شده اند و البته معتقدم انقلاب ایران بر هویت فرهنگی ایرانیان تأثیر مثبت بسیاری گذاشت.

به سوال شما برگردم. الان ادبیات معاصر ایرانی یک ادبیات جهانی است. به یاد دارم که زمانی در مطبوعات ایران این سوال خیلی مطرح بود که آیا ادبیات فارسی جهانی شده یا نه؟ در حالی که من اصلاً این سوال را قبول ندارم. چون به نظر من ادبیات ایران، جهانی است.

از چه منظر این را می فرمایید؟

چون هر کس که چند داستان از این ادبیات را بخواند، می فهمد که از لحاظ نوشتاری، سبک و هنر داستان نویسی، با ادبیات مواجه است. البته این بحث طولانی است و نمی توان در چند جمله خلاصه کرد. این بحث در نقد ادبی فرانسه و حتی ادبیات جهان خیلی مطرح است که ادبیات جهانی چیست؟ اتفاقاً مقاله ای در مجله «کندوج» گیلان نوشتم و ثابت کردم توجهی که ایرانیان در گیلان به فرهنگ بومی خودشان دارند، به چه دلیل است. به خاطر اینکه ایرانیان به هر موضوعی، چه بومی و چه ملی، جنبه فرهنگی می دهند. به نظر من جهانی شدن ادبیات مفهوم درستی نیست، جهانی بودن ادبیات درست است چون جهانی بودن متأثر از بومی بودن و ملی بودن ادبیات است. در ایران، این مساله بعد از انقلاب شکل پیدا کرد و نویسندگان ایرانی شروع کردند به بومی کردن ادبیات؛ مثلاً صفدری و منیر و روانی پور در باره جنوب و خیلی های دیگر درباره ادبیات شمال و خراسان نوشتند. نه اینکه این ادبیات ملی نباشد. یعنی نویسنده جنوبی به این مساله رسید که درست است من ایرانی هستم ولی خوب جنوبی هم هستم. پس یعنی خوزستانی بودن، کرد بودن، آذربایجانی بودن و ... تضادی با ایرانی بودن ندارد بلکه جزئی از تعریف هویت فرهنگی اوست. بنابراین ایرانیان از این لحاظ از خیلی از مردمان دیگر جلوترند چون کرد و ترک و جنوبی بودن با ایرانی بودن تفاوتی ندارد و نویسنده ترسی از آن ندارد. بعد از انقلاب هم خیلی ها گفتند که ایران می خواهد تفکیک شود، ولی من اصلاً باور نداشتم و ندارم و اصلاً امکان ندارد این اتفاق رخ دهد چون بومی بودن یعنی ایرانی بودن و جهانی بودن هم در ایرانی بودن است.

این همان نکته ای است که مثلاً در سینما درباره کارگردان ژاپنی، آکیرا کوروساوا مطرح است و منتقدان و دست اندرکاران سینما معتقدند یکی از دلایلی که آثار او جهانی می شود، این است که آثارش به شدت بومی است. به عبارتی راه جهانی شدن از بومی بودن می گذرد.

اتفاقاً - نه اینکه بخوام از داستان های حبیب ایراد بگیرم - همین مساله است. او می توانست بیشتر به زبان بومی و شخصیت پردازی اش اهمیت بدهد و آنها را جنوبی تر کند چون حبیب جنوبی است و در جنوب جنگیده است. البته در داستان «ننه» به این مساله رسیده ولی در دیگر داستان ها هنوز با بومی بودن فاصله دارد. نمی دانم شاید جرات پیدا نکرده که کاملاً آنها را بومی کند. بنابراین همه داستان های این مجموعه بوی جنوب نمی دهند.

شاید از ارتباط با مخاطب ترسیده است! چون خواندن داستان به زبان بومی خللی در سرعت خواندن مخاطب وارد می کند.

نه. فقط مساله زبان نیست، خصوصیات شخصیت ها هم مطرح است. یعنی یک جنوبی، یک خراسانی نیست و خواننده باید تفاوت این شخصیت ها را بفهمد و احمدزاده با داستان «ننه» این تفاوت و البته قدرت نویسندگی اش را نشان می دهد.

و ادبیات جنگ ...؟

ادبیات جنگ بخشی از همین ادبیات است که می توان حرف های مشخص تری درباره آن گفت. چون ادبیات جنگ همانطور که چند دقیقه پیش اشاره کردم، متنوع است. مثلاً بخشی از آن آثاری مثل کارهای حبیب احمدزاده است، بعضی دیگر از متون که با همین عنوان ادبیات جنگ در ایران مطرح است، در راه است و شاید روزی به جایی برسد ولی فعلاً در حد و اندازه سند و یک ادبیات مستند است. بنابراین تا این بخش از ادبیات جنگ تصفیه شود و ما با مجموعه ای رویه رو شویم که بتوانیم از ادبیات جنگ به معنی واقعی کلمه حرف بزنیم، زمان لازم است. البته خوشحالم که با متن احمدزاده آشنا شدم و امیدوارم زودتر این مجموعه در فرانسه چاپ شود چون بالاخره برای ساختن یک ساختمان، وجود این مصالح لازم است. متون دیگری که من خواندم، آثاری مثل کتاب «دا» است که هر چند سند است ولی جنبه دیگری هم دارد، یک صدایی در آن هست، صدای این زن رامادر داستان می شنویم ...

و بیشتر احساس می کردید داستان می خوانید یا خاطره؟

قطعاً یک جنبه داستانی دارد. چرا؟ چون این یکی از مشخصات جامعه و فرهنگ ایرانی و ادبیات ایرانی است. داستان نویسی در ایران یک هنر ملی است که از زمان هخامنشیان وجود داشته و همیشه ایرانیان با داستان سر و کار داشته اند. داستان برای ایرانیان نوعی بیان است. ایرانیان وقتی می خواهند چیزی را بیان کنند، داستان می نویسند یا داستان می گویند.

حتی شعرشان پر از داستان است. مثنوی معنوی چیزی غیر از داستان نیست، شاید دیوان حافظ خیلی داستان سرایی نباشد، ولی بقیه آثار منظوم ایرانی سرشار از داستان است و دلیل این مساله را با مردم شناسی ایرانیان باید دریافت. تجربه ای که من با ایرانیان دارم، این است که وقتی آنان در بیان چیزی به بن بست می رسند و نمی دانند چطور منظورشان را بیان کنند، داستان می گویند. همیشه عباراتی مثل «من شنیدم که»، «می خواهم برایتان توضیح دهم که» و ... را که به بیان، وجه داستانی می دهند، از ایرانیان می شنویم. این جنبه مردم شناختی تأثیر فوق العاده ای بر ادبیات ایران گذاشته است. برای همین در کتاب «دا»، راوی و نویسنده از این خصوصیت ایرانی بهره می برد.

و فکر می کنید که این حس داستان گویی در مردم فرانسه نیست؟

کمتر [هست]. در فرانسه داستان نویسندگان بزرگی داریم ولی وقتی صحبت می کنیم، وقتی در تلویزیون و رسانه ها بحث می کنیم، بدون اینکه به منظورمان، وجه داستانی بدهیم حرف می زنیم. ما می توانیم چندین ساعت با جنبه صد در صد گفتاری، استنادی یا نظری حرف بزنیم و می دانید فرانسویان در نظریه پردازی معروف اند. این است که داستان از این مباحث جدای می شود، ولی در ایران، چه در سطح مردم عادی و چه در سطح تخصصی و حتی دانشگاهی، داستان از گفتار مردم جدا نیست. من خیلی وقت هادر کنفرانس ها و دانشگاه ها و جلسات جدی، داستان شنیده ام. داستان گفتن و قصه گویی لطافتی دارد. چرا؟ چون داستان با تصویر همراه است و هنر با تصویر ساخته می شود. چیزی که در زندگی انسان خیلی لازم است و من به عنوان کسی که با شاخه های مختلف هنری آشنا هستم، فکر می کنم تصویر جزئی از زندگی بشر، خصوصاً ایرانیان است و من شخصاً بدون تصویر خیلی عاجزم. به همین دلیل است که وقتی فارسی یاد گرفتم و در کار ترجمه وارد شدم، با ادبیات و فرهنگ ایرانی احساس انس و نزدیکی پیدا کردم چون داستان سرشار از تصویر است و همین باعث شد نقطه مشترکی بین خودم و ادبیات فارسی پیدا کنم و این نقطه مشترک به من خیلی کمک کرد. فکر می کنم اگر ادبیات به معنی واقعی آن بخواهد در موضوع جنگ ادامه داشته باشد، دست اندرکاران حوزه

هنری و جاهای مختلف باید توجه بیشتری به آن نشان دهند و هنرمندان ایرانی را تشویق کنند تا از اسناد به دست آمده و خاطره های منتشر شده استفاده کرده و به آن وجه هنری بدهند. ادبیات جنگ یک اقیانوس است و می توان از این اقیانوس چندین مروارید خوب پیدا کرد، چند نویسنده و اثر ادبی منحصر به فرد.

یکی از مسوولیت های شما ریاست بخش گروه ادبیات فارسی در دانشگاه اینالکوی پاریس است. میزان استقبال دانشجویان از زبان فارسی چطور است؟

از وقتی که من در این دانشگاه مشغول کار شده ام، استقبال از این زبان ثابت است. ۲۵ سال است که من در این دانشگاه تدریس می کنم و هر سال تعداد مشخصی - حدود ۴۰، ۵۰ نفر - برای لیسانس حدود ۱۰، ۱۵ نفر می ماند و اصولاً این تعداد به ادبیات گرایش دارند چون ادبیات ایرانی آن قدر غنی است که نمی توانند به آن بی توجه باشند. یعنی به نظر من آن تعداد از دانشجویانی که در سشان را تا مقطع فوق لیسانس ادامه می دهند، برای غنای ادبیات فارسی می ماند. اتفاقاً سعی کردم به کسانی که می خواهند در روابط بین الملل یا مطبوعات ایران ادامه تحصیل بدهند، کمک کنیم ولی نتوانستیم.

چه مشکلاتی دارید؟

ببینید! استادان در این بخش ۳، ۴ نفر بیشتر نیستند و امکان این را نداریم که گرایش های مختلف مثلاً مطبوعات ایران یا روابط بین الملل در رشته زبان فارسی ایجاد کنیم. برای همین تمام انرژی مان را برای ادبیات فارسی می گذاریم. همانطور که گفتم از حدود ۵۰ نفری که سال اول ثبت نام می کنند، شاید ۱۰ نفر تا مقطع فوق لیسانس ادامه بدهند و این تعداد آنقدر قابل توجه نیست که ما بتوانیم رشته مستقلی برای گرایش های دیگر ایجاد کنیم. نه فرصت داریم، نه دانشجو به تعداد کافی و نه این امکان را داریم که برای ۳، ۴ نفر یک استاد استخدام کنیم. این است که توانایی مان را برای دانشجویانی می گذاریم که به ادبیات فارسی گرایش دارند و من شخصاً فکر می کنم بعد از ۷، ۸ سال دیگر که بازنشسته شوم، باید تمام انرژی ام را صرف ترجمه و معرفی ادبیات معاصر ایران بکنم. چون فرانسویان احتیاج دارند که جامعه امروز ایران را بشناسند.

چرا احتیاج دارند؟

چون آن را نمی شناسند و آن چیزی که در مطبوعات فرانسه از ایران گفته می شود، دروغ است، دروغ محض و اگر بخوایم کمی انعطاف به خرج دهیم، باید بگویم که تصویر اشتباهی از ایران ارائه می کنند. افکار عمومی از آنچه در مطبوعات مکتوب یا تصویری درباره ایران گفته می شود، نمی توانند ایران امروز را بشناسند. ولی ادبیات معاصر که بخشی از آن ادبیات جنگ است، کمک زیادی در این زمینه می کند و اگر بتوانیم این ادبیات را به درستی در بازار نشر فرانسه معرفی کنیم، کمک بزرگی کرده ایم که فرانسویان بفهمند، ایرانیان ۸ سال جنگیدند که از خودشان دفاع کنند و این شوخی نیست، اینکه فرانسویان بفهمند که ایرانیان نه فقط ۸ سال جنگیدند، که در نخستین سال جنگ، آن موقعی که اصلاً نمی دانستند این جنگ ۸ سال طول خواهد کشید، گفتند ما الان تجربه ای را داریم

چیزی که در مطبوعات فرانسه از ایران گفته می شود، دروغ است، دروغ محض و اگر بخوایم کمی انعطاف به خرج دهیم، باید بگویم که تصویر اشتباهی از ایران ارائه می کنند

از سر می گذرانیم که تاریخی است، که سرنوشت ساز است و باید آن را بنویسیم. چرا؟ چون ایرانیان وقتی چیزی را تجربه می کنند، باید شکل هنری و زیبا به آن بدهند.

این است که حتی به جنگشان هم حس زیبا می دهند...

بله. ایرانیان حتی به یک موضوع خونین و وحشتناکی مثل جنگ باید حس زیبا و هنری بدهند. زیبا از نظر من یعنی هماهنگ، یعنی باید فرم آن تکامل داشته باشد. این گرایشی که ایرانیان به تکامل فرم و شکل از زمان باستان تا کنون دارند، استثنایی است. بنابراین، این وجه دیگر مردم شناختی ایرانیان است و فرانسویان باید آن را بفهمند. بعد از جنگ اول جهانی در ۱۹۱۴ یک قرن طول کشید تا ما جرات کنیم از آن بنویسیم و به آن به عنوان پدیده فرهنگی نگاه کنیم. آقای ادوان روزو، که استاد دانشگاه پاریس است، سال ها پیش که من رییس انجمن ایران شناسی فرانسه در ایران بودم در کنفرانسی مقاله ای ارائه کرد و مقایسه زیبایی انجام داد. او گفت من تعجب می کنم که ایرانیان در نخستین سال جنگشان شروع به نوشتن می کنند و برای ما، دهه ها طول کشید تا توانستیم به جنگ ۱۹۱۴ جنبه فرهنگی بدهیم ولی ایرانیان از همان اول فهمیده بودند. چون فرهنگ برای ایرانیان زندگی است، یعنی سیاست، فرهنگ است، اقتصاد، فرهنگی است و این مشخصاتی است که فرانسویان باید بدانند و کسانی مثل من در جامعه فرانسه کارهای خیلی زیادی دارند تا بتوانند جامعه ایران را بشناسانند. آنچه من در حال حاضر معتقدم کار معقولی است، همین شناساندن ایران از طریق ادبیات معاصر به فرانسویان است.

مثلاً در گفت و گوها و میزگردهای تلویزیونی یا مطبوعاتی حاضر نمی شوم و راجع به ایران صحبت نمی کنم چون اصلاً به من اجازه نمی دهند که باورهای خودم را، که حاصل تجربه نزدیک و زندگی در ایران است، بگویم؛ خیلی سریع به بحث جنبه سیاسی می دهند.

به هر حال فکر می کنم ما فرانسویان هنوز در مورد خیلی از موضوع های ایران شناخت نداریم؛ اول پدیده انقلاب و دوم، پدیده جنگ را باید خوب شناخت تا مثلاً بتوان اتفاقات اخیر و انتخابات را در ایران تحلیل کرد. این جریان اجتماعی که من در ایران دیده و شناختم ام برای یک فرانسوی که به اندازه کافی بر انقلاب و جنگ ایران تامل نکرده، قابل درک نیست. چون خیلی از مسائلی که الان در ایران است، ریشه در انقلاب و جنگ دارد. خیلی ها خواستند بعد از پایان جنگ شرایطی فراهم کنند تا جنگ فراموش شود و اتفاقاً ابتکار کسانی مثل آقای کمری، سرهنگی و احمدزاده برای همین بود که کسی جنگ را فراموش نکند، گفتند ما ایرانیان فراموش نمی کنیم، جهان هم فراموش نکند. بنابراین اگر از بیرون می خواهیم این جریانات را بشناسیم، باید این تجربه را زنده ببینیم. در مطبوعات فرانسه، هیچ کس وقتی در مورد ایران صحبت می کند، به جنگ و انقلاب ایران اشاره نمی کند، این دو پدیده چیزی نیست که طی یک یا دو دهه فراموش بشود، یک آتشفشان است.

در واقع شما این اتفاقات را نشانه و حدت می دانید یا...

دقیقاً. من به این مساله از منظر تبلیغاتی نگاه نمی کنم، جنگ در ایران یک مساله حیاتی است. بنابراین کاری که در حوزه هنری انجام می دهند و یک روزی ایرانیان مخالف نیز آن را خواهند فهمید، این است که جنگ چقدر حیاتی و سرنوشت ساز بوده است و البته، اگر آنچه در زمینه هنر و ادبیات جنگ شده در زمینه انقلاب هم انجام می گرفت، الان خیلی از مسائل روشن تر بود.

درست می فرمایید. بسیاری از مسائل انقلاب تحت الشعاع جنگ قرار گرفت. به هر حال، از وقتی که به ما دادید، خصوصاً از باورهای مثبتی که نسبت به فرهنگ و ادبیات کشورم دارید، متشکرم.

گزارشی به مناسبت سالروز شهادت امام حسن عسکری (ع) و آغاز ولایت امام دوازدهم (عج)

مهدویت و آخرالزمان در آینه مکتوبات

ظهور بیان داشت: «این نشانه‌ها و علائم موقعیت بشر را در تاریخ معین می‌کند و مردم می‌دانند که در چه فاصله‌ای از ظهور قیامت قرار گرفتند همچنین هشدار و تذکر، آمادگی یافتن، جلوگیری از یاس و ناامیدی، شناسایی دوست و دشمن از کارکردهای نشانه‌های ظهور است.»

شفیعی سروستانی عنوان داشت: «ما همواره در تحلیل شرایط دچار مشکل می‌شویم و با تحلیل غلط موضع‌گیری کرده و گاهی با دوست با تصور دشمن بودن درگیر و گاهی با دشمن به تصور دوست بودن ارتباط دوستی برقرار می‌کنیم که این نشانه‌ها موجب می‌شود تا دوست را از دشمن بشناسیم.»

محقق حوزه مهدویت، به حوادث آخرالزمان اشاره کرد و گفت: «در آخرالزمان حوادث مختلفی روی می‌دهد و پیامبر (ص) نیز فرموده‌اند به ناگزیر فتنه‌ای پدید خواهد آمد که هرگاه در نقطه‌ای آرامش پیدا کند، در نقطه دیگری ناآرامی شروع می‌شود و این چنین ادامه می‌یابد تا وقتی که منادی آسمان بانگ برآورد که امیر شما مهدی است.»

وی تصریح کرد: «از بیش از یک هزار و ۲۰۰ نشانه آخرالزمان که در روایات از آن سخن گفته شده طبق گفته همه محققان تمام نشانه‌ها رخ داده و فقط پنج نشانه باقی مانده است که اولین آن «فتنه سفیانی» است.»

فراموشی کلیشه‌ها

برای نهادینه سازی اعتقادات

هنرمندی که قلم به دست می‌گیرد و خامه را بر کاغذ روان می‌دارد یا که نقشی ماندگار بر پیکره‌ای پولادین می‌نگارد یا آن که فیلمنامه‌ای می‌نویسد و زمینه تولید روایتی تصویری از موضوع مهدویت را فراهم می‌آورد، در نخستین گام برای خلق اثری ارزشمند و فراگیر در این حوزه، بایستی «مهدویت» را در گوشت و استخوان خود باور کرده باشد.

ضعفی مزمن

اگر تعارف را کنار بگذاریم، باید بگوییم که مهدویت برای آنان که قرار است کتابی بنگارند تا دستمایه فیلمنامه‌ای غنی شود یا برای آنان که ضرورت دارد دوربین فیلمبرداری شان را با استفاده از مکتوبات حوزه مهدویت، به تصویربرداری از عرصه‌های شگرف این حوزه مشغول دارند، هنوز به خوبی شناسانده نشده است.

حجت الاسلام سید ابوالقاسم حسینی متخلص به «ژرفا» نویسنده، مترجم و شاعر، در این باره با اعتقاد به این که حوزه مهدویت دارای دو قلمرو و جهان است می‌گوید: «نخست، جهان باورهای ماست که این باورها را در مهدویت سایه افکن کرده‌ایم. ما انتظاراتی را که از موعود داریم یا باوری که از موعود ساخته‌ایم، در ظرفی به نام موعود جمع می‌کنیم و آن را به احساسات و عواطف خود منتقل می‌کنیم. گاهی هم آنها را به زبان شعر یا نثر جاری می‌کنیم. البته این جهان بدی نیست و به شرط آن که آگاهانه باشد، عیبی ندارد.»

حجت الاسلام حسینی، ادب، هنر و فرهنگ را مقولاتی کاملاً درون ذاتی می‌داند و می‌گوید: «یک اعتقاد باید از درون ادیب و هنرمند بیجوشد و تا زمانی که مفاهیم با جان هنرمند یکی نشوند، آن هنر شکل نمی‌گیرد، یعنی برخلاف تکنولوژی و صنعت، در هنر برای القای مفاهیم باید با آن یکی شد.»

وی با بیان این که متأسفانه بسیاری از هنرمندان ما با «مهدی باوری» زندگی نکرده‌اند ادامه می‌دهد:



امروز در راس همه مباحث جدی است، ذهن جوان‌ترین گروه اجتماعی در این جامعه درگیر آن نیست و چگونه چشم‌ها از روی موضوعی به این مهمی و بزرگی چرخیده و متوجه آن نیست.»

وی افزود: «۱۳۰ سال است که در دانشگاه‌های وابسته به کلیسای کاتولیک در رشته آخرالزمان‌شناسی فارغ‌التحصیل دارند و در ایالات متحده آمریکا بیش از ۲۵۷ کالج و دانشگاه در این رشته وجود دارد و اگر این موضوع مهمی نیست چرا باید در سرزمینی که گاهی گمان می‌کنیم عاری از مذهب است، این تعداد دانشگاه و کالج در رابطه با این رشته وجود داشته باشد؟!»

شفیعی سروستانی عنوان داشت: «بسیاری از دانشگاه‌ها در ایران در رشته‌های هنری، سینمایی، کارگردانی و بازیگری مشغول به آموزش‌اند.»

محقق حوزه مهدویت عنوان داشت: «درحالی که در آن سوی دریای مدیترانه در دهه ۹۰ بیش از ۶۰ درصد پر فروش‌ترین فیلم‌های هالیوود درباره آخرالزمان است و درحالی که ساخت فیلم‌هایی با چنین موضوعاتی برای سرگرم کردن مردم ولی ما در کشورمان فیلمی با این موضوع و مفهوم نداریم و نسبت به این موضوع غفلت کرده‌ایم درحالی که ذهن‌ها درگیر این موضوع است.»

شفیعی سروستانی توضیح داد: «در میان همه ملل یعنی صاحبان ادیان آسمانی وجه مشترک ابتدا توحید و سپس موعودگرایی و بالاخره قیامت است و در همه ادیان حجم زیادی از روایات به موضوع موعود اختصاص دارد.»

وی اعلام کرد: «حجم روایات آمده از ۱۴ معصوم در خصوص آخرالزمان و نشانه‌های ظهور بسیار زیاد است، به طوری که ۷ هزار روایت درباره این موضوع داریم، اما درباره نماز و روزه این تعداد روایت نداریم.»

مدیرمسئول موسسه فرهنگی موعود عصر (عج) خاطر نشان ساخت: «این تعداد روایت نشان از اهمیت موضوع دارد و بخش عمده‌ای از روایات آخرالزمان توسط پیامبر و در نخستین روزهای بعثت بیان شده است.»

وی با اشاره به کارکردهای علائم و نشانه‌های

وی پاسداری از مکتب مهدویت را مانع بروز بدعت‌ها در این حوزه دانست و اظهار داشت: «اعتقاد به امام زمان (عج) و ولایت مهم‌ترین اصل حفاظتی در زمان غیبت حضرت مهدی (عج) در مذهب شیعه است و موضوع وجود نایب امام موجب شده است تا شیعه راه خود را در طول تاریخ گم نکند و مصونیت داشته باشد.»

استاد دانشگاه تهران افزود: «در حکومت اسلامی که پشتوانه آن وجود و انتظار حضرت مهدی (عج) است، باید مفاهیم، معارف و تعالیم حول امامت آن حضرت (عج) در زمان غیبت پژوهش و آموزه‌های برآمده از آن پژوهش‌ها در کشور فرهنگ شوند.»

وی اظهار داشت: «در شرایطی که امروز مردم جهان به سر می‌برند، هیچ سوالی جدی‌تر از این نیست که آیا آخرالزمانی که همه ملل در هر گروه و مذهبی از آن می‌گویند، مصداقش امروز است یا نه؟»

وی ادامه داد: «با وجود این که گوش‌های زیادی در جهان برای شنیدن درباره این موضوع آماده است، ولی ما از آن زیاد سخن نمی‌گوییم برای نمونه در دانشگاهی مانند دانشگاه بین‌المللی که به نام امام خمینی (ره) مزین است و در شهری مانند قزوین که شهری با سابقه فرهنگی است و در نقطه مرکزی ایران واقع شده است دو واحد درس اختیاری درباره آخرالزمان یا فرجام‌شناسی وجود ندارد.»

مسئول موسسه فرهنگی موعود عصر (عج) اضافه کرد: «جای تامل دارد که چرا موضوعی که در جهان

تنها با چند کتاب، بروشور، همایش و جشنواره فرمایشی نمی‌توانیم در هیچ یک از ابعاد موفق باشیم. باید دست از کلیشه‌ها و ظواهر برداریم

امروز به طور دقیق ۱۱۳۸ سال (شمسی) و شش ماه و ۲۸ روز از آغاز غیبت حضرت مهدی (عج) امام دوازدهم شیعیان می‌گذرد، معصومی که با ظهورش دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، همان گونه که قبل از او پر از ظلم جور شده است و این مهم، از جمله روایاتی است که در کتاب‌های روایی نقل شده است.

در طول روزگاری که جهانیان از وجود امام مهدی (عج) آن گونه بهره برده‌اند که خاکیان از خورشید پشت ابر سود می‌جویند، آثار مکتوب متعددی به رشته تحریر درآمده‌اند که بسیاری از آنان آنقدر گران‌سنگ و ارزشمندند که از مرحله یک نوشتار صرفاً روایی پارافراتر نهاده، به عرصه ایده‌پردازی برای چگونگی زیستن در دوران غیبت و ارائه راهکارهای نحوه شناخت صحیح امام عصر (عج) و چگونگی آماده شدن و زمینه‌سازی برای ظهور منجی بشریت شده‌اند.

دیدگاه‌های مربوط به منجی و آخرالزمان از آموزه‌هایی‌اند که تمامی مسلمانان، به ویژه شیعیان جهان اعتقادات قوی و مستند نسبت به آن دارند. در این میان پس از ترویج اعتقاد به یکتاپرستی در جهان و این که به جز خدای یگانه، خالق دیگری وجود ندارد، دیدگاه‌های آخرالزمانی در اشکال مختلف به ویژه در حوزه آثار مکتوب و آثار منشعب از آن نظیر سینمای اقتباسی هر روز بیشتر از قبل در حال گسترش است و عملاً به موضوعی پراهمیت تبدیل شده است.

اما به راستی مکتوبات منتشر شده درباره دوران غیبت، ابعاد وجودی امام زمان (عج)، علایم ظهور و چگونگی زیستن در دوران غیبت و آماده شدن برای پذیرش موضوع محوری مهدویت، با تمامی ظرفیت‌های بالقوه‌ای که دارند، تاکنون توانسته‌اند به اصطلاح حق مطلب را ادا کنند؟

این گزارش به آسیب‌شناسی مکتوبات حوزه مهدویت، در آستانه سالروز شهادت امام حسن عسکری (ع) و آغاز ولایت حضرت مهدی (عج) می‌پردازد و به روشنی مشخص می‌کند که مهدویت از چنان ویژگی‌ها و ظرفیت‌هایی برخوردار است که می‌تواند تمامی حوزه‌های مکتوب را عرصه جولان خود برای روشنگری ذهن و اندیشه پاک فطرتان قرار دهد.

نقبی به اندیشه‌های یک صاحب نظر

هر گاه صحبت از موضوع مهدویت به ویژه در عرصه مکتوبات به میان می‌آید، ناخودآگاه نام دکتر اسماعیل شفیعی سروستانی، نویسنده حوزه مهدویت و مدیرمسئول نشر موعود آخرالزمان به ذهن متبادر می‌شود.

او که با مساعدت کارشناسان نشر موعود آخرالزمان، دایره المعارف موعود را منتشر کرده، تاکنون آثار مکتوب متعددی را در حوزه مهدویت منتشر کرده است، اما اگر بخواهیم به ژرفای اندیشه وی درباره مهدویت و از آسیب‌شناسی او در این باره بهره ببریم، بهتر است بخش‌هایی از سخنرانی وی در همایش آخرالزمان را که در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) بیان شد، مرور کنیم. دکتر شفیعی سروستانی در این کنفرانس گفت: «گسترش عدل و داد و حاکم شدن آن بر کل جهان و تبدیل آن به باوری در میان جوانان و نوجوانان با آموختن مباحث مهدوی به دانش‌آموزان از طریق کتاب‌های درسی میسر می‌شود.»



لعیا درفشه

برگزاری نمایشگاه‌های استانی کتاب در سراسر کشور از سه سال پیش در حالی آغاز شد که به گفته دست‌اندرکاران آن، رفع نیازهای مطالعه‌ای مناطق در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و همچنین گسترش امکانات فرهنگی در نقاط محروم کشور به‌عنوان مهم‌ترین اهداف آن تعریف شده بود. این نمایشگاه‌ها که برای نخستین بار در سال ۸۵ کلید خورد امسال سومین سال کاری خود را پشت سر گذاشت؛ رسیدن به مرحله پایانی یک سال دیگر از تجربه برپایی نمایشگاه‌های استانی کتاب بهانه‌ای شد تا در گفت‌وگو با احسان‌الله حجتی مدیرعامل موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران به بررسی کارنامه یک‌ساله این نمایشگاه‌ها بپردازیم و نیم‌نگاهی نیز به برنامه‌های در نظر گرفته شده برای سال آتی نمایشگاه‌های استانی داشته باشیم.

در گفت‌وگو با مدیرعامل موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی بررسی شد

دستاوردهای نمایشگاه‌های استانی کتاب در سال جاری

این می‌شود که در این زمینه کتاب‌های مناسبی چاپ کنند. همچنین نحوه تخصیص آثار در زمینه‌های گوناگون به این ترتیب است که درصدی از تعداد غرفه‌ها و ناشران مربوط به کتاب‌های آموزشی، درصدی مربوط به کتاب‌های دانشگاهی، درصدی مربوط به کتاب‌های عمومی و... است. یعنی به فرض اگر قرار است ۱۵ درصد آثار به کتب مذهبی اختصاص پیدا کند ۱۵ غرفه از ۱۰۰ غرفه کتب مذهبی را ارائه می‌دهد. اما این که از این ۱۵ غرفه کتاب مذهبی کدام ناشر در اولویت حضور در نمایشگاه قرار دارد، در این مورد یک انتخاب صورت می‌گیرد؛ به این ترتیب که کتاب‌هایی که با اقبال مردم همراه بوده و بیشتر مورد نیاز آنان است و همچنین ناشرانی که تعداد کتاب‌های چاپ جدیدشان بیشتر باشد در اولویت قرار می‌گیرند. در این مورد تاکید می‌کنم که این انتخاب به معنای گزینش نیست و تمام کتاب‌هایی که دارای مجوز نشر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هستند فرصت برابر برای حضور در نمایشگاه دارند. تلاش ما این است که این فرصت برابر را در اختیار همه قرار دهیم، اما چنانکه گفتیم اگر قرار باشد برای مثال ۱۵ غرفه در اختیار کتب مذهبی قرار بگیرد و در این میان یک ناشر ۵۰ کتاب داشته باشد و ناشر دیگری ۲۵۰ عنوان کتاب معقول این است که غرفه را به ناشری که ۲۵۰ عنوان کتاب دارد بدهیم. ضمن این که ناشری را هم که ۵۰ عنوان کتاب دارد حذف نمی‌کنیم و چنان که گفتیم در این موارد به چند ناشر یک غرفه اختصاص می‌دهیم. البته این انتخاب زمانی صورت می‌گیرد که تعداد غرفه‌ها کم باشد و در صورتی که در یک نمایشگاه از نظر تعداد غرفه مشکلی نداشته باشیم ممکن است هر ناشر بتواند غرفه‌ای را در اختیار داشته باشد. برای سال آتی نیز هدفمان این است که نمایشگاه را به سمت کتاب‌های جدید ببریم البته اگر فضای بیشتری در اختیار داشته باشیم طبیعتاً علاوه بر کتاب‌های جدید کتاب‌های تجدید چاپی را هم در نمایشگاه ارائه می‌دهیم.

درصد حضور ناشران دولتی و ناشران خصوصی در نمایشگاه‌های استانی چگونه تعیین می‌شود؟
هیچ محدودیتی برای حضور ناشران قائل نیستیم. ناشران بر اساس ملاک‌هایی از جمله تعداد عناوین، نوع کتاب‌ها و... بسته به این که در کدام دسته قرار بگیرند به نمایشگاه دعوت می‌شوند. برخی از ناشران دولتی و برخی از ناشران خصوصی حضورشان بر غنای بیشتر نمایشگاهی می‌افزاید اما در کل ناشران بر مبنای کمیت و کیفیت تولیداتشان انتخاب می‌شوند.

آثار برای عرضه در نمایشگاه از نظر موضوعی هم ارزیابی و رده‌بندی می‌شوند؟
ما برای هر نمایشگاه یک نظرسنجی انجام می‌دهیم که این نظرسنجی بر مبنای اطلاعاتی است که مخاطبان در اختیار ما قرار می‌دهند. به این ترتیب برای برگزاری نمایشگاهی که قرار است سال بعد در همان استان برگزار شود از این نظرسنجی‌ها استفاده می‌شود. یعنی در هر استان با توجه به نظرسنجی قبلی و درخواستی که به صورت کارشناسی از طریق استان به ما اعلام شده سعی می‌کنیم درصدها را قدری تغییر دهیم. مثلاً در جایی که تعداد دانشجویان زیاد است به سمتی پیش می‌رویم که با توجه به نوع آموزشی که در استان داده می‌شود کتاب‌های دانشگاهی این رده‌ها بیشتر باشند. ضمن این که بخشی از نمایشگاه‌های عمومی هم مربوط به کتاب‌های دانشگاهی است.



برای ما مشخص و اعلام کنند و همچون سال‌های گذشته سه تاریخ را به ما اعلام کنند و ما در یکی از آن سه تاریخ نمایشگاه را برپا کنیم. مکان نمایشگاه هم همان‌طور که گفتیم گاه با مشکلاتی روبه‌روست برای مثال در برخی جاها مثل مصلی ممکن است طرح توسعه‌ای در حال اجرا باشد یا اصلاً مصلی گنجایش لازم را برای برگزاری نمایشگاه نداشته باشد و... که در این مواقع نیز فضای دیگری را در اختیار مامی گذارند که این فضا ممکن است هر سال نسبت به سال قبل متفاوت باشد. اما همه سعی ما این است که فضایی را در اختیار ما بگذارند که بتوانیم ناشران بیشتری را به نمایشگاه ببریم و به تبع آن کتاب‌های بیشتری عرضه شود تا قدرت انتخاب مردم بیشتر شود و به‌ویژه با کتاب‌های جدید آشنا شوند.

انتخاب ناشران بر اساس چه ملاک‌هایی صورت می‌گیرد؟

ملاک‌های متعددی برای حضور ناشران در نمایشگاه وجود دارد، هدف ما این است ناشرانی در نمایشگاه حضور پیدا کنند که بیشترین کتاب‌ها را داشته باشند. اما این بدان معنا نیست که مثلاً اگر ناشری تعداد عناوین کتاب‌هایش کم است از حضور در نمایشگاه محروم شود. شرط حضور در نمایشگاه برای ناشران، داشتن ۵۰ عنوان کتاب است. اما اگر ناشری تعداد عناوین کتاب‌هایش به این اندازه نرسد سعی می‌کنیم دو - سه ناشر را تجمیع کنیم و در نمایشگاه شرکت دهیم.

این ۵۰ عنوان صرفاً کتاب‌های چاپ اول را شامل می‌شود؟

نه، لزوماً نباید چاپ اول باشند. هر ناشری که در طول سه سال گذشته ۵۰ کتاب به چاپ رسانده باشد واجد شرایط حضور در نمایشگاه است، اما برای واگذاری غرفه یکی از ملاک‌ها تعداد کتاب‌های جدید است. یعنی اگر کتابی چند بار تجدید چاپ شده باشد، علی‌القاعده در اولویت بعدی قرار می‌گیرد. در مجموع در این زمینه ملاک‌های متعددی وجود دارد، از جمله تعداد کتاب‌ها، نوع کتاب‌ها و... برای مثال ممکن است یک استان علاقه‌مند باشد که مثلاً با کتاب‌های دانشگاهی بیشتری در زمینه کشاورزی در نمایشگاه حضور پیدا کند. به این ترتیب یکی از ملاک‌های انتخاب برای ناشران در مورد این استان

کتاب دانشگاهی، کتاب کاربردی و کودک و نوجوان با حمایت معاونت فرهنگی توسط تشکل‌ها برگزار شد. قصد ما هم این است که اگر بتوانیم برای سال آینده با تشکل‌ها هماهنگی و همکاری کامل را داشته باشیم و علاوه بر برگزاری نمایشگاه‌های استانی سعی خواهیم کرد در برگزاری نمایشگاه‌های تخصصی هم وارد شویم و بتوانیم نمایشگاه‌های تخصصی را با کمک تشکل‌ها و با توجه به برنامه زمانبندی برگزار کنیم.

آیا در برنامه نمایشگاه‌های استانی سال آینده تغییراتی در نظر گرفته‌اید؟

در ارتباط با نمایشگاه‌های استانی علاقه‌مندیم که نمایشگاه‌ها را در تمام ۳۰ استان مشروط بر این که فضای نمایشگاهی داشته باشند برگزار کنیم، اما در سال گذشته در چند استان از جمله کردستان و گیلان به دلیل نبود امکانات لازم از جمله نبود محل برگزاری، نمایشگاه برپا نشد. البته دوستان امسال کارهایی را انجام داده‌اند که در سال آینده در این استان‌ها نیز قطعاً نمایشگاه برگزار خواهد شد. ما قصد داریم از نظر کمی تعداد نمایشگاه‌های استانی را با کمک تشکل‌ها و با توجه به زمانی که در اختیار داریم در همه استان‌ها برگزار کنیم. در حال حاضر بر اساس برنامه زمانبندی‌ای که داشتیم مکاتباتی را با ادارات کل استان انجام دادیم و درخواست کردیم فضایی که برای نمایشگاه کتاب در نظر می‌گیرند فضایی باشد که بتوانیم نمایشگاه‌هایی با کمیت بیشتر و با امکانات رفاهی مناسب‌تر برای مردم برگزار کنیم، چرا که هدف ما از برگزاری نمایشگاه این است که کتاب‌های چاپ جدید یا کتاب‌هایی که طی دو - سه سال اخیر منتشر شده‌اند در معرض دید علاقه‌مندان در همه استان‌ها قرار بگیرد، بنابراین میزان حضور ناشران و تعداد کتاب‌هایی که در این نمایشگاه‌ها عرضه می‌شود بستگی به فضایی دارد که در اختیار ما می‌گذارند.

مکان و فضای نمایشگاه‌ها متغیرند در استان‌ها؟

بسیاری از استان‌ها فضای نمایشگاهی شان همان محل دائمی نمایشگاه‌های استان است، مثل تبریز، شیراز و خیلی از استان‌های دیگر که در آنها این مکان تغییر پیدا نمی‌کند اما از آنجا که ممکن است در این مکان‌ها همزمان با نمایشگاه کتاب، فعالیت دیگری هم صورت بگیرد سعی ما بر این است که تا حد ممکن در زمان برگزاری نمایشگاه کتاب همه فضا در اختیار این نمایشگاه قرار بگیرد. در برخی استان‌ها هم از مصلی برای برگزاری نمایشگاه استفاده می‌شود که در این مورد هم به دلیل طرح توسعه‌ای و ساخت وسازهایی که صورت می‌گیرد گاه با مشکلاتی روبه‌رو بوده‌ایم. نهایتاً درخواست کردیم با توجه به شرایط استان، زمانی را برای برگزاری نمایشگاه کتاب

هدف ما این است ناشرانی در نمایشگاه حضور پیدا کنند که بیشترین کتاب‌ها را داشته باشند. اما این بدان معنا نیست که اگر ناشری عناوین کتاب‌هایش کم است از حضور در نمایشگاه محروم شود

با توجه به این که کم‌کم به پایان سال کاری نزدیک می‌شویم به‌عنوان اولین سوال بفرمایید کارنامه نمایشگاه‌های استانی کتاب را در این یک سال چطور ارزیابی می‌کنید؟

برای پاسخ به این سوال، اشاره‌ای به گذشته می‌کنم. روزی که قرار شد فعالیت جدید موسسه نمایشگاه‌ها - از سال ۸۵ - آغاز شود، پس از برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در همان سال، سعی کردیم عرضه کتاب را به نحوه گسترده‌ای در تمام استان‌ها انجام دهیم و در سال اول تا حدی توانستیم این هدف را تحقق ببخشیم. در سال دوم سعی کردیم نمایشگاه‌ها را از نظر کمی افزایش دهیم، ضمن این که نگاهی هم به کیفیت نمایشگاه‌ها داشتیم. در سال سوم علاوه بر کمیت سعی کردیم کیفیت نمایشگاه هم ارتقا پیدا کند. در حال حاضر هم به دنبال این هستیم که علاوه بر برپایی نمایشگاه در مراکز استان‌ها در برخی از شهرستان‌ها هم که قابلیت برگزاری نمایشگاه را دارند، اقدام به برگزاری نمایشگاه کنیم. از دیگر کارهایی که طی یک سال گذشته انجام شد - که البته این حرکت از ابتدا صورت گرفته بود و امسال نمود بیشتری داشت - شناسایی استعدادهای ادبی توسط بنیاد ادبیات داستانی در استان‌ها، همزمان با برپایی نمایشگاه‌های استانی بود. همچنین امسال در بخش جنبی فعالیت‌های متنوعی صورت گرفت که از جمله این کارها این بود که تمامی کتاب‌هایی که به نوعی یکی از جویز معتبر را در کشور برده بود در بخش جنبی به نمایش گذاشته شد. همچنین با توجه به نامگذاری‌ای که هر سال توسط مقام معظم رهبری صورت می‌گیرد، امسال بر اساس فرمایش ایشان درباره اصلاح الگوی مصرف، در بخش عملیاتی نمایشگاه کتاب و در بخش آموزشی سعی کردیم این شعار را تحقق ببخشیم.

طرح برپایی نمایشگاه‌های تخصصی توسط تشکل‌های فرهنگی نشر که قرار بود با همکاری موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی صورت بگیرد به کجا رسید؟

از آنجا که برگزاری نمایشگاه کتاب در همه استان‌ها برای ما مقدور نیست، طی صحبتی که با دوستانمان در تشکل‌ها کردیم از نمایشگاه قزوین به بعد قرار بر این شد این عزیزان برای برگزاری نمایشگاه‌های استانی با ما همکاری کنند تا آن تعداد نمایشگاهی که به دلیل مشکلات زمانی امکان برگزاری‌اش برای ما وجود ندارد، از طریق تشکل‌ها و با همکاری موسسه نمایشگاه‌ها و حمایت معاونت فرهنگی برگزار شود که پس از آن قدم اول را در این زمینه برداشتیم. و سه نمایشگاه تخصصی توسط تشکل‌ها و با حمایت معاونت فرهنگی وزارت ارشاد برگزار شد. در برنامه‌های سال آینده مان هم بنا داریم برخی نمایشگاه‌های تخصصی را در استان‌های مختلف برگزار کنیم.

یعنی پیش از برگزاری این سه نمایشگاه، نمایشگاه تخصصی دیگری برگزار نشده بود؟

چرا؛ اما ما در این سه نمایشگاه که در سال جاری برگزار شد دخیل نبودیم به دلیل این که درگیر نمایشگاه استانی بودیم و سعی مان این بود که اول نمایشگاه استانی را در سرتاسر کشور گسترش دهیم و بعد در کنار آن به نمایشگاه‌های تخصصی هم کمک کنیم. امسال دو - سه نمایشگاه تخصصی از جمله نمایشگاه



بیست و هفتمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در حالی نوزده بهمن ماه سال جاری به کار خود پایان داد که ۱۸ هزار و ۴۸۷ عنوان کتاب در گروه‌های ۱۱ گانه از سوی دبیرخانه جایزه کتاب سال مورد بررسی قرار گرفتند. این گروه‌ها شامل بیش از ۶۰ رشته مختلف بودند. در این دوره، از میان ۱۱ گروه اصلی ۹ گروه اثر برگزیده داشتند که در مجموع ۱۳۲ اثر به عنوان برگزیدگان معرفی شدند. کتاب هفته در این شماره به معرفی اجمالی این آثار پرداخته است.

نگاهی به آثار برگزیده کتاب سال

برترین‌های دوره بیست و هفتم

التفسیر الاثری الجامع

تألیف: محمد هادی معرفت / مؤسسه انتشاراتی التمهی



کتاب حاضر برگزیده آثار علوم قرآنی در بخش دین است. استاد محمد هادی معرفت از قرآن پژوهان شاخصی است که سال‌های متمادی عمرش را در راه تحقیق، تدریس و تألیف معارف قرآنی سپری کرد و

آثار ارزشمندی همچون التمهید فی علوم القرآن، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، صیانه القرآن من التحریف، شبهات و ردود از خود بر جا گذاشت. «التفسیر الاثری الجامع» واپسین اثر وی است که در آن به شیوه‌ای نوین به تفسیر آیات قرآنی پرداخته است. این اثر، تفسیری روایی، نقلی از قرآن کریم است که با روشی علمی و مطابق با ضوابط و قواعد نقد به رشته تحریر درآمده است. نویسنده در این اثر کوشیده است از مهمترین منابع و اصول حدیثی و تفسیری مورد اعتماد شیعه و اهل سنت بهره گیرد و ضمن گردآوری روایات مرتبط با آیات به شیوه‌ای خاص و نظام مند، به تجزیه و تحلیل و نقد آنها بپردازد.

استاد معرفت بر این باور است که ورود روایات ضعیف، ساختگی و نادرست در میان روایات تفسیری از جمله آفت‌های قابل ملاحظه تفاسیر روایی است و از همین رو در روش تفسیری خود کوشیده است با نگاهی نقادانه به منقولات روایی در کتاب‌های تفسیری بنگرد و سره را از ناسره باز شناسد. نویسنده پیش از پرداختن به تفسیر آیات قرآنی بر پایه روایات در مقدمه کتاب پاره‌ای از مسائل و مبانی تفسیری را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است.

موسوعه کتاب الله و اهل البیت فی حدیث الثقلین من الصحاح و السنن و المسانید من مصادر اهل السنه

تحقیق: حسین رجایی موسوی، حسن شکوری و لجنة التحقیق فی مسئله الامامه / انتشارات مدرسه الامام باقر العلوم



این اثر نخستین پژوهش از «گروه تحقیق در مسئله امامت» است که با راهنمایی‌های آیت الله وحید خراسانی شکل گرفته است و در راستای تبیین و روشن‌گری درباره مسئله امامت از دیدگاه اسلام فعالیت می‌کند.

گروه تحقیق در این کتاب کوشیده است حدیث ثقلین را از منابع گوناگون اهل سنت، از جمله منابع تفسیری، روایی، تاریخی و... استخراج و براساس موضوعات مورد توجه در این حدیث و مسائل پیرامونی آن دسته‌بندی و آگاهی‌های سودمندی را در اختیار خوانندگان قرار دهد.

این اثر در یک مقدمه و چهار باب سامان یافته است. مقدمه درباره شرایط حدیث ثقلین است که خود دارای سه باب است. باب نخست به مکان صدور حدیث ثقلین و باب دوم به زمان صدور این

حدیث اختصاص یافته است و در باب سوم نیز از حالات و موضع‌گیری‌های پیامبر (ص) در شرایط و رویدادهای گوناگون سخن به میان آمده است.

مطارح الأناظر، تقریر أبحاث الشيخ الأعظم الأنصاری

تألیف: میرزا ابوالقاسم نوری / تحقیق: علی فاضلی



پژوهشگران علم اصول فقه بر این باورند که شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴-۱۲۸۱ ه. ق) و اثر کم نظیر او «فرائد الاصول» در تحول این علم نقشی بنیادین داشته است و از همین روست که امروزه اندیشه‌های اصولی

وی محور اصلی آموزش اصول فقه در حوزه‌های علمیه به شمار می‌رود و بسیاری از تحقیقات و پژوهش‌های اصولی در راستای تبیین و توضیح یا نقد دیدگاه‌های شیخ مرتضی انصاری صورت می‌پذیرد.

مطارح الانظار که در واقع یکی از مهم‌ترین و پرآوازه‌ترین تقریرات مباحث کتاب فرائد الاصول شیخ انصاری است، یکی از همین پژوهش‌ها و تحقیقات شمرده می‌شود که به قلم میرزا ابوالقاسم نوری تهرانی، معروف به کلاتر (۱۲۳۶-۱۲۹۲ ه. ق)، به رشته تحریر درآمده است. وی پدر جد همسر گرامی امام خمینی (ره) و از عالمان برجسته روزگار خویش بوده است.

در این اثر افزون بر تبیین اندیشه‌های اصولی شیخ مرتضی انصاری، مباحث و موضوعاتی نیز مطرح شده است که در فرائد الاصول به چشم نمی‌خورد. از جمله دیگر ویژگی‌های آن همچنین می‌توان به انسجام مطالب، نوآوری در برخی مباحث و توضیحات تکمیلی اشاره کرد.

آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، فیض کاشانی

تألیف محمد بهشتی / انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم



فیض کاشانی از دانشوران برجسته اسلام و ایران در سده یازدهم هجری است. اهمیت وی، به جامعیت در علوم گوناگون و کثرت تألیف و فراوانی آثار خلاصه نمی‌شود، بلکه وی اندیشمندی نظریه پرداز و

دقیق، احیاگری پرتوان، پیراسته‌سازی بی‌بدیل و ولایت‌مداری غیرتمند است.

پژوهش حاضر در زمینه اندیشه تربیتی وی با قالب و ساختار نوین و همساز با متون تربیتی روز، به شیوه توصیف و تحلیل محتوا و تطبیق نوشته شده است. بنای این پژوهش بر استفاده مستقیم از آثار فیض چون المحججه البیضاء، النخبة، اصول المعارف و الحقائق است. البته در حد امکان، کتاب المحججه البیضاء، با احیاء علوم الدین غزالی و قوت القلوب ابی طالب مکی که منبع اساسی احیاء علوم الدین و

ریشه افکار تربیتی غزالی است، مورد تطبیق قرار گرفته و تفاوت نگرش تربیتی غزالی و فیض، در حد مجال بیان شده است.

نویسنده در این پژوهش، به دنبال چند هدف است:

۱. آگاهی از شخصیت، خطوط کلی اندیشه و نیز شناخت زندگی و آثار فیض کاشانی.
۲. بازشناختن بنیان‌ها و زیرساخت‌های اندیشه تربیتی فیض کاشانی.
۳. آشنایی با پاره‌ای از ساحت‌های تربیت: اندیشمندان و نظریه پردازان تعلیم و تربیت، با نگاه همه‌جانبه به تربیت، آن را در ساحت‌های متنوع و متعدد طبقه‌بندی کرده‌اند.
۴. تبیین روش‌های تربیت اخلاقی؛ پیداست بخش کاربردی و عملیاتی تربیت، فنون و روش‌های آن است؛ زیرا از این طریق می‌توان اهداف، اصول و تدابیر تربیتی را اجرایی کرد. فیض در مقام یک مربی اخلاق، در آثار اخلاقی و تربیتی خود، به تبیین روش‌های تربیت پرداخته و راه درخشان سلوک و تهذیب نفس را در زمینه‌های شکوفایی، شکل‌گیری و تثبیت فضایل و اصلاح و درمان رذایل به درستی نشان داده است.

مبانی رویکرد اجتماعی به حقوق

تألیف: عبدالرضا علیزاده / انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها



نویسنده در این کتاب، با توجه به ادبیات تخصصی و نسبتاً مفصل در زمینه حقوق شناسی اجتماعی و جامعه‌شناختی و نیز این واقعیت که در همه کشورها با گوناگونی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، قافله حقوق از قطار

تمدن، کندتر حرکت می‌کند و دچار نوعی پس‌افتادگی فرهنگی شده، تلاش کرده شرحی دامنه دار و تا حد امکان روشن از گرایش‌ها، دیدگاه‌ها و نظریه‌های مربوط به رابطه حقوق و اجتماع به دست دهد؛ شرحی که به لحاظ نظریه پردازانه در قلمرو حقوق و اجتماع، در ادبیات فارسی زبان کم نظیر است.

امروزه بررسی‌های علمی در پی آن نیست که به‌طور مستقیم با هر بررسی خود، آموزه‌های دینی را کنار بگذارد و چنین رتبه‌ای برای خود در نظر نمی‌گیرد؛ فقط وسیله‌ای است برای بازاندیشی در آنچه به عنوان مسلمات، مقبولات و مشهورات پذیرفته‌ایم. بنابراین، هیچ سخن جدیدی در نظریه‌های علمی نمی‌گوید که به من ایمان بیاورید، بلکه می‌گوید مرا بخوانید و در آنچه گفته‌ام نیک بیندیشید و آن را نقد یازد کنید و به پیش برید.

بر این اساس، پژوهش‌های علمی نیز باید از صادر کردن بیانیه‌ها و پیش‌گویی‌ها درباره زندگی بشر دست بردارند و به کار خود بپردازند. کار آنها این است که با ابزارها و روش‌های جدید علمی که می‌یابند، باورها، شیوه‌ها، آداب، هنجارها و عرف‌های برجای مانده از زندگی پر فراز و نشیب بشر گذشته را فهم و تفسیر و نقد کنند.

خط امان (پژوهشی در موعود ادیان)

تألیف محمد امامی کاشانی

دفتر نشر فرهنگ اسلامی / ۲ جلدی



موضوع اصلی کتاب، وجود مبارک مصلح و منجی آخرالزمان، حضرت ولی عصر (عج) است. این مجموعه در سه بخش تنظیم شده است: بخش نخست، تفسیر و تحلیل و استدلال فلسفی و شبه فلسفی بخش

دوم کتاب است. بخش دوم شامل احادیث و آموزه‌های پیامبر اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) برگرفته از قرآن است. بخش سوم با عنوان «معجم روایات احادیث المهدی» در احوال و شرایط مختلف روایان از نظر اعتبار و عدم اعتبار اسناد و روایات است.

موضوعات مورد بحث در بخش اول در چند مجلد از کتاب آمده است. در پایان هر فصل و هر دلیل عقلی، حدیثی در هویت آن حضرت (ع) آمده است تا معلوم شود که راه عقل و شرع یکی است.

مجلدات بعدی این کتاب نیز دربرگیرنده گفتگو با فیلسوفان و متکلمان مسیحی درباره ظهور حضرت مسیح (ع) و آخرالزمان، و نیز گفت‌وگو با دانشمندان و نویسندگان مسلمان (اهل سنت) درباره مهدی موعود (ع) است که شش موضوع مهم مطرح شده در آن عبارتند از: جهانی شدن اسلام در عصر ظهور، پایه‌های مهدویت در قرآن کریم، مرجعیت علمی اهل بیت (ع) از دید اهل سنت، هویت غیبت، ظهور... امام مهدی (ع) در احادیث معتبر و متواتر، صحت و تواتر احادیث امام مهدی (ع) از دید دانشمندان و محدثان اهل سنت و برکات و آثار این عقیده.

مکاتیب الاثمه

علی احمدی میانجی

تحقیق و مراجعه: مجتبی فرجی / انتشارات دارالحدیث



مکاتیب الاثمه عنوان مجموعه‌ای از نامه‌ها و مکاتبه‌های امامان معصوم (ع) است که از سوی مرحوم آیت‌الله‌علی‌احمدی میانجی از میان منابع گوناگون گردآوری و براساس سیر تاریخی وقایع

و رویدادها تنظیم شده است. مجموعه این مکاتبه‌ها می‌تواند منبع مهمی برای درک درست رویدادها و وقایع تاریخی و روشن شدن اوضاع و شرایط سیاسی و فرهنگی دوران هریک از امامان و پیشوایان معصوم (ع) به‌شمار آید. در این اثر افزون بر مکاتبه‌ها و نامه‌های تاریخی و سیاسی، نامه‌های فقهی و مجموعه‌ای از وصایا نیز گردآمده است.

از ویژگی‌های این اثر همچنین می‌توان به شرح چکیده‌ای از سیره یاران و کارگزاران امامان، به ویژه کسانی که در این اثر از آنان سخن به میان آمده، و نیز یادداشت‌ها و توضیحاتی که برای خواننده سودمند و ضروری است، اشاره کرد.

ضبط دقیق نامه‌ها و منابع و ذکر اسناد آنها از دیگر ویژگی‌های این اثر است.



کتاب‌های علوم انسانی؛ غافل از اندیشه عربی مرعوب اندیشه غربی

وداع با خیال پردازی و مخالفت با کلیشه سازی

و معنا شده است.

برای تشریح این موضوع نظرات دکتر کریم مجتهدی، از چهره‌های فلسفه ایران را درباره وضعیت علوم انسانی و کتاب‌های این حوزه در ایران جویا می‌شویم. وی استاد فلسفه دانشگاه تهران و عضو هیات علمی گروه غرب‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و همچنین چهره ماندگار فلسفه ایران در سال ۱۳۸۰ است.

دکتر مجتهدی در پاسخ به این سوال که «جایگاه و اهمیت علوم انسانی به عنوان مقدمه‌ای بر علوم طبیعی چیست؟» می‌گوید: «علوم انسانی رانمی‌توان الزاما مقدمه علوم طبیعی پنداشت، اما این علوم با فراهم آوردن مقدمات فرهنگی برای پیشرفت علم طبیعیات، موجب توجه به علوم طبیعی از منظر فرهنگی می‌شوند. تمامی رشته‌های علمی بدون استثنا و علم به معنای واحد کلمه و به معنای مشترک عمومی، از تجلیات فرهنگ انسان به شمار می‌آیند. علوم تابعی از فرهنگ اند و متأثر از پیشرفت فرهنگی انسان، معنای تازه‌ای می‌یابند. در حقیقت علم بدون

زیربنای فرهنگی قادر به پیشرفت نخواهد بود.» وی در پاسخ به این پرسش که «آیا دلیل بی‌ بهره بودن برخی کشورهای پیشرفت‌های صنعتی، ضعف آنان در زیربنای فرهنگی است؟» اظهار می‌دارد: «در عصر جدید از دوره احیای حیات فرهنگی (رنسانس)، علم و صنعت بیش از پیش همجوار شدند، زیرا همان‌گونه که علوم، زمینه‌های پیشرفت صنایع را فراهم می‌آورند، دستاوردهای صنعتی نیز به پیشرفت علوم مختلف سرعت بیشتری می‌بخشند. درباره علوم انسانی نیز باید گفت که این علوم زیربنای فرهنگ به شمار می‌آید و در تمامی زمینه‌ها نقشی هشداردهنده برعهده دارند.»

دکتر مجتهدی پیشرفت کمی در حوزه نشر یا افزایش فارغ‌التحصیلان علوم انسانی را به معنای پیشرفت واقعی و کیفی آن نمی‌داند، چراکه به باور وی، این امر به‌مدراک‌گرایی و تظاهر به علم می‌انجامد. تنها آگاه کردن دانشجویان و عمق دادن به تفکر آنهاست که پیشرفت علوم انسانی را محقق می‌سازد. یکی از نمودهای بی‌توجهی به علوم انسانی، تلقی و برداشت منفی دانش‌آموزان دبیرستانی از این رشته است. به این معنا که افرادی که از سطح علمی کمتری برخوردارند، باید این رشته را برگزینند. دکتر مجتهدی کیفیت اندک منابع و نحوه تدریس را مهم‌ترین دلیل ناشناخته ماندن ارزش علوم انسانی در مراکز آموزشی نظیر دبیرستان‌ها و عدم استقبال دانش‌آموزان مستعد از این رشته می‌داند. به اعتقاد وی، حمایت از علوم انسانی با سهل‌انگاری میسر نخواهد شد، بلکه این موضوع تدریس عمیق و دقیق را می‌طلبد. مدرک‌گیری آسان و مدرک‌گرایی نیز آفتی برای این علوم محسوب می‌شود.

به اعتقاد مجتهدی، ضعف محتوای درسی علوم انسانی به‌ویژه در دبیرستان‌ها یکی دیگر از دلایل بی‌توجهی به این رشته است. وی می‌افزاید: «راه حل این مشکل بازنگری کلی ابتدا در مفهوم این علوم، دوم در کیفیت تدریس و سوم در اشتغال مدرسان آن است. فرهنگ علمی کشورمان در تمامی علوم، اعم از طبیعی، ریاضی و انسانی نیازمند تجدیدنظر است، چراکه مفهوم علم دچار خلط شده است. شاید دلیل این امر، نقش اندک‌مان در پیشرفت علوم باشد. جامعه علمی کشورمان دچار نوعی تابعیت شده است. در حالی که با تقلید محض نمی‌توان به جایگاهی شایسته رسید.»

ادامه در صفحه ۲۳



آسیب شناسی اندیشه‌ها و کتاب‌های علوم انسانی

دهه اخیر را نیز نباید نادیده انگاشت، چراکه این سال‌ها شاهد ترجمه کتاب‌هایی از متفکرانی نظیر «حسن حنفی»، «عابد الجابری» و «ارگون» در بازار نشر ایرانیم. این متفکران، به‌ویژه در حوزه اندیشه دینی سخنان مهم، جدی و قابل تاملی دارند.

دنیای عرب به گفته بسیاری از کارشناسان، در برخی از حوزه‌های فکری از ایرانیان جلوتر بوده است. به عنوان مثال، برخی از مباحث معرکه آرای اندیشه‌های دینی، یک یا دو دهه پیش‌تر در مصر و تونس مطرح شده بودند. این موضوع درباره مسائل حقوقی نیز صادق است. بیان این مطالب به معنای نادیده انگاشتن دستاوردهای ایران نیست، بلکه به معنای ترغیب متفکران به آگاه شدن از اندیشه عربی است.

ناگفته نماند که ایران نیز در مسائلی نظیر سیاست و اندیشه سیاسی چندین گام پیش از دنیای عرب است. کشورمان به دلیل تجربه انقلاب اسلامی در حوزه‌هایی نظیر دموکراسی و نگاه به دین از این دریچه نیز تجربه‌هایی ارزنده دارد. به هر حال، کتاب‌های متفکران عربی جایگاه محدودی در میان آثار ترجمه‌ای به عنوان ابزاری برای انتقال آرا دارند.

دکتر آرمین برخی از دلایل این امر را چنین برمی‌شمارد: «مسائل تاریخی و سیاسی مهم‌ترین علل این موضوعند. همچنین پیشرفت چشمگیر دنیای غرب در دو قرن اخیر و گرایش بسیاری از کشورهای از جمله ایران و دنیای عرب به این ملل، دیگر دلیل این امر به شمار می‌آید. گرایش به فرهنگ و مدنیت جدید اروپا از دوره مشروطه به بعد، بسیار ملموس و تعیین‌کننده بود، چراکه مدنیت جدید با قدرت تولید فکر بسیار بالا، جذابیت‌های خاص خودش را داشت.»

توجه به ترجمه و انتقال آرای قابل تامل دنیای عرب ضروری است، اما آیا کیفیت توجهات بسیار ایرانیان در حوزه علوم انسانی به دنیای غرب به بازنگری نیاز ندارد؟ آیا آثار ترجمه‌ای از اندیشه‌های غرب که تعداد آنها اندک نیست، به خوبی پرداخته و نقد شده‌اند؟ بازنگری در این موضوع نیازمند ارائه بازتعریف علوم انسانی و وقوف به کارکردها و اهمیت آن است. گرایش به اندیشه غربی در ایران غیرقابل انکار است، اما باید دریافت که آیا این گرایش به شناخت صحیح از اندیشه غربی منتهی شده است؟ به گفته برخی کارشناسان، علوم انسانی در ایران به بازتعریف نیاز دارد، زیرا این مفهوم دچار خلط مبحث

گشت و گذار در این نمایشگاه باعث شد تا قدری در حوزه کتاب‌های علوم انسانی، وضعیت ترجمه این آثار به زبان فارسی، احوالات اندیشمندان کشورهای عربی و همچنین آسیب‌شناسی آثار آنان در مقایسه با آثار دنیای غرب به جست‌وجو بپردازیم.

محسن آرمین، نویسنده، مترجم زبان عربی و عضو هیات علمی گروه مطالعات اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با این نظر که متفکران دنیای اسلام بدون آگاهی و نقد افکار یکدیگر، به تقلید از غرب پرداخته و به این ترتیب از دستاوردهای یکدیگر غافل مانده‌اند، موافق است و می‌گوید: «اندیشمندان برخی کشورهای عربی نظیر مراکش و تونس، اندیشه‌های قابل ملاحظه‌ای دارند که توجه به آنها خالی از لطف نیست در حالی که متأسفانه وضعیت ترجمه کتاب‌های ارزشمند عربی در ایران مناسب نیست. حوزه فکر و اندیشه کشورمان در تاریخ معاصر بیشتر با دنیای غرب ارتباط و پیوند داشته است؛ چراکه بسیاری از اندیشمندان ایرانی دانش آموخته دانشگاه‌های غربند و به همین دلیل اقدام به ترجمه کتاب‌های آنان کرده و راه‌را برای ورود و تأثیرگذاری این اندیشه‌ها هموار ساخته‌اند، اما متأسفانه تعامل فکری با جهان عرب در ۱۵۰ سال اخیر برخلاف دوران قبل از آن که ارتباط ایران با آنها تنگاتنگ بود، ضعیف شده است؛ امری که ما را از تحولات فکری و نوآوری‌های مختلف در حوزه اندیشه دینی و حوزه‌های دیگر فکری در جهان عرب غافل ساخت.»

بیدیهی است که ترجمه و انتقال اندیشه عربی معاصر در ایران با ضعف روبه‌روست، اما تلاش‌های

در روزهای پایانی بهمن ماه نمایشگاهی از تازه‌ترین آثار انگلیسی و عربی زبان بیست و دو ناشر خارجی به نمایندگی از شرکت ویژه نشر در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برپا شد.

این نمایشگاه فرصتی فراهم آورد تا با استفاده از نظرات کارشناسان علوم انسانی، بار دیگر به بررسی جایگاه این علوم و چالش‌های پیش‌روی آن بپردازیم. **نمایشگاهی برای تسهیل دسترسی محققان به اندیشه‌های خارجی**

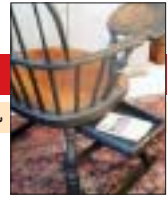
این نمایشگاه مساحت اندکی را با چند ردیف قفسه، در ورودی پژوهشگاه به خود اختصاص داده بود و ۵۵۰۰ عنوان کتاب در رشته‌های مختلف علوم انسانی نظیر علوم سیاسی، زبان‌شناسی، تاریخ، ادبیات، ادیان، روان‌شناسی، فلسفه و جامعه‌شناسی مربوط به سه سال اخیر میلادی از هفده ناشر انگلیسی و پنج ناشر عربی را شامل می‌شد. از میان این ناشران، نام انتشارات «راتلج» و «تیلور اند فرانسیس» برای بسیاری از علاقه‌مندان به علوم انسانی آشنا تر بودند. ناشران عربی طرف قرارداد با شرکت ویژه نشر نیز متعلق به کشور لبنان اند. به گفته مدیر اجرایی شرکت ویژه نشر، تمامی کتاب‌های وارد شده از سوی این شرکت، بر اساس نیازسنجی جامعه علمی کشور انتخاب شده‌اند. البته کتاب‌های وارداتی شرکت ویژه نشر چند بار در طول سال به مناسبت‌هایی نظیر نمایشگاه‌های علمی کاربردی، دانشگاهی و بین‌المللی به نمایش گذاشته می‌شوند.

مهدی اشخاصی، مدیر اجرایی شرکت ویژه نشر در این باره می‌گوید: «ارائه آثار انگلیسی و عربی زبان در چنین نمایشگاهی دسترسی به آنها را برای مخاطبان آسان و ارزان می‌کند، چراکه این آثار با تخفیف بیش از بیست درصد ارائه می‌شوند که پرداخت بهای بالای کتاب‌های خارجی را قدری امکان‌پذیرتر می‌کند. استادان دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی به روزآمد شدن و مطالعه آخرین آثار منتشر شده برای ارزیابی سطح علمی‌شان نیاز دارند، اما این راه همیشه هموار نیست و نخستین مشکل آن وضعیت اقتصادی و معیشتی است.»

برگزاری چنین نمایشگاهی - هرچند به صورت محدود - راه‌را برای تحقیق پژوهشگران همواری سازد، زیرا انتظار برای برگزاری نمایشگاه کتاب تهران و همچنین مشکلاتی نظیر ترافیک و شلوغی بسیاری از آنان را از رسیدن به مقصود بازمی‌دارد، به همین علت، برگزاری نمایشگاه در مراکز پژوهشی سبب دسترسی آسان استادان به آثار مورد نظرشان می‌شود.

این نمایشگاه کوچک و محدود، کتاب‌های عربی معدودی را نیز در قفسه‌هایی کم‌شمار عرضه کرد که تمامی آنها در حوزه اسلام و تاریخ جای می‌گرفتند. نداشتن غنای کمی و شاید کیفی آثار عربی این نمایشگاه را به دلیل محدود بودن و شرکت داشتن تنها پنج ناشر در آن نمی‌توان چندان نقد کرد، اما عدم اهمیت و کمبود کتاب‌های متفکران دنیای عرب در ایران تنها به این نمایشگاه محدود نشده و به بازار نشر ایران نیز تعمیم می‌یابد. این در حالی است که ایران با کشورهای عربی به لحاظ دینی و فرهنگی قرابت بسیار بیشتری نسبت به کشورهای غربی دارد. لازم به یادآوری است که بسیاری از مسائل مطرح شده از سوی اندیشمندان ایرانی، به‌ویژه درباره اندیشه دینی، چندین دهه پیش از آن در کشورهای عربی نظیر مصر و مغرب عربی مطرح شده بودند و این امر بدان معناست که متفکران دنیای اسلام بدون آگاهی و نقد افکار یکدیگر، به تقلید از غرب پرداخته و به این ترتیب از دستاوردهای یکدیگر غافل مانده‌اند.

علوم تابعی از فرهنگ اند و متأثر از پیشرفت فرهنگی انسان، معنای تازه‌ای می‌یابند. در حقیقت علم بدون زیربنای فرهنگی قادر به پیشرفت نخواهد بود



سایر محمدی

«امیر قافله عشق» جدیدترین کتاب دکتر همایون همتی درباره حضرت امام خمینی (ره) است که نیمه خرداد ماه امسال از سوی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات اسلامی چاپ و منتشر شده است. دکتر همتی تاکنون ۲۲ عنوان کتاب منتشر شده (اعم از تالیف و ترجمه) در کارنامه خود دارد و همین تعداد کتاب منتشر نشده و در آستانه چاپ فراهم آورده که در آینده‌ای نزدیک به بازار عرضه خواهند شد. وی متولد ۱۳۳۸ در ایلام است. همتی پس از تحصیلات متوسطه به آمریکا رفت و حدود سه سال در دانشگاه اوهایو در رشته پزشکی تحصیل کرد. پزشکی را نیمه تمام رها کرد و عازم هندوستان شد و در دانشگاه «علیگر» مدت یک سال جامعه‌شناسی خواند که در جریان جنبش عظیم مردم ایران در سال ۵۶ به کشور بازگشت و در کنار همه مردم به نهضت امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی پیوست. پس از انقلاب، در نخستین دوره دانشکده الهیات دانشگاه تهران پذیرفته شد و لیسانس و فوق لیسانس خود را در رشته فلسفه و کلام اسلامی گرفت. در ادامه، بیش از شش سال طول کشید تا دکترای خود را در رشته ادیان و عرفان تطبیقی زیر نظر دکتر فتح‌الله مجتبیایی استاد بزرگ ادیان بگیرد. وی اکنون بیش از ۲۸ سال است که در دانشگاه تهران تدریس می‌کند و عضو هیات علمی این دانشگاه است. وی حدود چهار سال اخیر را به‌عنوان رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی در آلمان گذراند و چندی است که تدریس در دانشگاه را از سر گرفته است. ضمن این، دانشگاه‌های ایتالیا، اندونزی و... از وی برای تدریس دعوت کرده‌اند که او به‌عنوان استاد مهمان، سالی یک ترم در این کشورها و سالی یک ترم در ایران تدریس کند. دکتر همتی نخستین ایرانی‌ای است که به عضویت انجمن بین‌المللی تاریخ ادیان پذیرفته شده و سخنرانی‌های متعددی در حوزه دین پژوهی و عرفان اسلامی ایراد کرده است. «مفهوم امر قدسی»، «شناخت دانش ادیان»، «شناخت مسیحیت»، «درآمدی بر الهیات معاصر»، «طنین اندیشه»، «دیدگاه‌ها»، «مقالات فلسفی»، «تاریخچه دین و دین پژوهی» و «در فلسفه دین» عناوین برخی از آثار منتشر شده و منتشر نشده او را تشکیل می‌دهند.

در گفت و گو با دکتر همایون همتی مطرح شد

توجه توأمان به گذشته و آینده

کرده که مدت هاست نایاب است. منظوم کتاب «درآمدی بر دین‌شناسی جدید» است. همه این افراد که هریک جایگاه برجسته‌ای در فلسفه آلمان دارند، به بزرگی و جایگاه ویژه رودلف اوتو شهادت می‌دهند.

سوال من این است که چگونه در یک جامعه دینی مثل ایران، فیلسوفی که در فلسفه دین چهره برجسته و شناخته شده‌ای است، در طول این سه دهه ناشناس باقی مانده؟

برای این که جامعه دینی ما به شدت سنتی است و از پرداختن به فلسفه و فیلسوفان جدید گریزان است. رشته ادیان و رشته دین‌شناسی به‌عنوان یک رشته دانشگاهی متأسفانه هنوز جا نیفتاده است و هنوز خیلی‌ها نمی‌دانند دانش ادیان چیست؟ هرمنوتیک چیست؟ فلسفه دین و پدیدارشناسی دین هنوز به قدر کافی معرفی نشده است. متأسفانه بعضی از این دوستان فکر می‌کنند فقه، اصول و کلام و درس‌های حوزه علمیه بس است.

چون ترجمه اول را از یک متن انگلیسی انجام داده بودم. البته متن انگلیسی این اثر را هم خود اوتو دیده و آن را تایید کرده بود. بقیه آثار اوتو را هم تهیه کردم و الان دو عنوان از این آثار را در دست ترجمه دارم که یکی «عرفان شرق و غرب» است.

کتاب دیگر اوتو «مقالات دین‌شناسی» است که خود او معتقد است این کتاب مکمل کتاب «مفهوم امر قدسی» است. نسخه‌ای از این کتاب را که خیلی قدیمی است به سختی پیدا کردم و از دانشگاه ماربورگ به ایران آوردم و در تلاش ترجمه آن هستم که در واقع می‌توان آن را ضمیمه یا تکمله مفهوم امر قدسی دانست.

در میان فیلسوفان آلمانی زبان، رودلف اوتو چه جایگاهی دارد؟ جایگاه رودلف اوتو در میان فلاسفه معاصر آلمان جایگاهی یگانه و منحصر به فرد است، یعنی این جایگاه را تا به امروز هیچ کس نتوانسته پر کند. با همه اعتبار و ارجحی که رودلف اوتو در فلسفه آلمان دارد، چگونه در ایران شناخته نشد و کسی سراغ ترجمه آثارش نرفت؟

متأسفانه مترجمان آثار فلسفی (از زبان آلمانی) هنوز رودلف اوتو را نمی‌شناسند. به همین دلیل سراغ ترجمه آثارش نرفته‌اند. کتاب «مفهوم امر قدسی» او بیش از ۲۵ بار تجدید چاپ شده است، میثائیل الیاده در کتاب «مقدس و نامقدس» خود، کتاب «مفهوم امر قدسی» را نقطه عطفی در دانش دین‌شناسی معرفی می‌کند و با جرات و یقین کامل می‌گوید که هیچ دایره‌المعارف و هیچ دانشنامه‌ای و هیچ کتاب درسی رشته ادیان در هیچ زبانی پیدانمی‌کنند مگر این که یکی از منابع و ارجاعاتش همین کتاب «مفهوم امر قدسی» باشد.

شاگردانش افرادی مثل گوستاو منشیگ، یواخیم باخ و پروفیسور کورت رودلف هستند. من کتابی از همین آخری ترجمه کردم و حوزه هنری آن را چاپ



مقاله در «فلسفه دین» است. در این زمینه، من اثر مستقلی چاپ نکرده بودم. این کتاب در آستانه آماده شدن برای چاپ است. علاوه بر این، مقالات زیادی از آلمان همراه خودم به ایران آوردم که شامل سخنرانی‌هایم می‌شوند و مقالاتی که به انگلیسی یا آلمانی نوشته‌ام؛ زمانی که در دانشگاه بیله فلد آلمان مشغول تدریس بودم.

آخرین کتاب‌هایی که از شما در ایران توسط نشر گستره چاپ و منتشر شده کتاب «مفهوم امر قدسی» اثر رودلف اوتو، «شناخت دانش ادیان» و «شناخت مسیحیت» و «درآمدی بر الهیات معاصر» بود. این کتاب‌ها آیا تجدید چاپ نشدند؟ انتشار این آثار چه بازتابی در میان علاقه‌مندان علوم دینی داشت؟

پس از انتشار این آثار، به‌عنوان رایزن فرهنگی، ایران را ترک کردم و مقیم آلمان شدم. بنابراین از بازتاب انتشار این آثار در مطبوعات ایران اطلاع چندانی ندارم. از طرفی، کتاب «شناخت دانش ادیان» به‌عنوان کتاب درسی دانشگاهی انتخاب شد. علاوه بر این، کتاب‌های مذکور نیاز به یک ویرایش و تصحیح داشت، چون اغلاطی به متن راه یافته بودند که ناشی از حروفچینی بود. به خاطر همین موافق تجدید چاپ این آثار قبل از ویرایش و بازنگری نبودم. متأسفانه ناشر هم در توزیع این کتاب‌ها، خوب عمل نکرد و من از نحوه چاپ و توزیع کتاب‌ها و عملکرد ناشر راضی نیستم. لذا اکنون در حال مقایسه کتاب «مفهوم امر قدسی» با متن اصلی و آلمانی هستم. این کتاب تالیف رودلف اوتو است و ایشان به من این اجازه را دادند که آثارشان را ترجمه کنم. حتی دستنوشته‌های ایشان را هم دیدم. از این دستنوشته‌ها عکس گرفتم و الان تصمیم دارم ترجمه جدیدی از کتاب «مفهوم امر قدسی» رودلف اوتو ارائه‌دهم. در واقع می‌خواهم متن ترجمه را با اصل آلمانی هم مطابقت بدهم،

آقای همتی! با توجه به این که حدود ۲۲ عنوان کتاب منتشر شده دارید اما معتقدید که کتاب‌های اصلی شما هنوز منتشر نشده‌اند. موضوع این آثار چیست؟

کتاب‌های اصلی من که شامل مباحث و مطالبی در حوزه دین پژوهی، فرهنگ، الهیات و فلسفه‌اند، در سه کتاب تدوین شده و الان زیر چاپند. یعنی ویرایش و نمونه خوانی آنها را انجام داده‌ام و الان در انتظار انتشار آنها هستم. عنوان یکی از این کتاب‌ها «گفتمان دینی در جهان متغیر» است که مباحثی درباره هرمنوتیک دین، الهیات، دین پژوهی، دین‌شناسی با رویکرد ویتگنشتاین به دین‌شناسی را دربردارد. در این کتاب بحث‌های جالبی درباره قرائت‌های مختلفی که از دین وجود دارد، طرح شده است.

کتاب دیگرم که درباره عرفان است مقایسه بعضی از مباحث فلسفی بایکدیگر است. در قسمتی از کتاب، بحثی در مورد نماز و رسانه مطرح شده که در آن بحث خوبی درباره فلسفه نیایش مطرح می‌شود که هم رویکرد عرفانی و هم رویکرد دین‌شناسانه دارد. این کتاب با نام «طنین اندیشه» منتشر می‌شود. کتاب سوم «مشق حضور» خواهد بود. این کتاب هم مشتمل بر مجموعه مقالاتی است که رویکرد دکتر شریعتی و استاد شهید مطهری و نگرش آنان به مسائلی چون دین‌شناسی و فلسفه دین را با یکدیگر مقایسه کرده است. در این اثر برخی از دین‌شناسان را معرفی کرده‌ام. همه مطالب این کتاب‌ها جدیدند.

کتاب دیگری هم دارم به نام «دیدگاه‌ها» که در این کتاب، مقالات فلسفی من گردآوری شده است و بعضی ترجمه از آثار فلاسفه قرون وسطی هم هست.

گویا کتابی هم توسط نشر نامک زیر چاپ دارید؟ موضوع این کتاب را توضیح می‌دهید؟

آماده کردن این کتاب، البته کمی طول کشید و من شرمندمدیر محترم این موسسه انتشاراتی شدم، واقعاً صبر و حوصله ایشان مرا شوق آورد. این کتاب درباره عرفان عصر جدید است؛ نظام‌های عرفانی در عصر جدید که در اروپا و غرب پیدا و دامنه آن به کشورهای مسلمان از جمله کشور ما هم کشیده شد. این کتاب از جمله آثار تالیفی من است که یک بخش آن مقالات است و یک بخش آن هم درس‌گفتارهایی‌اند که در دانشگاه تدریس کرده‌ام. این برای نخستین بار است که تاریخچه دین پژوهی از زبان دین‌شناسان در قالب کتابی به زبان فارسی، روایت می‌شود؛ موضوعاتی چون مکتب‌ها، تئوری‌ها، متدولوژی، روش‌های تحقیق ادیان و... را از منابع آلمانی و انگلیسی استخراج و ترجمه کردم و نشان داده‌ام که دین پژوهی و دین‌شناسی شامل چه رشته‌هایی می‌شوند و چه زمان پیدا شده و مکتب‌های اصلی آن کدامند. همچنین رساله‌ای در دست تدوین دارم که چند

در مورد ویتگنشتاین حق با شماست. او در هیچ یک از آثارش صریحاً به دین و دین پژوهی نمی‌پردازد، اما در «پژوهش‌های فلسفی» یعنی کتاب دومش و در «تراکتاتوس» یکی از مهم‌ترین و بحث‌انگیزترین کتاب‌هایش درباره امر عرفانی و



علی هادیلو

میرزا علی اکبر خان دهخدا در تاریخ معاصر ایران نامی آشنا و تاثیر گذار است. او از یک طرف در تب سیاسی روزگار قاجاریه، با نوشته های خود که با نام های مستعار دخو و... منتشر می شد، دستی در مشروطه خواهی داشت و در روزنامه نگاری یک سر و گردن از همگنان خود بالاتر بود و از سوی دیگر پژوهشگری بی بدیل در ادبیات و هنر بود. او با طنزهای ماندگار، شیوه ای نو فراروی دیگر نویسندگان روزگار به جا گذاشت. اما بی شک مهم ترین رهاورد او برای جامعه ایران پس از مشروطه، اثر سترگ لغت نامه است. اگر چه پرداختن به شخصیت این ادیب و اهمیت آثارش در این مجال کوتاه نمی گنجد اما در گفت و گوهایی زیر با صاحب نظرانی که عمر خود را صرف خدمت به فرهنگ فارسی کرده اند، گوشه ای از اهمیت آثار او را در ادب معاصر پیش روی شما قرار داده ایم.

گفت و گو با پژوهشگران به مناسبت سالروز درگذشت دهخدا

آثار دهخدا، شناسنامه ایرانیان است

حسن انوری:

ناهمگونی مهم ترین مشکل لغت نامه دهخداست

استاد حسن انوری، عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی، یکی از این استادان و صاحب نظران حوزه فرهنگ نویسی است که از جمله تازه ترین واژه نامه های زبان فارسی را با عنوان «فرهنگ سخن» در هشت جلد تدوین کرده است. وی در گفت و گو با خبرنگار «کتاب هفته» همچنان که معتقد است لغت نامه ناهمگونی های زیادی دارد، اما زبان به تمجید از علامه دهخدا می گشاید و معتقد است که لغت نامه او بزرگ ترین و با اهمیت ترین فرهنگ نامه فارسی است.

کمتر کسی همچون علامه دهخدا پیدا می شود که دارای شخصیتی ملی، سیاسی و ادبی باشد و از همه آنها نیز سر بلند بیرون بیاید، اما به نظر شما چه ویژگی ای علامه را ممتاز می ساخت؟

علامه دهخدا از جهات مختلف در تاریخ معاصر ایران حائز اهمیت است و از جنبه های مختلف می شود به خدمات ایشان پرداخت. اگر درباره طنز نویسی در تاریخ صحبت کنید ناچارید از او نام ببرید، چرا که او طنز را در دوره رکود، ارتقا داد. همچنین وقتی درباره شعر مدرن فارسی صحبت می کنید، باز ناگزیر هستید که از او یاد کنید، چرا که شعر «یاد آر» ز شمع مرده یاد آر» تلاشی است در حرکت به سوی شعر مدرن فارسی. اگر در مسائل سیاسی، به ویژه درباره دوره قاجار صحبت کنید، باز دهخدا در آن دوره شخصیت بسیار تاثیر گذاری بوده است. اما به اعتقاد من مهم ترین



چهره او مربوط به حوزه فرهنگ نگاری است. او در تاریخ ایران بزرگ ترین فرهنگ فارسی را پدید آورده است، اگر چه در دوران های مختلف و قدیم، فرهنگ های متعددی نوشته شده است (مثلاً در دوره گورکانیان هنر فرهنگ نویسی رواج داشته است) اما هیچ یک هم پایه لغت نامه دهخدا نمی شود. لغت نامه دهخدا یک دانشنامه بزرگ است که در همه حوزه ها پاسخگو است.



آیا لغت نامه دهخدا توانسته شیوه ای برای فرهنگ نویسان بعد از خود مثل دکتر معین ایجاد کند؟

بله! تاثیر لغت نامه دهخدا را در همه فرهنگ های فارسی، به ویژه فرهنگ معین می توان دید. البته با این تفاوت که فرهنگ معین مدرن تر از لغت نامه دهخداست. بنابراین تاثیر گذاری دهخدا بر فرهنگ نویسی ایران انکار ناپذیر است، ما نیز در تدوین

«فرهنگ سخن» از شواهد تاریخی لغت نامه فراوان استفاده کرده ایم.

برخی معتقدند که دهخدا با همه دقتش در گردآوری لغت نامه دچار اشتباه ها و لغزش هایی شده است. آیا لغت نامه پس از چند دهه از تدوینش نیازمند بازنگری است؟

گردآوری منابع و تدوین لغت نامه زمانی آغاز شد که هنوز فرهنگ نویسی غربی در ایران شناخته نشده بود. بنابراین دهخدا بنا به شمع خود و سنت فرهنگ نویسی ایرانی، لغت نامه را تدوین کرد، ضمن اینکه باید یادآوری کنم در تالیف آن صد نفر شرکت داشتند و بنابراین چون در آن ایام شیوه نامه مشخصی پیش روی دهخدا و شاگردانش نبود، لغت نامه را به همان شکل سنتی تدوین کردند. به همین دلیل لغت نامه امروز که شیوه فرهنگ نویسی متحول شد، نیاز به تجدید نظر اساسی داشت و موسسه لغت نامه دهخدا باید بلافاصله پس از پایان کار تدوین و انتشار لغت نامه تجدید نظر می کرد، چرا که ناهماهنگی بسیاری در آن پیدا شد. اما با همه اینها از حق نگذریم که لغت نامه دهخدا هنوز هم با گذشت سالیان قابل استفاده است و هر جوانی علمی می تواند از آن بهره ببرد.

برخی معتقدند که ورود اعلام تاریخی و جغرافیایی به لغت نامه از مهم ترین ضعف های آن به شمار می رود. آیا در شیوه های نوین فرهنگ نویسی، آوردن اعلام فوق ضرورتی ندارد؟

نه. من این نظر را قبول ندارم که نباید اعلام تاریخی و جغرافیایی را در فرهنگ لغات بیآوریم. لغت نامه به

که در آن زمان چند کتابخانه در کل ایران وجود داشت و طالبان و محققان برای یافتن بسیاری از پرسش های خود هیچ ماخذی در اختیار نداشتند، آنگاه این کار برای ما توجیه پذیر می شود؛ گرچه شادروان دهخدا خود معتقد بودند که باید در نهایت این بخش را از لغت نامه حذف کرد.

همین طور است شواهد زیاد و سایر ایرادهای به حقی که بر این کتاب گرفته شده است، اما همان گونه که گفته شد لغت نامه دهخدا سنگ پایه ای است که فرهنگ های بعدی بر روی آن بنا گذاشته شد و همه به نوعی برای تکمیل یا رفع آن نقایص کوشیده اند؛ به طوری که مهم ترین فرهنگ فارسی پس از دهخدا یعنی فرهنگ فارسی معین نیز حاصل همین تجربه اندوزی شادروان معین در کنار دهخدا و صد البته اتکا به دانش زبانی خود ایشان و تجربه های فرنگیان است.

پس از پایان تالیف و چاپ کامل لغت نامه دهخدا مولفان این اثر با توجه به تجربه فراوانی که در این راه اندوخته بودند، تصمیم به ادامه این کار گرفتند و در این راه سه فعالیت انجام شد.

الف: چاپ دوباره لغت نامه دهخدا با حروف چینی کامپیوتری در قطع و شکل جدید و زیبا به طوری که همان متن - با تغییرات و اصلاحات بسیار اندک - به گونه ای قابل استفاده تر و کم حجم تر به خوانندگان عرضه شد.

ب: تدوین لغت نامه متوسط دهخدا در دو جلد که در این اثر اعلام تاریخی و جغرافیایی، لغات کم کاربرد فارسی و همین طور لغات عربی که در فارسی

از آغاز تالیف و حدود ۳۰ سال از پایان آن می گذرد هنوز هم بزرگ ترین و معتبرترین کتاب لغت زبان فارسی و مورد مراجعه روزانه محققان، نه تنها در حوزه زبان و لغت، که در حوزه های تاریخ، فلسفه، کلام، عرفان، ادیان و سایر دانش ها نیز هست و به یقین می توان گفت: «از زمان تدوین این اثر تاکنون هیچ متن فارسی تصحیح نشده که مصحح آن دائماً به این کتاب مراجعه نکرده باشد. اگر لغت نامه دهخدا نمی بود بسیاری از آن آثار یا اصلاً تصحیح نشده بودند یا به این شکل و با این دقت ارائه نمی شدند.»

قطعاً هیچ فرهنگ نویسی هم خود را از مراجعه دائم به این اثر سترگ بی نیاز نمی بیند؛ اگر به بسیاری از فرهنگ های عمومی یا تخصصی متون و تخصصی علوم (به خصوص در حوزه علوم اسلامی، عرفان و...) نگاه کنیم با یک نظر خواهیم دید تا چه حد از لغت نامه دهخدا در تدوین آنها بهره گرفته شده است.

اما این اثر بزرگ متأسفانه دارای خطاهایی به نسبت خود نیز هست که بسیاری از این خطاها در آن زمان شاید اجتناب ناپذیر بوده است. برای مثال یکی از مهم ترین ایرادهایی که به این اثر گرفته می شود این است که علاوه بر لغت، اعلام را هم شرح و توضیح داده است که اتفاقاً بخش عمده ای از خطاها مربوط به همین بخش است و شادروان قزوینی گفته است: «چه نحس ساعتی بود برای فرهنگ ایران آن ساعتی که اندیشه افزودن اعلام در لغت نامه به مغز دهخدا گذشت». اما اگر توجه کنیم

و این میسر نمی شد جز بدین که اول لغات خود را بدانیم. این بود که من به فکر تدوین لغت نامه افتادم.»

در آن دوران که عده ای شعار غربی شدن می دادند و آن را تنها راه پیشرفت ملت می دانستند، یکی از مهم ترین عوامل حفظ زبان فارسی همین اثر است و شاید پس از فردوسی، کسی به اندازه دهخدا به زبان فارسی خدمت نکرده باشد و به همین سبب او را «پدر لغت فارسی»، می توان دانست. همین نیت خیر او باعث شد در کشور ما که در آن زمان کارگروهی علمی کمتر انجام می شد، عده ای حتی پس از مرگ دهخدا، کار او را ادامه دهند و اثر را با نام دهخدا به چاپ برسانند.

دقت و تسلط ایشان در شناخت لغت به حدی بود که در زمانی که بسیاری از متون چاپ صحیح و انتقادی نداشتند و حتی نسخه های خطی معتبر نیز شناخته شده نبود، در حاشیه کتاب ها یا در لغت نامه حدس هایی زده اند که پس از یافتن نسخه ها و تصحیحات علمی متون می بینیم که اکثر قریب به اتفاق آن حدس ها درست است.

تسلط دهخدا بر زبان فارسی تا حدی بود که یکی از مهم ترین عوامل تغییر نثر و ساده نویسی، ستون کوتاه «چرند و پرند» او در روزنامه صوراسرافیل بود و به همین سبب هنگام تدوین لغت نامه خود تنها به متون گذشته اکتفا نکرد، بلکه لغات و واژه هایی را که از زبان عوام شنیده بوده نیز ثبت و معنی کرد.

لغت نامه دهخدا با وجود این که بیش از ۹۰ سال

یادداشت

دکتر ایرج مهرکی
عضو موسسه دهخدا



پدر لغت فارسی

شادروان دهخدا از همان اوان کودکی به فکر تدوین لغت نامه بوده و به اصطلاح لغوی می اندیشیده و خود می گوید که از ۱۴ سالگی به فکر جمع آوری لغات و تالیف لغت نامه برای کودکان این مرز و بوم بوده و به همین سبب، این امر همواره در کنار سایر فعالیت های سیاسی و اجتماعی، نوعی دغدغه همیشگی ذهنی ایشان بوده است. از همین رو می بینیم در زمان زندگی مخفیانه در میان بختیاری ها، ایام خود را صرف نوشتن فیش و تدوین مواد اولیه لغت نامه می کند و پس از بازگشت از آنجا و تقریباً در اوایل جنگ جهانی اول، کارهای سیاسی راهم می کند و به فعالیت های علمی و ادبی می پردازد و این کار را آگاهانه انتخاب می کند و رسالت خود را در آن می بیند. دهخدا در این باره گفته بود: «مرا هیچ چیز از نام و نان به تحمل این تعب طویل جز مظلومیت مشرق در مقابل ظالمین و ستمکاران غربی و انداختن... وقتی ضعف ملت خود را دیدم دانستم که ما نیز باید ناگزیر به سلاح وقت مسلح شویم و آن آموختن علوم امروزی بود... پس بایستی آن علوم و فنون را ترجمه کنیم...»



نگاهی به کتاب «خیال بازی» اثر ساناز سید اصفهانی

روایت، حکایت یا نصیحت؟

فرم روایی با خود داستان برنیامده است. داستان دوم به نام «اینکه همیشه می خواستم شکمت زیپ داشت» البته به لحاظ فرم روایی قوی تر از داستان ابتدایی است. راحت تر خواننده می شود و انگار با صداقت بیشتری نوشته شده است و تا میانه داستان خوب پیش می رود اما میل نویسنده به عجیب و غریب ساختن موضوعات سراسر است و ساده ای که سرعش رفته، داستان را به دام تصنع می اندازد تا پایان بندی غیر قابل باور و نیخته ای ارائه دهد که از حد تخیل داستانش بسیار بزرگ تر است.

داستان درباره دختری است که عاشق می شود و دارای ایمانی فعال (!) است و در حالی که ازدواج نکرده، بارداری می شود اما از ترس آبرو و از غم جدایی از مردی که دوستش دارد خودکشی می کند.

داستان را می توان به سه بخش تقسیم کرد. ابتدای آن روایت دانیا است و بریدن سر کبوترها که تعلیق خوبی آفریده شده و جذابیت داستان هم به این بخش ابتدایی است.

قسمت دوم، روایت ماندانا قبل از بارداری است که هیچ ربطی به قسمت سوم که بارداری ناگهانی او است

ندارد. اگر نویسنده قصد دارد حاملگی را نماد حمل کردن باری از ایمان و معصومیت نشان دهد که مردم معاصر در کش نمی کنند و لابد حاصل خواندن آثار «اسکاول شین» است، باید عرض کنم با وجود این همه ظرفیت های معنوی بالقوه و بالفعل تاریخی، اسطوره ای و دینی که در فرهنگ ما وجود دارند، غلو کردن راجع به این نوع اعتقادات (نفوذ کلام، قدرت کلمه، دیدن آمیزه و ایمان فعال به چیزی که می خواهیم حتما اتفاق بیفتد و...) داستان را از باور مخاطب می اندازد و آن را تبدیل به اثری سطحی می کند.

گرچه حتی در این زمینه هم نویسنده ما را به شناخت صحیح و کامل از آنچه ماندانا به آن می گوید «ایمان فعال» نمی رساند.

اصولا نویسنده در هر دو داستان چندان به پردازش شخصیت ها توجه نکرده و اندیشیده که با توصیف ظاهر آنها، ماتیک و ریمل و پیلانو و کیف و کفششان، دارد آنها را می شناساند اما متاسفانه در اشتباه بوده و بدتر از آن سراغ دستمایه هایی برای نوشتن رفته که خود چندان آنها را نمی شناسد.

«خیال بازی» را انتشارات هیلا اخیرا در ۱۱۰۰ نسخه منتشر کرده است.

«خیال بازی» نام کتابی از ساناز سید اصفهانی است که حاوی دو داستان کوتاه است و با وجود کوتاه بودنش خوانندش برای بسیاری ممکن است چندین روز وقت ببرد؛ نه به لحاظ سختی و دشواری متن بلکه به علت خسته کننده بودن آن. نخستین داستان به نام «میترا» در واقع حکایت دخترتری است که می خواهد بلاهایی را که فالگیر حقه بازی سر او آورده تلافی بکند و از آنجا می گویم «حکایت» و نه «روایت» که نویسنده محترم از حوزه روایت ادبی و داستان گویی رو به نقالی آورده است. آن هم با نثری بی هویت که انگار نثری قدیمی است اما نیست. فقط ظاهری مسن دارد و چندان صمیمیتی ندارد و حتی گاه مخاطب را خسته می کند. همان طور که در ابتدای داستان خود نویسنده نیز اشاره ای مختصر دارد، اگر قرار باشد از داستان خوششان بیاید در همان دو صفحه اول این اتفاق بیفتد و گرنه خواندن بقیه اش هم نظررتان را عوض نمی کند.

خانم سید اصفهانی ظاهرا خود هم اصرار دارد بگوید که قصد نقالی داشته (اشاره به پرده و گفت و گوی مستقیم با خواننده) اما این نوع

حکایت حقیقتا به کار نقالی و پرده خوانی در قهوه خانه ها می آید نه یک روایت مدرن. مگر این که نقال، نویسنده ای چون ایتالو کالوینو باشد که وقتی خواننده را خطاب قرار می دهد خلایقیت زبانش مخاطب را سرشار از اشتیاق برای ادامه کتاب می کند.

پرده خوانی و نقالی اما ظرفیت های فوق العاده ای برای روایت دارد مثلا تصویری بودن و پویایی و ثبات و استحکام روند داستانی که ای کاش ساناز سید اصفهانی (که گویا تحصیلاتش هم در رشته ادبیات نمایشی است) به این ظرایف نقالی توجه می کرد و داستانش را از گیر کردن بین روایت و حکایت نجات می داد و بالاخره به یک جهت هدایت می کرد. زیرا که نویسنده گاه از نقالی و حکایت گویی هم فاصله می گیرد و به بیانیه و نصیحت آن هم از موضعی بالاتر رو می آورد و لحنی آمیخته با شعار دارد (برای نمونه می توان به صفحه ۳۴ و ۳۵ اشاره کرد در باب زیبایی صورت و زشتی سیرت یا بالعکس)

در یک کلام باید گفت نثر و زبانی که نویسنده برای روایت این داستان در پیش گرفته، خوش خوان نیست و متاسفانه از پس چفت کردن

تاریخی جغرافیایی بهتر بود که از درون لغت نامه بیرون کشیده می شد. بعضی از فرهنگ ها، تنها فرهنگ لغات هستند، البته در غرب هم فرهنگ لغاتی مثل «راندوم هوست» وجود دارد که اعلام تاریخی را در خود دارند، اما در لغت نامه دهخدا این اطلاعات بسیار زیاد است.

اما بیشتر مخاطبان فرهنگ های فارسی از اینکه فرهنگ های فارسی جدید فاقد سیر تاریخی معانی یک لغات اند، ابراز ناراضی می کنند و آوردن اعلام را ضروری می دانند؟

بررسی سیر تاریخی معانی یک لغت، کار لغت نامه عمومی که باید در دسترس همگان باشد، نیست. این اعلام باید در فرهنگ های تخصصی وارد شود.

فکر نمی کنم هیچ استادی جز شما لغت نامه دهخدا را یک فرهنگ عمومی بداند.

لغت نامه دهخدا یکی از پرفروش ترین لغت نامه های ایران است که برخی برای دکوراسیون خانه می خرند. بنابراین این لغت نامه نباید به یک دایره المعارف تبدیل می شد، مثلا چرا باید مقاله ابوریحان بیرونی ۷۰ صفحه این لغت نامه را به خود اختصاص دهد؟ همه اینها باید اصلاح شود.

این اعلام با اصرار خود علامه دهخدا وارد لغت نامه

شده یا بعدها شاگردانش این کار را انجام دادند؟ بله، خود دهخدا اولین بار اعلام تاریخی را آورد

که بعدا شاگردانش راه او را ادامه دادند. در فرهنگ های قدیمی فارسی معمولا این کار را نمی کردند، مثلا من در هیچ یک از فرهنگ ها مثل «فرهنگ آندراج»، «ناظم الاطبا» و «کنز اللغات»، «لغت فرس اسدی» یا «برهان قاطع» - که دکتر معین آن را تصحیح کردند - ندیدم که اعلام تاریخی آورده باشند، مگر به ندرت. کاش دهخدا نیز این سنت را ادامه می داد. بنابراین باید اعضای موسسه لغت نامه دهخدا همتی کنند و همان طور که دکتر حسن انوری در «فرهنگ سخن» اعلام تاریخی را در کتابش ذکر نکرده، این اعلام تاریخی و جغرافیایی را در کتابی جداگانه منتشر کنند. البته باید اذعان کنم که تلاش دهخدا را پاس داشت. کار دهخدا با عظمت است. گردآوری و انتشار فرهنگ بسیار پر هزینه بر است، همان طور که این لغت نامه به نقلی با فروش پهن دوا بر ارتش تامین شده است. اما امروز ما دانشنامه ادب فارسی را که از چهارده سال پیش تالیفش را آغاز کرده بودیم به دلیل اینکه هیچ سازمانی حمایتان نکرد رها کردیم.

صورت دانش نامه تدوین شده است و باید تاریخ و جغرافیا در آن منعکس شود. همان طور که گفتیم، مهم ترین مشکل لغت نامه این است که مطالب آن هماهنگ نیست. مثلا در معرفی امیر کبیر که یکی از تاثیر گذارترین چهره های سیاسی معاصر ماست تنها یک صفحه آمده و در مقابل درباره احمد عبدالصمد، وزیر مسعود غزنوی چند صفحه مطلب آمده است، در حالی که این شخص از نظر تاریخی اهمیت چندانی ندارد.

حسن انوشه:

لغت نامه دهخدا نباید دایره المعارف می شد
استادان فرهنگ نویسی فارسی درباره شیوه های نوین فرهنگ نویسی متفق القول نیستند؛ در حالی که حسن انوری ورود اعلام تاریخی و جغرافیایی را بزرگترین مزیت لغت نامه توصیف می کند، اما در مقابل حسن انوشه معتقد است که دهخدا نباید اجازه می داد تا لغت نامه به دایره المعارف تبدیل شود. در ادامه گفت و گو با حسن انوشه می آید؛

لغت نامه دهخدا چه جایگاهی در تاریخ فرهنگ نویسی ایران دارد؟

مرحوم دهخدا انسان کثیرالاعبادی بود که بسیار با اشتیاق کار می کرد. ایشان علاوه بر اینکه طنزنویسی معاصر فارسی در ایران را بنیان گذاری کرد، در حوزه ادبیات عامیانه نیز آثار گرانقدری چون «امثال و حکم» را به یادگار گذاشت. همچنین در حوزه فرهنگ نویسی، لغت نامه دهخدا یکی از کتاب های بسیار گرانقدر زبان فارسی و فرهنگ ایرانی است. این کتاب یکی از پنج شناسنامه عمومی ما ایرانی هاست و کسانی که در گردآوری آن با علامه دهخدا همکاری کردند، به ویژه دکتر محمد معین و مرحوم سید جعفر شهیدی دانشمندان بزرگی بودند. اما معتقدم لازم نبود که اعلام تاریخی و جغرافیایی را در آن بیاورند یا دایره المعارف مصاحب را وارد آن کنند.

خیلی ها آوردن اعلام جغرافیایی و تاریخی را از جمله اهمیت های کار دهخدا می خوانند، اصولا ورود این اعلام لغت نامه را کامل تر نمی کنند؟

آوردن اعلام تاریخی و جغرافیایی در لغت نامه نیاز نیست چرا که برای ارائه این اطلاعات، کتاب های جداگانه لازم است، مثل فرهنگ ویستر که فرهنگ لغاتش جداست و اعلام تاریخی اش جدا. این اعلام

اصلا کاربرد ندارد یا به ندرت در متونی خاص به کار رفته اند، واژه های غلط، دستاویزی، محلی و... معانی کم کاربرد حذف شد و زبان بقیه معانی تا حدودی تغییر کرد و امروزی تر شد و برخی واژه هایی که در این ۵۰ سال اخیر وارد زبان فارسی شده به فرهنگ افزوده شد.

ج: مهم ترین فعالیت موسسه در زمینه تدوین فرهنگ لغت که در واقع ادامه کار لغت نامه دهخداست تدوین فرهنگ است است به نام «لغت نامه فارسی» که از سال ۱۳۶۴ مقدمات تالیف آن شروع شد و تاکنون حرف «آ» و «الف» آن چاپ شده است.

این فرهنگ از نظر وسعت تحقیق و حجم مطالب بسیار گسترده تر از لغت نامه قبلی است که من باب مثال: حرف «آ» در لغت نامه دهخدا فقط حدود ۲۰۰ صفحه است و حال این که در لغت نامه جدید حدود هزار صفحه است یا مدخل «آب» و ترکیبات آن در لغت نامه دهخدا با حدود ۱۳۰ معنی و مورد ضبط شده و حال اینکه در این لغت نامه دارای حدود ۳۰۰ معنی و مورد است!

شواهد توصیفی در لغت نامه دهخدا بر اساس آثار مکتوب نظم و نثر فارسی بود. از آغاز ظهور تا حدود قرون هفتم و هشتم، و حال اینکه این دامنه در لغت نامه فارسی کنونی تا زمان معاصر امتداد یافته... در لغت نامه فارسی کنونی سازوکار به گونه ای طرح شده که تمام مطالب در هیأت بررسی کنندگان مطرح و تصویب شود، که این موضوع علاوه بر حصول اطمینان بیشتر بر صحت



مطالب، باعث ایجاد هماهنگی و یکدستی بسیار بیشتری نسبت به آنچه در لغت نامه دهخدا وجود دارد شده و می شود!

و سرانجام مساله تصحیح و استدراک مطالبی که با درجات مختلفی از اشتباه یا خطا در لغت نامه دهخدا وارد شده که قرار بود پس از پایان تالیف آن ذیلی مستقل، برای اصلاح و تصحیح این خطاها تالیف شود، اما با به مرحله عمل درآمدن تالیف لغت نامه فارسی کنونی، یکی از رسالت های مهم آن، تصحیح این خطاها قرار داده شد.



کنکاشی در آستانه سالروز ولادت خواجه نصیر الدین طوسی

چه کنیم گام نخست، گام آخر نباشد؟



برخی از این آثار نیز موجودند که به دلیل کم مایگی به آنان پرداخته نمی شود.

احیای آثار گذشتگان نیازمند مدیریت علمی
تا این قسمت، برخی ویژگی های خواجه نصیر به اجمال بررسی شدند؛ حال باید دریافت که چه اندازه از آثار او تصحیح و منتشر شده اند. به نظر می رسد که این دانشمند جزو دانشمندانی است که آثارشان کمتر مورد بی توجهی و بی مهری قرار گرفته اند. دکتر حبیبی نیز با این نظر موافق است و می گوید: «می توان ادعا کرد که تمامی آثار خواجه نصیر تصحیح و منتشر شده اند و قدر و منزلت او آنچنان که شایسته اش بود، دانسته و پاس داشته شد. حتی تعداد قابل توجهی از کتاب ها و رسالات او به ویژه در زمینه علمی پس از ترجمه به زبان های لاتین مورد استفاده غربیان نیز قرار گرفتند.»
بر خلاف خواجه نصیر، هنوز کتاب های زیادی از دیگر متفکران ایرانی نظیر کندی، فارابی و ابن سینا ترجمه و تصحیح نشده اند. برخی از تصحیحات منتشر شده نیز از وجهه علمی قابل قبولی برخوردار نیستند.

مشاء را بار دیگر احیا کرد. در قرون پیش از وی انتقادات تند غزالی و فخر رازی از اندیشه های بوعلی، ضربه های عمیقی به فلسفه مشاء وارد ساخت. به گونه ای که خواجه نصیر در جمله ای می گوید: «شرح فخر رازی بر اشارات، شرح نبود بلکه جرح بود.»

نجفقلی حبیبی، مصحح و پژوهشگر نیز به انگیزه خواجه نصیر در شرح «اشارات و تئیهات» که همانا پاسخگویی به اشکالات فخر رازی بود، اشاره می کند و می گوید: «به اعتقاد خواجه، شارح یک اثر باید به دفاع از نگارنده بپردازد، زیرا قصد وی بازگو و توضیح و تبیین آرای اوست. نقد آرای نویسنده جایگاهی در شرح اثر او ندارد و باید در فرصت یا کتاب دیگری بازگو شود، اما با این وجود خواجه نصیر نیز تاندازه ای به گفته خود اغماض روا داشته، در مباحثی از اشارات به نقد اندیشه بوعلی و بیان نظراتش می پردازد که البته این نقد برخلاف فخر رازی همراه با اشارات نگاشت، از فلسفه مشاء در برابر حملات غزالی و فخر رازی به شایستگی دفاع و آن را بار دیگر احیا کرد.»

عضو هیأت علمی و استاد فلسفه اسلامی دانشگاه تهران و رییس پیشین دانشگاه علامه طباطبایی درباره قابل تأمل بودن نظرات خواجه نصیر در تصحیح «اشارات» می گوید: «اندیشه های او را به هیچ روی نباید بی اهمیت پنداشت. زیرا او فردی است که سبب احیای فلسفه مشاء شد. تصحیحات و نقد های دیگری نیز از سوی برخی افراد نظیر مسعودی مروزی از «اشارات» و تئیهات» ابن سینا نوشته شده است که هیچ یک از آنها چنان که تصحیح و نقد خواجه نصیر مورد توجه قرار گرفت، مطرح نشدند. نسخ خطی

استاد فلسفه اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی، بیشتر فعالیت و در نتیجه آثار خواجه نصیر را در حوزه علم نجوم و ریاضیات می داند و می گوید: «به همین دلیل است که کتاب های او در حوزه فلسفه و کلام، نظراتی مستقل را ارائه نکرده و تنها شرح و تبیین آثار گذشتگان به شمار می آیند. نظیر کتاب «نقد المحصل» که خلاصه ای از کتاب «المحصل» فخر رازی است. این کتاب بیش از آن که نقد باشد، خلاصه و شرحی از «المحصل» فخر رازی است و نقد به معنای امروزی آن نیست.»

احیای فلسفه مشاء

پاسخ به انتقادات فخر رازی

بی گمان، مهم ترین اثر خواجه نصیر، تصحیح وی از «اشارات و تئیهات» ابن سیناست. انگیزه او از تصحیح این اثر، پاسخ دادن به اشکالاتی است که فخر رازی حدود یک قرن پیش از او در تصحیحش از «اشارات» به اندیشه بوعلی وارد کرده بود. خواجه نصیر نیز در شرحش از این کتاب، انتقاداتی به برخی اندیشه های ابن سینا وارد آورد، اما بسیاری بر این باورند که دیدگاه های ابن سینا بنیادی تر از خواجه نصیر است.

دکتر یرثی در این باره معتقد است: «خواجه نصیر متأثر از اندیشه های شیخ اشراق و ابوالبرکات، به نقد برخی آرای ابن سینا در خلال تصحیح اشارات پرداخت و نظرات تازه ای ارائه کرد.»

انتقادات اندک خواجه نصیر به برخی آرای ابن سینا در خلال کتاب «اشارات و تئیهات» امری ضمنی به شمار می آید، چرا که وی با تصحیح خویش، فلسفه

چهارشنبه هفته جاری روز بزرگداشت خواجه نصیر الدین طوسی است، دانشمندی که کیفیت علمی و تاثیرگذاری کتاب ها و رسالات او در حوزه های ریاضیات و نجوم و همچنین نقش اساسی اش در احیای فلسفه مشاء با نگارش شرح «اشارات و تئیهات» ابن سینا غیر قابل انکار است. تجلیل از دانشمندان و احیای آثارشان، یک وظیفه به شمار می آید. به همین دلیل، در این گزارش فرصت را غنیمت شمردیم تا نگاهی به زندگی و آثار خواجه نصیر به ویژه در حوزه فلسفه داشته باشیم.

احیای فلسفه و کلام گذشتگان

گفته می شود از خواجه نصیر حدود ۱۹۰ کتاب و رساله بر جای مانده است. با دقت در این آثار مشخص می شود که بیشتر آنها رسالاتی با حجم اندک اند. دلیل این امر را می توان شرایط ویژه او و اشتغال به امور سیاسی دانست. وی در این شرایط پر مشغله نیز حداکثر فعالیت های علمی را به انجام رساند. آثار خواجه نصیر رشته های علم نجوم و ریاضیات و همچنین فلسفه، منطق و کلام را در بر می گیرند. البته شهرت وی در نجوم و ریاضیات بیش از سایر رشته هاست. به گونه ای که یکی از کوه های کره ماه به نام وی نامگذاری شده است.

درباره خدمت علمی خواجه نصیر سخن بسیار رفته است. به همین دلیل در این گزارش سعی می شود آثار او در فلسفه و تاثیرگذاری آنها در این عرصه با استفاده از نظر کارشناسان فلسفه اسلامی به اجمال بررسی شوند.
دکتر یحیی یرثی، نویسنده، مصحح، پژوهشگر و

اهمیت کتاب های فنی - مهندسی در گفت و گو با کارشناسان

کاربرد علوم مهندسی در پاسخگویی به نیازهای علمی

برای صنعتی شدن ما نقشی مثبت داشته باشند. من به عنوان ناشری که ۸ سال در حوزه تولید کتاب های مهندسی کار کرده ام می دانم که در این راستا نیاز به کتاب های مناسبی داریم و باید برای پر کردن چنین خلأ علمی مهمی بکوشیم. انتشارات دانشگاه صنعتی امیرکبیر با توجه به نیاز جامعه دانشگاهی، کتاب هایی تولید کرده است که ۸۵-۸۰ درصد آنها در حوزه علوم کاربردی و فنی - مهندسی هستند.

اما حوزه نشر، منابع علمی تخصصی فقط به کتاب ها محدود نمی شوند و مقالات را هم در بر می گیرند.
در نشر، ما دو حوزه کتاب و مجله را داریم که مجلات حاوی مقالات تخصصی هستند. اگر چه مقالات علمی به روزتر هستند، اما خیلی تخصصی و خلاصه به موضوعات مربوطه می پردازند. در حالی که کتاب ها با توضیح و تفسیر بیشتر مسائل را در حوزه های مختلف بررسی می کنند که برای متخصصان علوم مختلف قابل فهم هستند.

برای انتخاب کتاب های حوزه فنی - مهندسی مناسب در شورای نشر چه تدابیری اتخاذ می شوند؟
این شورا وظیفه مهمی دارد که رییس دانشگاه به عنوان مدیر بر عملکرد آن نظارت دارد. در شورای چاپ و نشر که استادان و کارشناسان حوزه های تخصصی مورد بحث حضور دارند، هر کتاب با ممیزی علمی مناسب بررسی می شود. ممیزی علمی فقط درباره کتاب های علوم پایه و کاربردی که همه مباحث آنها بر اساس منطق است، رعایت می شود. ما در اینجا دیدگاه انتفاعی نداریم و می خواهیم کتاب های علمی را تولید کنیم که متناسب با نیازهای پژوهشی دانشجویان باشند.

فنی - مهندسی، آیا باید این کتاب ها را ترجمه کنیم و در اختیار دانشجویان قرار دهیم؟

معمولاً در کشورهای توسعه یافته برای تالیف این گونه کتاب ها سرمایه گذاری های خوبی شده است که ما نیز می توانیم از محتوای آنها استفاده کنیم. این کتاب ها خیلی سریع به روز می شوند و در اختیار همه قرار می گیرند. بنابراین سرمایه گذاری دوباره روی کاری بیهوده است که آنها را ترجمه کرده و استفاده می کنیم. بسیاری از مفاهیم تکنیکی فنی - مهندسی نیز که امروز در کشور ما تالیف می شوند همان ترجمه های دیگران است که به غلط به آن تالیف می گویند. البته من نمی گویم که پژوهش را کنار بگذاریم و فقط به ترجمه بسنده کنیم، بلکه می توانیم اساس را بر ترجمه گذاشته و مفاهیمی را که حاصل مطالعات دانشجویانمان است به آنها بیفزاییم.

مهندس بهروز بهنام

مدیر مرکز نشر دانشگاه صنعتی امیرکبیر:

توسعه علوم کاربردی

چرا به تولید کتاب های فنی - مهندسی توجه ویژه دارید؟

بیشتر دانشجویان پس از فارغ التحصیلی و ورود به مراکز صنعتی، ارتباطشان با دانشگاه قطع می شود و فراموش می کنند در کجا تحصیل کرده اند. به همین دلیل معمولاً صنعت و دانشگاه از هم جدا هستند که همین عامل سبب بروز آسیب های جدی به جامعه در حال توسعه ما شده است. کتاب های فنی - مهندسی که در جامعه ما به آنها توجه کمی می شود می توانند به عنوان یک رابط میان صنعت و دانشگاه عمل کنند و

آیا محتوای کتاب های فنی - مهندسی به راحتی در صنایع می تواند کاربردی شوند؟

اکثر افرادی که در صنایع مشغول به کار می شوند قبلاً همین کتاب ها را در دانشگاه مطالعه کرده اند و می دانند که به راحتی عملیاتی می شوند، چون محتوای علوم کاربردی که کتاب های فنی - مهندسی را نیز شامل می شود برخلاف علوم پایه، انتزاعی نیست که نیاز به توضیح داشته باشد. توجه به این نکته ضروری است که اگر بخواهیم همانند دیگران به یک جامعه صنعتی پیشرفته تبدیل شویم، باید از محتوای کتاب ها و مقالات فنی - مهندسی در صنایع استفاده کنیم.

یک کتاب فنی - مهندسی با چه خصوصاتی می تواند در این راستا موثر باشد؟

مسائل فنی - مهندسی کاملاً جهانی هستند و با زبانی قابل فهم برای همه نوشته می شوند. به همین دلیل معمولاً ادبیاتی که در آن به کار می رود جهانی است و با ادبیات بومی هر کشوری فرق دارد. همچنین به نظر من در نگارش یک کتاب فنی - مهندسی رعایت چند نکته ضروری است که به آنها اشاره می کنم. چون این کتاب ها را همه متخصصان در علوم مختلف می خوانند بهتر است نویسندگان آنها به ساده نویسی متن توجه ویژه ای داشته باشند. از آنجا که این کتاب ها مفاهیم کاربردی دارند باید به جای نگارش زیاد در آنها، از عکس، گراف و جدول های گویا استفاده شود. یکی از مهم ترین بخش هایی که در کتاب های فنی - مهندسی مشاهده می شوند «موردهای عملیاتی» است که از تجربه دیگران در بخش صنعت حاصل آمده اند.

با توجه به جهانی بودن مفاهیم کتاب های

بر مبنای نوعی تقسیم بندی که از قدیم وجود داشته، رشته های دانشگاهی تخصصی به دو شاخه علوم پایه و کاربردی تقسیم می شوند و مباحث فنی - مهندسی زیرمجموعه علوم کاربردی به حساب می آیند. بر همین مبنا، مهندس به کسی گفته می شود که بتواند از دانش و فناوری روز برای حل مسائل کاربردی استفاده کند. از آنجا که استفاده از دانش روز، بدون منابع اطلاعاتی که مهم ترین آنها کتاب ها هستند میسر نمی شود، کتاب های فنی - مهندسی با محتوای کاربردی در میان مهندسان از جایگاه ویژه ای برخوردارند. برای آشنایی از جایگاه واقعی کتاب های فنی - مهندسی در پاسخگویی به نیازهای علمی و به بهانه روز مهندس، با یک استاد و یک ناشر دانشگاه صنعتی امیرکبیر گفت و گو کرده ایم.

دکتر محمدحسین فاضل زرنندی

استاد دانشکده صنایع دانشگاه امیرکبیر:

از صنعت تا دانشگاه

کتاب های فنی - مهندسی در تبدیل تئوری های دانشگاه به مرحله عمل چه نقشی دارند؟
اگر چه در ایران دانشگاه های ما با مراکز علمی موجود در جامعه درگیر نیستند، اما در دنیا این دو با هم رابطه ای ناگسستنی دارند. به عنوان نمونه، ناسا یک مرکز بزرگ علمی است که بسیاری از مفاهیم تخصصی در زمینه های مختلف مثل کیهانشناسی، مکانیک، ریاضی، فیزیک و غیره را تولید می کند و به صورت کتاب یا مقاله در اختیار پژوهشگران دانشگاه ها قرار می دهد. سپس دانشجویان با تحقیق روی این تئوری ها، آنها را عملیاتی کرده و به صنعتگران انتقال می دهند.



کتاب ماه علوم اجتماعی را می توان به نوعی یکی از نشریه های موفق خانه کتاب دانست که در کنار سایر نشریات تخصصی، همواره اطلاع رسانی را به شکلی تخصصی، سرلوحه خود قرار داده است. کتاب ماه علوم اجتماعی سیزده سال است که به صورت مرتب منتشر می شود و دکتر سیدرضا نقیب السادات (با سه مدرک دکترا در رشته های زبان شناسی، جامعه شناسی و ارتباطات) حدود دو سال است که سردبیری این نشریه را برعهده دارد. در متنی که در ادامه می آید، با این پژوهشگر درباره کتاب ماه علوم اجتماعی گفت و گو کرده ایم. او که عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی نیز هست علاوه بر کار روزنامه نگاری، مقالات و کتاب هایی دارد که از جمله آنها می توان به «۱۰ سال آزمون ارتباطات»، «راهنمای عملی آماده سازی تحلیل محتوا»، «روش های بررسی پیام های ارتباطی» و «مفاهیم اصلی ارتباطات» اشاره کرد. وی کتاب «روش شناسی ارتباطات» و «واژه نامه ارتباطات و پژوهش های رسانه ای» را در مرحله چاپ دارد.

دکتر سیدرضا نقیب السادات، سردبیر کتاب ماه علوم اجتماعی:

ارتباط با دانشگاه و محیط علمی، هدف اصلی کتاب ماه است

تا در نشر آنها کمک رسان باشیم. حتی کتاب هایی را تهیه کرده ایم و در اختیار برخی گروه های دانشگاهی قرار داده ایم تا آنها را توزیع کنند و از این طریق، مباحث روز وارد حوزه دانشگاهی شود. مثلا آخرین کاری که کرده ام به حوزه جامعه شناسی ورزش مرتبط می شود. جلسه ای را برای این شاخه فراموش شده علوم اجتماعی در دانشگاه تهران برپا کردیم و خوشبختانه این نشست تاثیر بسیار خوبی داشت. امیدواریم این جریان بتواند ادامه پیدا کند.

شما ایمیل خودتان را در نشریه درج کرده اید، شماره تماس دفتر نشریه نیز موجود است. این نکته نشان می دهد که خواستار ارتباط با خوانندگان تخصصی خود هستید. سوال ما این است که شما برای تخصصی تر شدن نشریه چه ارتباطی با دانشگاهیان برقرار کرده اید؟

تلاش کرده ایم تا همکاری که برای هیأت تحریریه در نشریه حضور دارند از حوزه های مختلف علوم اجتماعی و دانشگاه های گوناگون باشند. از سویی سعی کرده ایم تا با گروه های علوم اجتماعی دانشگاه ها، تا جایی که ممکن است ارتباط برقرار کنیم. همچنین بخش مهم از توزیع نشریه را با کمک گروه های علوم اجتماعی دانشگاه های کشور انجام داده ایم تا آنها شاهد فعالیت های ما باشند. از این طریق ما از پیشنهاد های همه دوستان استقبال کرده ایم. راه دیگر ارتباطی ما با محیط دانشگاه انجمن جامعه شناسی بوده است. کار دیگری که ما انجام داده ایم این است که از طریق وبلاگ خودمان، فراخوان داده ایم تا آثار را برای ما ارسال کنند. در کنار همه این مسائل خود من در نشست هایی که در دانشگاه ها برگزار می کنند، تلاش می کنم به عنوان یک تحصیلکرده علوم اجتماعی و روزنامه نگار و به صورت فعالانه شرکت کنم. ما تلاش کرده ایم تا فعالیت های

و سיעی داشته باشیم و فکر می کنم نمود این فعالیت ها در فروش «کتاب ماه علوم اجتماعی» به چشم بیاید. همین که نشریه کتاب ماه علوم اجتماعی به عنوان یک نشریه پر فروش در مجموعه کتاب ماه ها مطرح است، نشان از این تعامل ما دارد.

با این توضیحات، اگر در حوزه کم مخاطب و تخصصی ای همچون علوم اجتماعی، خوب کار شود، می توان به داشتن مخاطب امیدوار بود؟

همه علاقه مند مطالب با کیفیت، پراطلاعات و اصیل اند. ما نیز در تلاشیم تا چنین باشیم و البته هنوز به نقطه آرمانی نرسیده ایم و چنین ادعایی را هم نداریم. این ارزیابی را باید خوانندگان محترم نشریه انجام دهند. ما البته با ارزیابی های نظام مند می توانیم در کارمان موفق تر باشیم و پاسخ مخاطبان خود را بدهیم.

شما تا چه اندازه به قالب های مختلف مطالب در یک نشریه بها می دهید؟ مثلا کمتر به «گفت و گو» می پردازید...

ما به همه سبک های مطبوعاتی توجه داریم، مثلا در ویژه نامه «صنایع فرهنگی» بیشتر به گفت و گو توجه کرده ایم. اما به طور کلی تکیه ما بر مقالات علمی و نقد و تحلیل است، البته متناسب با موضوع، از زائر های دیگر همچون گفت و گو نیز بهره می گیریم.



ویژه نامه های تخصصی، کمی با اغماض به این دایره زمانی نگریسته ایم و به کتاب هایی پرداخته ایم که دایره انتشار آنها کمی گسترده تر بوده است. اما تاکید ما بر تازه های نشر در طول یک سال گذشته بوده و این که کتاب های تخصصی را بیشتر مورد توجه قرار دهیم.

یک بخش موفق «کتاب ماه علوم اجتماعی» بخش کتاب های لاتین آن است. این بخش به مترجمان کمک می کند تا کتاب های روزآمد و تخصصی عرصه علوم اجتماعی را شناسایی کنند. اما ضعفی که در عرصه علوم اجتماعی و فارغ از کتاب ماه و دیگر نشریات وجود دارد به تالیف در این حوزه مربوط است. به عنوان یک نشریه تخصصی و جریان ساز، چه برنامه ای برای پررنگ تر شدن کتب تالیفی در حوزه علوم اجتماعی دارید؟

از کرسی های نظریه پردازی حمایت کرده و خواهیم کرد. ما در تلاش بوده ایم تا عرضه نظریه پردازی در دانشگاه ها فعال شود. خانه کتاب به طور عمومی از نشست هایی که در سرای اهل قلم برگزار می شود، حمایت می کند. اما ما جدای از این مسأله تلاش کرده ایم تا از طریق مراکز همچون انجمن جامعه شناسی ایران، این مباحث در دانشگاه ها تقویت شود. از سویی علاوه بر شرکت در این سخنرانی و نمایش ها، کوشیده ایم

بله. این کار را صورت داده ایم تا یک کلام ارتباطی کامل بین مخاطب و رسانه شکل بگیرد. از سوی دیگر ما در نشریه یک هیأت تحریریه شکل داده ایم که مطالب رسیده را رسیدگی می کنند. هر مطلب رسیده توسط دو داور بررسی می شود و مطالبی برای چاپ برگزیده می شود که دارای شرایط اولیه باشند. البته گاهی به دلیل حجم نشریه، اغماض هایی را به خرج می دهیم، اما غلبه با مطالبی است که دارای آن شرایط اولیه باشند و ملاحظات علمی را رعایت کرده باشند.

شما اشاره کردید که برای تخصصی شدن نشریه از هیأت تحریریه بهره گرفته اید تا مطالبی منتشر شوند که دارای ارزش علمی اند. علاوه بر این از چه ابزاری بهره گرفته اید تا مطالب منتشر شده در نشریه به سمت تخصصی تر شدن پیش برود؟ ما برای معرفی و نقد هایمان، یک راهنما آماده کردیم. یعنی جدای از آن راهنمایی عمومی ای که در جلد دوم آماده و مسائلی را به صورت عمومی مطرح می کند، اساسنامه ای را آماده کرده ایم و از نویسندگانمان خواستیم که در چارچوب آن بنویسند. این چارچوب در وبلاگ و نشریه آمده و در آن محدودیت های علمی برای نویسندگان آمده است. علاوه بر این کوشیدیم تا دایره نشر یک ساله باشد، یعنی آثاری را دربرمی گیرد که در طول یک سال گذشته منتشر شده اند. البته گاهی در مورد

شما در حدود دو سال است که سردبیر کتاب ماه علوم اجتماعی هستید. در طول این دو سال چه فعالیت هایی را انجام داده اید و چه مسائلی برای شما دارای اولویت بوده است؟

دوستانی که پیش از ما در کتاب ماه علوم اجتماعی فعالیت می کردند زحمات بسیاری را متحمل شدند و حاصل دسترنج آنها به ما رسید که جای تقدیر و تشکر بسیار دارد. اما در گذشته بیش از آن که به مقالات علمی توجه شود، به معرفی کتاب های تازه منتشر شده توجه می شد، لذا پس از آنکه این مجموعه را تحویل گرفتم، تلاش کردم تا به مقالات علمی و درج آنها در نشریه اهتمام بیشتری صورت گیرد. افزون بر این در گذشته، چینی مطالب به گونه ای بود که مطالبی از جنس مختلف و در کنار هم در نشریه منتشر می شد، هر چند که در ویژه نامه هایی با تمرکز بر یک مطلب نیز، مجموعه هایی گرد هم آمده بود. اما سعی کردیم تا مطالب و موضوعات به صورت متمرکزتری کنار هم قرار گیرند. به عنوان نمونه در ویژه نامه ای که تحت عنوان «روش تحقیق» منتشر کردیم، بیشتر مسائل را به این مبحث اختصاص دادیم.

در واقع خواسته اید تا به سمت تخصصی شدن و پررنگ شدن مسائل خاص حرکت کنید. درست است؟

بله. یعنی خواسته ایم به جای تنوعی که در گذشته! حاکم بود؛ فضایی تخصصی بر آن غالب باشد؛ چرا که به نظر ما شرایط یک نشریه ماهانه همچون «کتاب ماه علوم اجتماعی» چنین فضایی را طلب می کند. البته چنانچه گفتیم، در گذشته ویژه نامه هایی با موضوعات خاص منتشر می شد، اما تعداد این ویژه نامه ها بسیار محدود بود و در بیشتر شماره ها، تنوع موضوعات و مباحث در نشریه وجود داشت و همین نکته سبب می شد تا نشریه کمی حالت «جنگ گونه» به خود بگیرد اما در دوره ای که بنده در کتاب ماه علوم اجتماعی مسؤولیت داشته ام، هیچ شماره ای را به این ترتیب منتشر نکرده ایم. از سویی سعی کرده ایم از نظر کمی نیز استانداردهایی را رعایت کنیم. به عنوان نمونه کوشیده ام تا در هر ویژه نامه تخصصی، دست کم چهارده نقد و معرفی کتاب باشد، با این تاکید که معرفی های منتشر شده هم جنبه نقادانه داشته باشند. در کنار این تعداد نقد و معرفی کتاب کوشیده ایم چهار تا پنج مقاله علمی در هر شماره منتشر شود. انتشار یک دیدگاه در قالب گفت و گو، توجه به بخش اطلاع رسانی و گزارش های روز حوزه علوم اجتماعی از دیگر مسائلی است که تلاش کرده ایم تا مورد غفلت قرار نگیرند، هر چند که تمرکز ما بر مسائل تخصصی و خاص بوده است. ما همواره و طی هر وضعیتی کوشیده ایم به این شاکله پایبند باشیم.

در کنار این مسائل، در گذشته به مبحث علوم اجتماعی به صورت تک بعدی نگاه می شد، حال آن که ما آن را از چهار بعد مختلف بررسی می کنیم که شامل «سازمان منابع برای نشر»، «محتوا»، «مخاطبان» و در نهایت «خود آثار» می شود...

یعنی دامنه نگاه خود به عرصه کتاب های علوم اجتماعی را گسترش داده اید...

برنامه های سال آینده کتاب ماه علوم اجتماعی از زبان سردبیر

پوشش حوزه های مختلف در علوم اجتماعی، سرلوحه سال آینده ماست. ما برای ۱۲ شماره سال آینده، برنامه مشخص داریم و می دانیم قرار است چه کنیم. به عنوان مثال در حوزه هایی که به علوم اجتماعی منسوبند همچون مدیریت و حقوق، برنامه داریم، چرا که نمی توانیم از خانواده بزرگ علوم اجتماعی تنها به بخش هایی اکتفا کنیم. لذا از همین جا از صاحب نظران و کارشناسان علوم مدیریت و حقوق درخواست می کنیم تا همکاری بیشتری برای این شماره های ویژه داشته باشند. البته ویژه نامه هایی درباره تلویزیون، جمعیت شناسی، مردم شناسی و روش های تحقیق در علوم اجتماعی نیز خواهیم داشت. مطالعات فرهنگی و علوم سیاسی از دیگر مباحث تخصصی سال آینده ما خواهد بود. البته دو مبحث «گردشگری» و «مطالعات زنان و نقد فمینیسم» نیز از سال جاری باقی مانده که امیدواریم بتوانیم سال آینده به آن برسیم.



مروری بر مجموعه داستان «پرتره مرد ناتمام»

داستان‌هایی برای فردا

حذف بی رحمانه داشته باشد. امیر حسین یزدان بد لاقول در این داستانش نشان داده که هنوز با روایتی که می‌سازد بسیار مهربان است.

«چیزی شبیه سونیا» شاید بهترین داستان این مجموعه باشد. داستانی که نویسنده در آن از بهترین واژگان و توصیفاتی مختصر برای فضا سازی استفاده کرده است و فضایی بین رویا و بیداری ساخته است. تکه تصویری که از کودکی دکتر محمدی در ذهن او مانده و حالا از پس سال‌ها در یک یادداشت کوتاه و اکاوی‌اش می‌کند. به راستی چنین تکه تصویری از کودکی مان در کدام یک از ما نیست؟ و نویسنده حساس و ریزبین تنها کسی است که توان توجه به چنین تصویری را دارد؛ تصویری که همگی ما فقط به آنها عادت کرده‌ایم.

به طور کلی داستان‌ها در ریتم نوشتاری تقریباً یکدست هستند. البته به جز «الترالایت» که از شروع مخاطب با دیالوگ‌های پشت سر هم بمباران اطلاعاتی می‌شود و با وجود ریتم سریع به خاطر پراکنده‌گویی‌هایش و سیالی بیش از ظرفیت مجموعه ممکن است خواننده را خسته کند.

شاید مهم‌ترین و بهترین وجه خواندن این کتاب این باشد که آدم را به آینده داستان نویسی در ایران امیدوار نگه می‌دارد و همین‌طور منتظر آثار بهتری از امیر حسین یزدان بد می‌مانیم.



و ماجرا، نثر و فضا سازی آن حتی در لحظاتی قدرت اثر گذاری فوق العاده دارد، اما متأسفانه از میانه داستان این توان نزول می‌کند و یک دلیل مهم آن پرگویی نویسنده است و پیچیده تر کردن مداوم فضا بی آن که تحمل داستان را رعایت کند. به قول یکی از نویسندگان پیشکسوت، نویسنده باید توان

انتخاب بوده است، چرا که مهم‌ترین عنصر پیوند دهنده بقیه داستان‌های مجموعه در آن معرفی می‌شود و در داستان بعدی خواننده انتظار ندارد دوباره پرت شود توی همان ماجرای اولی، اما این اتفاق می‌افتد و خواننده غافلگیر می‌شود و یکی از نکات مثبت و خلاقانه کار نویسنده نیز همین است. «فردا برمی‌گردم» نام‌های زنی است به جنینی که در رحم دارد و تنها داستانی در این مجموعه است که به لحاظ فضا سازی بسیار ضعیف است و اصلاً به دل نمی‌نشیند چرا که لازمه دلنشین بودن داستان، صادقانه نوشته شدن آن است و این که آدم حس کند نویسنده به راحتی، سادگی و روانی آن را نوشته است. امیر حسین یزدان بد هر چه سعی کرده از نگاه زنی باردار با ویژگی‌های خاص دنیا را بنگرد نتوانسته. این زن بیشتر یک عروسک سخنگو است که حرف‌هایش همه تکراری و بیشتر کلیشه‌ای است و نگاه مردانه نویسنده را به زن لو می‌دهد.

دو داستان «دادزن» و «هنوز یوسف» داستان‌های متوسط الحال مجموعه‌اند. دادزن به لحاظ پرداخت خلاقانه‌اش - که البته تا به آخر خوب پیش نمی‌رود - و هنوز یوسف به لحاظ فضا سازی مناسب خواندنی شده‌اند.

در داستان «برای ماریسای رذل عزیز» نویسنده گامی بزرگ برای نشان دادن توان ادبی‌اش برداشته

«پرتره مرد ناتمام» اولین مجموعه داستان امیر حسین یزدان بد است که به تازگی توسط نشر چشمه چاپ شده و در ویرترین کتابفروشی‌ها با آن سنجاق قفلی قفل نشده‌اش روی جلد کتاب خودنمایی می‌کند!

وقتی نظرات مختلف درباره این کتاب را مطالعه می‌کردم اصطلاحی نظرم را جلب کرد. «مجموعه داستان یکدست» که گویا منظور مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه است که عنصری در تمام آنها مشترک است و آنها را به هم پیوند می‌دهد. البته امیر حسین یزدان بد خود در یادداشتی، روی آوردن نویسندگان جوان به مجموعه داستان یکدست و اصولاً مجموعه داستان را ترس نویسنده از نزدیک شدن به رمان تعبیر کرده است.

«پرتره مرد ناتمام» بهترین عنوانی بود که می‌شد برای این کتاب برگزید. کتابی که حضور شخصیت خیالی مهرداد ناصری در همه داستان‌هایش بالاخره ردی حتی اندک به جای می‌گذارد. در واقع این عنوان می‌تواند عنوان همه داستان‌های این کتاب باشد. هشت داستان این کتاب به ترتیب «یک دقیقه روی سفیدی سرد دوکی شکل»، «فردا برمی‌گردم»، «دادزن»، «برای ماریسای رذل عزیز»، «چیزی شبیه سونیا»، «الترالایت»، «هنوز یوسف» و «جنوار» است.

داستان اول برای شروع کتاب مناسب‌ترین

گزارش آماری هفته

در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب‌های چاپ اول، انتشارات سنجش با بیست عنوان کتاب پرکارترین ناشر؛ علی جعفری ندوشن با چهار عنوان پرکارترین مولف؛ و مریم فتاح‌زاده با دوازده عنوان پرکارترین مترجم بوده‌اند.

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع‌رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می‌شود. از شنبه ۱۳۸۸/۱۱/۱۷ تا چهارشنبه ۱۳۸۸/۱۱/۲۱، ۱۶۸۴ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتاب‌ها در موضوع آموزشی و کمک‌درسی و سپس علوم عملی بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات علوم اجتماعی، کودک و نوجوان، ادبیات و سایر موضوعات قرار دارند.

گزارش آماری کتاب‌های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تالیف*	ترجمه	چاپ اول	تجدید چاپ	تهران	شهرستان	شمارگان متوسط صفحه
۱	کلیات	۳۰	۲۳	۷	۹	۲۱	۲۷	۳	۲۰۹۷
۲	فلسفه و روانشناسی	۵۹	۳۵	۲۴	۲۷	۳۲	۵۹	۰	۲۳۳۲
۳	دین	۱۰۷	۸۰	۲۷	۳۳	۷۴	۱۰۱	۶	۴۷۴۱
۴	علوم اجتماعی	۱۶۹	۱۵۶	۱۳	۸۹	۸۰	۱۶۶	۳	۲۵۴۵
۵	زبان	۷۴	۷۲	۲	۳۹	۳۵	۷۱	۳	۲۷۶۱
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۱۱۷	۸۹	۲۸	۶۱	۵۶	۱۱۴	۳	۲۲۳۱
۷	علوم عملی	۲۵۸	۱۸۶	۷۲	۱۲۳	۱۳۵	۲۴۵	۱۳	۲۲۳۶
۸	هنر	۵۱	۳۵	۱۶	۲۵	۲۶	۵۱	۰	۲۰۵۸
۹	ادبیات	۱۲۳	۱۰۸	۱۵	۷۰	۵۳	۱۲۲	۱	۲۱۲۷
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۴۲	۳۷	۵	۱۹	۲۳	۳۸	۴	۲۳۹۳
۱۱	آموزشی و کمک درسی**	۵۰۱	۴۹۸	۳	۶۲	۴۳۹	۴۹۴	۷	۳۵۹۴
۱۲	کودک و نوجوان	۱۵۳	۱۰۲	۵۱	۶۷	۸۶	۱۴۵	۸	۴۳۹۵
	جمع بندی	۱۶۸۴	۱۴۲۱	۲۶۳	۶۲۴	۱۰۶۰	۱۶۳۳	۵۱	۲۷۸۴

* «تالیف» به تمامی اثری اطلاق می‌شود که ترجمه نباشد. اثری چون تصحیح، تدوین، گردآوری، تحقیق، شعر و نظایر آن.
** منظور از موضوع «آموزشی و کمک درسی» کلیه کتاب‌هایی است که به نحوی با مواد درسی و برنامه‌های آموزشی تمام مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مربوط هستند و مخاطبان آنها دانش‌آموزان از پیش‌دستانی تا دبیرستان هستند.

شاخص‌های آماری کتاب‌های کودک و نوجوان

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
گزارشگر کتاب	۱۲۰۰۰۰ ریال	یک شب یک قصه: ۳۶۵ قصه برای ۳۶۵ شب؛ کالین کلارک؛ محمد شمسی؛ ناشر: پنجره؛ چاپ ۱۶۲۲؛ صفحه: ۱۵۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۳۰ مرتبه	آداب معاشرت برای دختران و پسران جوان؛ ژان-لویی فورنیه؛ شهین‌دخت بهزادی؛ ناشر: هیرمند؛ ۱۹۲ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه؛ ۱۷۵۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۲۰۰۰۰ نسخه	ترانه‌های خواب و خیال؛ ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان؛ چاپ ۱؛ ۳۲ صفحه؛ ۱۳۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	عکس در آینه دل؛ مجموعه داستان برای نوجوانان؛ محسن پرویز؛ ناشر: تکا (توسعه کتاب ایران)؛ چاپ ۲؛ ۲۹۴ صفحه؛ ۳۵۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۶۲۸ صفحه	دانشنامه‌های اسلامی برای نوجوانان؛ میترا آلیاسین؛ ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان؛ چاپ ۱؛ ۵۰۰۰ نسخه

شاخص‌های آماری کتاب‌های بزرگسال

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
ارزانتترین کتاب	۲۰۰۰ ریال	ادعیه و زیارات ایام هفته؛ ناشر: سایه‌گستر؛ چاپ ۲؛ ۶۴ صفحه؛ ۲۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۳۹۲۰۰۰ ریال	Trevor j. Britz: Advanced dairy science and technology؛ ناشر: پردیس باوران؛ چاپ ۱؛ ۳۱۲ صفحه؛ ۳۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۳۵۳ مرتبه	دفتر برنامه‌ریزی به روش قلم‌چی؛ کاظم قلم‌چی؛ ناشر: کانون فرهنگی آموزش؛ ۱۸۴ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه؛ ۳۹۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۲۵۰۰۰ نسخه	آموزش مفاهیم قرآن (۱)؛ سیدمهدی سیف؛ ناشر: تلاوت؛ چاپ ۷؛ ۸۸ صفحه؛ ۴۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۳۰۰ نسخه	Erica Spackman: influenza virus Avian؛ ناشر: پردیس باوران؛ چاپ ۱؛ ۱۴۲ صفحه؛ ۲۹۲۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۱۴۴۸ صفحه	کلیات شمس تبریزی؛ مطابق با نسخه تصحیح شده استاد بدیع‌الزمان فروزانفر؛ جلال‌الدین محمدین محمد مولوی؛ ناشر: طلایه؛ چاپ ۵؛ ۱۳۰۰ نسخه؛ ۱۴۵۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۲۰ صفحه	کاربرگ‌های کتاب برآورد هزینه = Improve your business؛ مستس بورگنوال؛ مریم فتاح‌زاده؛ ناشر: موسسه کار و تامین اجتماعی؛ چاپ ۱؛ ۱۰۰۰ نسخه؛ ۸۰۰۰ ریال

شاخص‌های آماری کتاب‌های کمک‌درسی

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
ارزانتترین کتاب	۷۵۰۰ ریال	کتاب مجموعه نکات ساختمان، زبان انگلیسی، ریاضی، دین و زندگی؛ دپارتمان ایندگان؛ ناشر: ایندگان؛ چاپ ۱؛ ۴۸ صفحه؛ ۱۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۱۲۰۰۰۰ ریال	۸ کتاب ریاضی؛ مهدی عزیززی؛ ناشر: بین‌المللی گاج؛ چاپ ۶؛ ۶۱۲ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۲۳۷ مرتبه	زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، سوم و دوم دبیرستان؛ محمد جوکار؛ ناشر: بین‌المللی گاج؛ ۳۸۴ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه؛ ۷۵۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۴۰۰۰۰ نسخه	آموزش تکمیلی ادبیات کنکور؛ از پایه تا کنکور؛ برای دوره کامل دبیرستان، داوطلبان کنکور سراسری...؛ علی باقوری؛ ناشر: گل‌بخ؛ چاپ ۲؛ ۳۸۶ صفحه؛ ۱۵۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۵۰۰ نسخه	کتاب کار ریاضیات (۲) سال دوم دبیرستان؛ امین باشی‌زاده؛ ناشر: علوم نوین؛ چاپ ۱؛ ۱۴۸ صفحه؛ ۵۰۰ نسخه؛ ۳۲۰۰۰ ریال

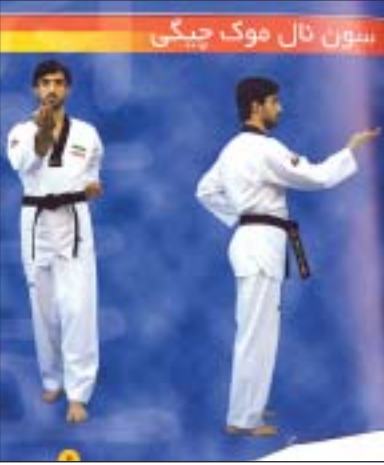
تعداد ناشران در این هفته	تعداد پدیدآورندگان				تعداد کتاب‌های افست
	مؤلف*		مترجم		
۴۹۴	زن	مرد	زن	مرد	۱۹
	۲۱۵	۱۰۷۳	۲۰۴	۵۹	

* مؤلف: تمامی پدیدآورندگان (مانند نویسنده، شاعر، گردآورنده، مصحح و ...) به جز مترجم.



نگاهی به کتاب «آموزش تکواندو - پومسه»

مسافری از قلب فرهنگ شرق آسیا



فصلی برای فراگیری اصول فنی

فصل دوم این کتاب با عنوان «فرم‌های تکواندو» دربرگیرنده موضوعات بسیار مهم و پایه‌ای این رشته ورزشی است؛ از فنون یا تکنیک‌های تکواندو گرفته تا معیارهای اندازه‌گیری، تکنیک‌های ایستادن، تقسیمات بدنی و هدف‌های استاندارد، انواع تکنیک‌های دست، تکنیک‌های پا، فرم‌ها و اهداف و اصول اساسی در اجرای فرم خوب، همگی در این بخش توضیح داده شده‌اند و پس از آن نوبت به بیان چند مبحث می‌رسد، از جمله «تکنیک‌های پایه» و «آموزش پومسه».

اصولی برای قهرمانی و پهلوانی

اصول مبارزه شامل اصول قبل از مسابقه، اصول بدو و شروع مسابقه و اصول در حین اجرای مسابقه، محور فصل سوم کتاب را تشکیل می‌دهند.

در این فصل، بخش‌های مهمی نظیر مشخصات و ویژگی‌های یک مبارز، برنامه ریزی، آمادگی روانی و ذهنی، آمادگی جسمانی، آماده‌سازی تکنیکی و تاکتیکی، ارزیابی تکنیک و تاکتیک حرفه‌ای، تطبیق فیزیکی بدن با حرفه‌ی مقابل، موقعیت‌سنجی در کسب امتیاز، تقسیم انرژی و نفس در کل سه راند، تغییر روند مسابقه در شرایط بحرانی، تسلیم ناپذیری، دست کم نگرفتن حرفه‌ی و اثرگذاری مثبت بر روی داور، مختصر و مفید تشریح می‌شوند. چاپ نخست «آموزش تکواندو - پومسه» در شمارگان ۳۲۰۰ نسخه، ۱۸۰ صفحه و با بهای ۷۰ هزار ریال از سوی نشر علم و حرکت منتشر و روانه بازار کتاب شده است.

دیواری معابد، از پرداختن مردم کره در روزگار کهن به این ورزش حکایت دارد. به اعتقاد نویسندگان، اسناد تاریخی بازمانده از امپراطوری‌های گذشته به واژه «سو باک» برمی‌خوریم که عبارت از هنر رزمی بوده که در آن از دست‌ها و پاها استفاده می‌شده است. با توجه به این تاریخچه می‌توان فهمید که تکواندو پیشینه‌ای دو هزار ساله دارد که در مقابل هنرهای رزمی دیگر از قبیل کونگ‌فوی چین و کاراته ژاپن، پرسابقه‌تر است. کره در سال ۱۹۸۴ تاکنون (صورت قدیمی تکواندو) را به عنوان یک گنجینه‌ی ارزشمند فرهنگی اعلام کرد. تکواندو اصلی توسط استاد سونگ دوکی و استاد شین سئونگ دنبال می‌شود. این دو به عنوان گنجینه‌های ملی شناخته شده‌اند. تاکنون، همان تکواندو عصر حاضر است.»

حاشیه‌هایی موثر بر متن

از جمله عواملی که می‌تواند بر میزان جذابیت یک کتاب منجر شود، استفاده از تصاویر مناسب و باکیفیت است.

در کتاب «آموزش تکواندو - پومسه» علاوه بر استفاده از تصاویر رنگی و طراحی‌های مناسب حرکات گوناگون، حاشیه‌هایی منقش به تصویر و نوشته‌هایی به زبان لاتین و کره‌ای با مضمون تکواندو پومسه، مخاطب را با فضایی کاملاً مانوس با رشته ورزشی تکواندو مواجه می‌سازد. قرار دادن متونی کوتاه، اما پر معنا در داخل کادرهایی ساده، نکاتی ویژه را به مخاطب گوشزد می‌کند. به طور مثال، در یکی از این کادرها این گونه نوشته شده است: «یک هنرآموز مبتدی، ساق حریفش را می‌زند، یک تکواندوکار ماهر، سر حریف خود را می‌زند، ولی یک استاد واقعی تکواندو بالا می‌پرد و کاکل موی حریفش را می‌زند.»

صفحه‌ای برای مخاطب کتاب نگاشته شده و ربانی تنها برای مدح این و آن قلم‌فرسایی نکرده است و این مقدمه، مخاطب محورا است. همین نکته باعث می‌شود که این کتاب از دایره کتاب‌هایی که منتشر می‌شوند تا امتیازی برای مولف آن باشند - به ویژه به عنوان یک مدرس دانشگاه برای ترقی درجه - خارج شود و بدون تعارف این که مخاطب، پولش را دور نریخته باشد.

از آنجا که در همین فرصت کوتاه، به برخی ویژگی‌های این کتاب به شکلی فهرست وار اشاره شد، بجاست انتقادی نیز که بر آن وارد است، بیان شود؛ انتقادی که به یقین بهترین مدخل برای ورود به بحث فنی کتاب است. کتابی ۱۸۰ صفحه‌ای با اندازه هر صفحه ۲۲ در ۲۹ سانتی متر فرصتی مناسب برای پرداختن به قوانین و مقررات، فنون و همچنین فرم‌های مختلف تکواندو به حساب می‌آید و در عین حال آوردن فصل‌هایی نظیر کمک‌های اولیه و آسیب‌شناسی ورزشی و همچنین گریزی بر روانشناسی تکواندو در نگاه اولیه، می‌تواند مزیتی برای آن به حساب بیاید. اما پرگویی مولف، تا اندازه‌ای از یک سو، مجال پردازش عمیق مطالب فنی را به لحاظ تعداد صفحات کتاب می‌گیرد و از سوی دیگر، نگارش بسیار مختصر مبحثی مهم به عنوان روانشناسی تکواندو، هرگز نمی‌تواند حق مطلب را ادا کند، به ویژه آن که بخواهیم شانزده مطلب و سرفصل را در هشت صفحه بیان کنیم.

این مقدمه ضروری است

فصل نخست کتاب با عنوان «آشنایی با تکواندو» ابتدا مخاطب را با تاریخچه جذاب و خواندنی ورزش تکواندو آشنا می‌کند و او را در سفری به اعماق تاریخ کشور پهناور و کهن کره می‌برد، آن گونه که نقاشی‌های

صدها سال پس از پیدایش رشته ورزشی تکواندو در کشور کره، این ورزش که در ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است صاحب کتابی در حد و اندازه شأن این رشته ورزشی در ایران پهناور شده است.

کتاب «آموزش تکواندو - پومسه» به قلم محمدحسین ربانی، محسن افراد و محمدمحسن ربانی، اثری است که تاملی چندجانبه را می‌طلبد. نخست از طرف اهالی رشته ورزشی تکواندو، به گونه‌ای که بتوانند از این کتاب بهره کامل ببرند.

این بهره‌وری کامل شامل چند نوع می‌شود. در گام نخست، داوران، مربیان و ورزشکاران می‌توانند از مطالب آن استفاده کنند و در دیگر گام، مسوولان فدراسیون تکواندو با معرفی و فراهم آوردن شرایط توزیع مناسب این اثر در بین هیات‌ها و باشگاه‌های این رشته ورزشی، امکان بهره‌بردن عموم اهالی تکواندو را میسر سازند.

دیگر گروهی که ضرورت دارد از کنار این کتاب با بی‌توجهی گذر نکنند، نویسندگان حوزه تربیت بدنی و ورزش‌اند. شیوه نگارش و پیوستگی مطالب، استفاده از تصاویر و طراحی‌های مناسب همراه فراگیری مطالب در حوزه قوانین، فرم‌ها و تکنیک‌ها، می‌تواند الگوی مناسبی از تالیف یک کتاب قابل دفاع در حوزه ورزش به حساب بیاید. گروه سوم نیز که ضروری به نظر می‌رسد تاملی تخصصی بر این کتاب داشته باشند، ناشران حوزه تربیت بدنی و ورزش‌اند.

مقدمه نسبتاً کوتاه محمدحسین ربانی اگرچه مانند مقدمه اغلب کتاب‌ها به چگونگی شکل‌گیری انگیزه مولفان این کتاب برای نگارش این اثر و همچنین تقدیر و تشکر از همکاری برخی افراد برای انتشار آن اشاره دارد، اما حکایت از آن می‌کند که این مقدمه دو

وداع با خیال‌پردازی و مخالفت با کلیشه‌سازی

ادامه از صفحه ۱۵

یکی دیگر از دلایل شناخته نشدن جایگاه علوم انسانی و عدم برخوردار بودن تالیفات این حوزه از عمق و کیفیت مناسب، بریدن اندیشمندان ایرانی از گنجینه فرهنگی گذشته و تقلید بی‌قاعده برخی از آنان از متفکران علوم انسانی غربی است، موضوعی که سبب نادیده انگاشتن آثار ارزشمند عربی هم شده است.

مجتهدی درباره دلیل این معضل می‌گوید: «بسیاری از جوانان کشورمان گذشته فرهنگی خود را از یاد برده‌اند، امری که به آسیب‌پذیری در برابر تهاجمات فرهنگی می‌انجامد. اندیشمندان علوم انسانی نیز از این تهاجمات بی‌نصیب نمانده، با تأثیرپذیری بیش از حد و خارج از قاعده از آثار غربی، دچار سطحی‌نگری و از دست دادن استقلال فکری شده‌اند درحالی که استقلال فکری برای یک دانشمند الزامی است. وقوف به عمق علم یک متفکر نیز به ارزیابی صحیح نیاز دارد. باید مسائل را با واقع‌نگری بنگریم و زندگی خیال‌پردازانه را به کناری بگذاریم، زیرا تنها در این صورت است که موفق به یافتن راه حل برای خروج علوم انسانی از شرایط فعلی خواهیم شد.»

یکی دیگر از مسائل مورد توجه در علوم انسانی، بومی‌سازی آن منطبق با نیازهای هریک از جوامع است. برخی متفکران علوم انسانی بر این باورند که نمی‌توان این علوم را در گرایش‌هایی نظیر غربی و اسلامی تقسیم بندی کرد، چرا که ساختار آن نظیر سایر علوم از خطی واحد پیروی می‌کند. به اعتقاد آنان، همان گونه که نمی‌توان علوم ریاضیات اسلامی و غربی داشت، امکان تعریف و تقسیم علوم انسانی در این دو حوزه نیز بی‌اعتبار است، بنابراین اساساً نمی‌توان مفهومی با عنوان بومی‌سازی را فرض کرد، اما دکتر مجتهدی نظر دیگری دارد. وی مخالف تکرار طوطی وار در تفسیر علوم و معتقد به فهم مطالب متناسب با مسائل زندگی و تاریخ هر ملت است. او می‌گوید: «در فلسفه به عنوان یکی از رشته‌های علوم انسانی، انکار یک موضوع

غیرممکن می‌نماید و آن ریشه داشتن تمامی فلسفه‌ها در اندیشه یونانی است، اما خوانش و تفسیر افکار ارسطو و افلاطون در غرب و شرق متفاوت است و این به معنای برداشت بومی از این اندیشه‌هاست. مقصود از بومی‌سازی، نفی ارزش‌های علمی غرب نیست، بلکه بیان یافته‌های علوم غربی به گونه‌ای است که با زندگی و تاریخ کشورمان نسبت داشته باشد. بومی ساختن علوم انسانی سبب شناخت عمیق متفکران بومی و غیربومی شده و در نهایت به مقابله با سطحی‌اندیشی می‌انجامد. مخالفت با کلیشه‌سازی موضوعی اصیل است که شایستگی توجه بیشتری دارد.»

مجتهدی، احیای فرهنگ اسلامی و ایرانی را ضروری می‌داند، چرا که به باور وی از دست رفتن این فرهنگ، اندیشمندان را به مصرف زدگی دچار خواهد کرد. وی بر حفظ اصالت فرهنگ‌های غربی و شرقی تأکید می‌ورزد و می‌گوید: «بسیاری بر این باورند که تفسیری صحیح از اندیشه‌های متفکران غربی نظیر بیکن، دکارت و لایب‌نیتس در ایران ارائه شده است، موضوعی که صحت ندارد؛ چرا که فهم صحیح این اندیشه‌ها از سوی جوانان آنان را به خوانش تفکرات فلاسفه ایرانی نظیر فارابی و ملاصدرا علاقه‌مند خواهد کرد.» گسستن از فرهنگ غنی گذشته و گرایش به اندیشه غرب و تا اندازه‌ای مرعوب ماندن در برابر آن، جریانی است که از حدود دو بیست سال گذشته آغاز شده است. اندیشمندان بریده از گذشته، ریشه‌هایش را از دست داد و از رسیدن به اندیشه عمیق غربی نیز بازماند و به این ترتیب میان گنجینه فکری گذشته و ارزش‌های به دست نیامده مدرن سرگردان شد، اما مجتهدی وضعیت کنونی علوم انسانی را چندان نگران کننده نمی‌داند و به آینده امیدوار است: «طرح مشکلات این حوزه از سوی جوانان و جست‌وجوی راهکارهای آن آینده‌ای روشن را نوید می‌دهد. فعالیت در حوزه فلسفه مرا از ناامیدی دور می‌دارد زیرا فلسفه همواره در جست‌وجوی امکانات آتی است.»

علوم انسانی، علمی نظری‌اند و به همین دلیل مهم‌ترین راه انتقال و آگاهی از تحولات آنها از طریق کتاب میسر می‌شود، بنابراین بدیهی است که کیفیت کتاب‌ها در این زمینه نقشی اساسی در بالیدن این علوم در جوامع دارد. بها دادن و ارج نهادن به آثار فاخر و سازنده در این زمینه به یقین بر جهت‌گیری‌ها و رویکردهای نویسندگان اندیشمند موثر خواهد بود. لازم به ذکر است که کتاب‌ها حاصل تفکر اندیشمندان‌اند که متأثر از شرایط پیرامونشان به نشر افکار خویش می‌پردازند، اما به هر حال توجه بیشتر به حوزه آثار مکتوب و تشخیص و تشویق صحیح از سوی مسوولان نتیجه بخش خواهد بود. مجتهدی در این باره، تشخیص سره از ناسره در حوزه کتاب را بسیار اساسی می‌داند و می‌گوید: «اگر ارزیابی کتاب‌ها صحیح و دقیق انجام گیرد و رمز میان آثار مطلوب و نامطلوب آشکار شود، نویسندگان به اصلاح خویش می‌پردازند و اقدام به نگارش آثار سطحی نمی‌کنند. درباره کتاب‌های ترجمه‌ای نیز وضع به همین منوال است. البته کتاب‌های عمیق و تأثیرگذار این حوزه در ایران را نمی‌توان نادیده انگاشت، اما اگر واقع بین باشیم، درمی‌یابیم که از اشکالات آثار ترجمه‌ای نظیر عدم تسلط مترجم به زبان مقصد و مبدا نیز نمی‌توان چشم پوشید. ضروری است کتاب‌ها پیش از ترجمه توسط متخصصان هر حوزه مطالعه و درک شوند. همچنین گرایش به ترجمه آثار جنجال‌برانگیز کمک‌چندانی به بالیدن علوم انسانی و نظری نخواهد کرد. لحنی که من در این مصاحبه در پیش گرفته‌ام، انتقادی است و این به معنای زیر سوال بردن ارزش کار برخی از دلسوزان نیست. تنها قصدم از بیان این مطالب به عنوان واقعیت‌های جامعه علمی کشورمان، کمک به درک این مشکلات است. مشکلاتی که حل آنها به همت مسوولان بستگی دارد، چرا که چند نویسنده و متفکر به صورت پراکنده قادر به اصلاح امور نخواهند بود.»

وی در پایان از امید به آینده و تأکید بر رسیدن به وضعیتی مطلوب در سال‌های آتی سخن می‌گوید: «فیلسوف هیچ‌گاه ناامید نیست، زیرا فلسفه معتقد به وجود قطعی امکانات است. بار دیگر بر تشخیص صحیح سره از ناسره و قضاوت درست تأکید می‌کنم، چرا که در رویکردهای فکری و همت نویسندگان تأثیر بسزایی دارد.»

